

بسم الله الرحمن الرحيم

کاربرد شاخص ارزشی کرامت انسانی در طراحی فناوری اسلامی بر اساس قرآن کریم

نسخه پیش نویس : غیر قابل استناد

محسن بهرامی

کارشناسی مهندسی هوافضا، کارشناسی ارشد تفسیر قرآن کریم و طلبه سطح یک حوزه علمیه

Email: Mohsen.bahrami.2012@chmail.ir

توضیح و پوزش

قرار بود این مقاله در حداکثر بیست صفحه خلاصه شود و بسیاری از نقل قولها به اشاره و ارجاع تبدیل شوند ولی با توجه به ضیق وقت و گذشتن از زمان ارسال اصل مقالات همین نسخه مفصل ارائه می گردد امید است در صورت قبول در نسخه های بعدی تلخیص و اصلاحات لازم در ارجاعات و منابع صورت گیرد. البته دیدن ارجاعات نیز لطف خاص خود را دارد و زحمت مخاطب را برای رجوع به اصل منبع کم می سازد. التماس دعا

چکیده

یکی از مهمترین شاخص های پیشرفت فناوری، رشد نظام ارزشی حاکم بر فناوری است. در حال حاضر نظام ارزشی حاکم بر فناوری های رایج، نظامی چند وجهی است که ترکیبی از ارزشهای پسندیده ی عقل بنیاد و ارزشهای انحرافی مبتنی بر نظام ارزشی لیبرالیسم و اومانیزم است. برای داشتن الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی و تمدن نوین اسلامی گریزی از تولید نظام ارزشی مبتنی بر ارزشهای اسلامی برای ساحت های مختلف زندگی بشری از جمله فناوری نیست. بهترین مبنا برای تولید این زیرساخت های ارزشی، قرآن کریم است. یکی از مهمترین ارزش های انسانی تاکید شده در قرآن کریم کرامت انسانی است. برای نمونه خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر (اسراء ۷۰) همان گونه که ملاحظه می شود در این آیه ی شریفه حمل بنی آدم که امروزه از مهمترین کارکردهای فناوری است مصداق تکریم بنی آدم شمرده شده است. در آیه ی دیگری می فرماید: و علیها و علی الفلک تحملون (مومنون ۲۲) که با حرف جر "علی" به استعلا ی آدمی بر وسیله و ابزار حمل اشاره شده است. این مقاله پس از بررسی آیات مرتبط با کاربرد کرامت انسانی در فناوری به تطبیق این ارزش بر حیطه های مختلف مرتبط با فناوری از جمله ساحت های طراحی، تولید، به کارگیری و بازیابی بر اساس این آیات می پردازد.

پیش درآمد

بعد از گذشت سی و سه سال از انقلاب اسلامی ایران امروزه صنایع کوچک و بزرگ فراوانی در ام القرای جهان اسلام شکل گرفته است و برخی نیازهای جامعه اسلامی را برطرف کرده است. اما به راستی این صنایع زینده ی جامعه ای که برای برپایی احکام قرآن بنا شده است هستند؟ یکی از موضوعاتی که بعد از انقلاب صنعتی، همواره به عنوان چماقی بر سر دین مداران مطرح بوده است بحث پیشرفت های فناورانه ی بعد از رنسانس (نوزایی) بوده است. با صرف نظر از این که چقدر این پیشرفتهای از ترجمه ی آثار تمدن اسلامی حاصل شده است، این موضوع در غرب بر علیه دین مکرر استفاده شده است. دین ستیزان با طرح این نکته که پیشرفت فناوری از بعد از حذف سلطه ی کلیسا در غرب آغاز شده است دین را به ستیز با پیشرفت فناوری متهم می نمودند و دین مداری را تهدیدی برای فناوری و عاملی برای ارتجاع به عصر ماقبل مدرنیته می دانستند. این دین ستیزی به کمک فناوری، که زاینده شده در غرب و دارای قرائن و شواهد در اروپا بود قبل از انقلاب اسلامی، در عصر پهلوی در مقابل علمای ایران ترجمه و به شدت مطرح می شد حال آنکه خواستگاه آن ادعا جای دیگری بود و از طرف دیگر به شهادت تاریخ و اعتراف خود علمای منصف مغرب زمین محصولات تمدن اسلامی خواستگاه اصلی برای شروع رشد فناوری در غرب بود. حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه در چندین نوبت به این سوء استفاده ها اشاره فرمودند:

ما را کهنه پرست معرفی می کنند، ما را مرتجع معرفی می کنند، علمای اسلام را به ارتجاع سیاه تعبیر می کنند. جراید خارج از ایران، آنهایی که با بودجه های گزاف، برای کوبیدن ما مهیا شده اند، در خارج ما را مخالف اصلاحات - که اسلام در رأس اصلاحات واقع شده است؛ معرفی می کنند؛ مخالف ترقی مملکت معرفی می کنند؛ می گویند آخوندها می خواهند با الاغ باز سوار بشوند از این طرف به آن طرف بروند؛ آخوندها می گویند که برق نمی خواهیم؛ آخوندها می گویند طیاره نمی خواهیم؛ اینها مرتجع هستند؛ اینها می خواهند به قرون وسطی برگردند. (صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۸۶)

در بیان دیگری ایشان می فرمایند:

تبلیغ شده است به اینکه اگر حکومت اسلامی تأسیس بشود، دیگر تمام این مؤسسه هایی که بوی تجدد از آنها می آید، اینها همه به کنار باید بروند. حتی در آن اوایل امر یکوقت شاه گفته بود که این روحانیون می گویند که ما اصلاً سوار طیاره و اتومبیل نمی شویم، ما می خواهیم سوار الاغ بشویم! می خواهیم مثل زمان سابق که سوار الاغ می شدند، ما می خواهیم سوار الاغ بشویم! و حالا هم همین حرفها را با کم و زیادش می زنند که روحانیون می خواهند مملکت را برگردانند به عهد کذا. خیر، مسئله غلط است. روحانیون می خواهند مملکت را یک مملکت مستقل آزاد متمدنی کنند؛ نه آن تمدنی که در اصطلاح شاه است و نه آن آزادی که در کتاب شاه است و در اصطلاح شاه است که مردم را فوج فوج می کشند برای اینکه یک صدا می کنند مع ذلک اسمش را آزادی می گذارند! در اسلام، تمام آثار تجدد و تمدن در اسلام مجاز است مگر آنهایی که فساد

اخلاق بیاورند، فساد عفت بیاورند. اسلام آن چیزهایی را که مخالف با مصالح ملت بوده است، آنها را نفی کرده. آنهایی که موافق با مصالح ملت است، آنها را اثبات کرده است. ما الآن این مظاهر تمدنی که در جاهای دیگر - در ممالک پیشرفته - از آنها استفاده‌های صحیح می‌شود، وقتی که آمده است در مملکت ما یا مملکتهای شبیه به مملکت ما، استفاده‌هایی که از اینها می‌شود استفاده‌های فاسد می‌شود؛ مثلاً سینما. ممکن است که کسی در سینما نمایشهایی که می‌دهد نمایشهای اخلاقی باشد، نمایشهای آموزنده باشد، که این را هیچ کس منع نکرده؛ و اما سینمایی که برای فساد اخلاق جوانهای ماست، و اگر چند روز جوانهای ما در این سینماهایی که در این عصر متعارف بود و در زمان شاه متعارف است، اگر چند وقت یک جوان برود در آنجا فاسد بیرون می‌آید، دیگر به درد نمی‌خورد ... و اینها می‌خواهند همین بشود. یعنی تمام برنامه‌هایی که اینها درست کرده‌اند، برنامه‌های فرهنگی، برنامه‌های هنری، هر چه درست کرده‌اند استعماری است. (صحیفه امام، ج ۵، ص: ۲۶۱ و ۲۶۲)

در سال آخر حیات مبارکشان نیز چنین فرمودند:

مخالفت روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته صرفاً به جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی، خصوصاً فرهنگ مبتذل غرب موجب شده بود که آنان با اختراعات و پدیده‌ها برخورد احتیاط‌آمیز کنند. علمای راستین از بس که دروغ و فریب از جهان‌خواران دیده بودند، به هیچ چیزی اطمینان نمی‌کردند و ابزاری از قبیل رادیو و تلویزیون در نزدشان مقدمه‌ی ورود استعمار بود، لذا گاهی حکم به منع استفاده از آنها را میدادند. آیا رادیو و تلویزیون در کشورهایی چون ایران وسایلی نبودند تا فرهنگ غرب را به ارمغان آورند؟ و آیا رژیم گذشته از رادیو و تلویزیون برای بی اعتبار کردن عقاید مذهبی و نادیده گرفتن آداب و رسوم ملی استفاده نمی‌نمود؟ (صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۲۷۷)

در بیان دیگری می‌فرمایند:

اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآورها، اختراعات و ابتکارات و صنعت‌های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچ‌گاه اسلام و هیچ‌مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است. (صحیفه امام ج ۲۱ ص ۳۹۳)

امام خمینی رحمت الله علیه با رد پرداختن انحصاری به فناوری در غرب و غفلت از ابعاد دیگر انسان می‌فرماید:

اسلام می‌خواهد کاری بکند که شما در داخل صندوقخانه هم هیچ کاری نکنید برخلاف قوانین عالم، قوانین دیگر چه کار دارند به باطن، توی خانه‌ها هر کاری می‌خواهی بکن. به من چه، شما نیا بیرون و نظم را به هم بزنی، هر کاری می‌خواهی بکن. اسلام این جور نیست. اسلام می‌خواهد انسان درست کند. این انسان را جوری می‌کند که توی صندوقخانه و پشت در هم، همان باشد که توی خیابان است؛ نه اینکه توی صندوقخانه هر کاری می‌خواهد بکند، توی خیابان نکند. توی صندوقخانه هم این آدم باید همان آدمی باشد که توی خیابان است؛ توی مجامع است. اسلام انسان می‌خواهد درست کند؛ انسانی که در

همه حالات انسان باشد. غرب از این اصلاً خبری ندارد. غرب دنبال این است که طیاره درست کند؛ به انسان کار ندارد. عالم را انسان باید درست بکند؛ غرب به انسان کار ندارد. غرب به طیاره کار دارد، و اینطور چیزها، انسان را رو به تباهی دارد می‌برد. دارد انسان را وحشی بارمی آورد - یعنی آدمکش - بالاتر وحشی، آن است که بیشتر آدم می‌کشد؛ بیشتر حیوان می‌خورد. غرب دارد انسان را وحشی بار می‌آورد. آن وحشی که آدمخوار است، آدمکش است! آدمکش بار می‌آورد. اسلام انسان را محب آدم بار می‌آورد. به آدم عطف دارد. آنجایی هم که اسلام جنگ کرده و اشخاص فاسد را از بین برده، برای عطف به جامعه است. (صحیفه امام، ج ۸، ص: ۸۱ و ۸۲)

اما به راستی در یک فضای فکری آزاد، آیا دین با فناوری مخالف است؟ حضرت امام می‌فرمودند که دین با محتوای فاسدی که از طریق فناوری در زمان طاغوت برای تخدیر ملت ایران به جامعه تزریق می‌شد مخالف بود و نه با اصل فناوری. در آن شرایط بهترین دفاع در مقابل شبهه ای که مطرح می‌شد همین پاسخ بود اما در واقع ویرایش دین نسبت به فناوری و متعلقاتش به صرف محتوا محدود نمی‌شود و بخشی از پیش فرض های ارزشی و طراحی مفهومی استفاده شده در محصولات فناورانه ی غربی هم مورد اشکال جدی علمای دینی بوده و هست. نمونه های از ورود فقها در نظام ارزشی فناوری در ادامه تقدیم خواهد شد.

لذا دین فقط در عرصه ی محتوا به فناوری امروز غربی انتقاد ندارد بلکه در بحث نظام ارزشی حاکم بر فناوری غربی اشکالات جدی به فناوری مدرن غرب وارد است. از بعد از انقلاب غربگراهای زیرک برای جلوگیری از ورود متفکرین اسلامی در فضای نظریه پردازی در حیطه ی نظام ارزشی فناوری و علوم انسانی جدید، شبهه ی بنیادین امکان وجود علوم انسانی اسلامی و فناوری اسلامی را مطرح نمودند و با پروپاگاندای سنگین رسانه ای سعی داشتند انکار نمایند که اصلاً می‌توان علوم اسلامی و فناوری اسلامی تولید نمود و برای همه ی حیطه ها نظام ارزشی اسلامی را به عنوان مبنایی ترین لایه ی علوم، پایه قرار داد و بر روی آن اقدام به باز تولید علوم رایج کنونی نمود. متأسفانه بسیاری از متفکرین دغدغه مند حوزوی و دانشگاهی، سالها در این سد و در این دام شیطانی متوقف شدند و صرفاً نیروی خود را بر سر اثبات وجود و امکان علوم اسلامی صرف نمودند در حالی که مناسب تر بود با تولید و نظریه پردازی در فضای علوم انسانی اسلامی و فناوری اسلامی عملاً به این پرسش پاسخ می‌دادند.

در هر حال در همین سالها در برخی مقالات و کتابهای ارزشمند ولی محدود در مورد فهم گزاره های ارزشی از دین برای فضای فناوری هم سخنانی بیان شد مثل کتاب اسلام و محیط زیست از حضرت آیت الله جوادی آملی و کتاب گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی از استاد طاهر زاده. اخیراً هم کتاب فناوری در قرآن از جمعی از اساتید دانشگاه امام حسین علیه السلام به موضوع فناوری در قرآن پرداخته است و شکر خدا در سال جاری هم کتاب رابطه ی دین و فناوری جمع بندی خوبی در زمینه فناوری اسلامی از سخنان گفته شده توسط علما داشته است. از طرفی کم کم شاهدیم فقه و اصول علوم حوزوی شیعی هم در حال پوست اندازی هستند و محققین متعددی در حال کار بر روی اصول و فقه حکومتی و اصول و فقه ناظر به پیشرفت به سمت تمدن اسلامی و الگوی پیشرفت اسلامی هستند (مثل کتاب اصول فقه حکومتی، رضا اسلامی چاپ اول بهار ۱۳۸۷ نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، و کتاب ماهیت و الزامات فقه پیشرفت - درآمدی بر فلسفه فقه نظام اجتماعی پیشرفت گرا - امین رضا عابدی نژاد داورانی، چاپ اول پاییز ۹۶ نشر موسسه امام خمینی ره). بی‌شک باید اصول

و فقه جدیدی ناظر به همه ی مراحل و مراتب زندگی اجتماعی به همان استحکام و قوت فقه سنتی جواهری که غالباً بر مبنای تکالیف فردی نوشته شده است تولید شود و مبنای عمل در نظام مقدس جمهوری اسلامی قرار گیرد.

اینکه متأسفانه هر ساله کلان شهرهای کشور به خاطر آلودگی هوا چند روز تعطیل می شوند و یا موضوع آلودگی آب رودخانه ها و مرگ و میر ماهی ها و یا چه بسا قضیه ی ریزگردها ناشی از صنایع و فناوری های غیرقرآنی هستند و ان شاء الله با رشد و گسترش فناوری های قرآنی شاهد این آلودگی ها نخواهیم بود. قرآن کریم در این رابطه می فرماید:

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (روم ۴۱)

فساد در خشکی و دریا به سبب دستاورد مردم نمودار شده است تا خداوند (ثمرات تلخ) بعضی از آنچه را انجام داده اند به آنان بچشاند شاید (از گناهان آلاینده) برگردند.

بر اساس نگاه سطحی موضوع صنعت و فناوری در قرآن کریم به صراحت نیامده است و قرآن کریم ظاهراً در بحث فناوری و صنعت کلام و دستور صریحی ندارد. اما ان شاء الله به فضل الهی در پایان مطالعه ی این گفتار خواننده گرامی در خواهد یافت که این تصور صحیح نیست و قرآن کریم به این مقوله نیز عنایت دارد و نکات بدیع و راهبردی کاملی در این باره ارائه می دهد و دریایی از گهرهای ناب در بحث فناوری و صنعت اسلامی از قرآن کریم قابل برداشت است.

اهمیت ارزشهای اسلامی در اسناد کلان فناوری در کشور:

از جمله بندهای سیاست های کلی نظام برای رشد و توسعه علم و فناوری در کشور این بند است:

حفظ موازین اسلامی و ارزش های فرهنگی و اجتماعی در استفاده از علم و فناوری.^۱

یکی از بندهای سیاست های کلی نظام در امور «شهرسازی» نیز چنین است:

تعیین ابعاد کالبدی شهرها در گسترش افقی و عمودی با تاکید بر هویت ایرانی-اسلامی و با رعایت ملاحظات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، حقوق همسایگی و امکانات زیربنایی و الزامات زیست محیطی و اقلیمی.^۲

سؤال اینجاست که فناوری مورد نظر در سند چشم انداز کدام فناوری است؟ موازین اسلامی در استفاده از فناوری چیست؟ هویت اسلامی برای یک شهر به چه معناست؟ اگر مشخصات فناوری مطلوب توسط نخبگان دارای اندیشه ی اسلامی تبیین نشود و در این باره پژوهش لازم انجام نشود نخبگان راحت طلب و بعضاً غربگرا و دارای نظام اندیشه ی غربی، فناوری های دارای ارزش های غربی را مقصود از فناوری در سند چشم انداز معنا کرده و به جامعه ارائه خواهند نمود.

۱ سیاست های کلی نظام در زمینه «علم و فناوری» ابلاغی ۲۹ شهریور ۹۳ سایت خامنه ای دات آی آر

۲ سیاست های کلی نظام در امور شهرسازی ابلاغی ۲۹ بهمن ۸۹ سایت خامنه ای دات آی آر

نظام ارزشی در فناوری

عنوان فناوری اسلامی نامی است که پیشتر نیز در برخی کتابها مانند تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی^۳ بکار برده شده است. در واقع این کتاب فناوریهایی را که در دوره تمدن اسلامی در ممالک اسلامی رشد و توسعه یافته است بررسی کرده است و نشان داده است بسیاری فناوریهایی که غرب مودبانه درباره آنها هیچ اسمی از ماخذ و منبعش نمی برد از جهان اسلام گرفته شده است. متأسفانه کتابهای غربی در این زمینه با تحریف تاریخ به جای حرف از تمدن اسلامی به عنوان مبدأ پیشرفت تکنولوژیگشان سعی می کنند با طرح اسامی ای مانند داوینچی و گالیله و ارشمیدس و ... ذهن مخاطب را از فهم این که بسیاری از این تکنیک ها در جهان اسلام کشف شده است بازدارند. موضوع مقاله ما البته بحث از مصادیق تکنولوژیک بوجود آمده در دنیای اسلام نیست و بحث ما بیشتر مبانی مفهومی و معرفتی فناوری و صنعت اسلامی است نه تاریخ فناوریها و صنایع مسلمانان.

چیستی نظام ارزشی

هر یک از حیطه ها و ساحت های نظام عملکرد انسان ها در زندگی بر اساس لایه های مختلف تصمیم گیری و بسترسازی فکری قابل سطح بندی است. مهندسین و طراحان فناوری یک جامعه سازمانی هستند که قابل مدل سازی بر اساس نظریات مدیریت سازمانی و مدیریت استراتژیک است. در نظریات جدید مدیریت مانند مدیریت بر اساس ارزشها، هرم استراتژی سازمان ها چنین طراحی می شود.^۴

ارزش ها (core values)، ماموریت و چشم انداز (mission and vision)، سیاست ها و راهبرد ها (policies and Strategies)، سازمان ها و نهادها و تشکیلات (systems)، برنامه ها و فعالیت ها (actions and plans)، سنجه ها و شاخص های عملیاتی (metrics).

نمودار زیر به عنوان هرم استراتژی سازمانی نشان دهنده ی این سلسله مراتب است که از نوک هرم تاثیرات مفهومی به پایین سرایت می کند:

^۳ یوسف حسن، احمد و ر. هیل، دانلد؛ تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی، مترجم ناصر موفقیان

^۴ مراجعه کنید به مقاله ی مدیریت راهبردی مبتنی بر ارزش در سطح سازمان، نویسندگان: مبینی دهکردی علی، ربانی آرزو، فصلنامه علمی پژوهشی مجلس و راهبرد: تابستان ۱۳۹۱، دوره ۱۹، شماره ۷۰؛ و کتاب مدیریت بر اساس ارزش ها؛ بلانچارد، کنث؛ اکانر، مایکل؛ مترجم: کامران پروانه؛ نشر آبنگاه. ۱۳۸۲ و کتاب رفتار سازمانی، رایینز استیفن و جاج تیموتی، ترجمه مهدی زارع، نشر نص تهران ۱۳۸۹



در هرم پایین نیز به عکس هرم بالا با این فرض است که تاثیرات مفهومی و تصمیم ساز از قاعده ی هرم به راس آن نفوذ و سرایت و تاثیر داشته باشد:



مثلا:

لایه ی ارزشی: کرامت انسانی در حیطه فناوری یک ارزش است.

لایه ی ماموریت و چشم انداز: رسیدن به جامعه ای با صدر درصد محصولات فناورانه ی دارای شاخص کرامت انسانی در بالاترین سطح.

لایه ی سیاست گذاری: سیاست مطلوب ارتقای شاخص کرامت انسانی در زمینه فناوری است.

لایه ی راهبرد: راهبرد مطلوب پرداختن به تقویت محصولات فناورانه ی رعایت کننده ی شاخص کرامت انسانی و تضعیف محصولات فناورانه ای است که شاخص کرامت انسانی را رعایت نمی کنند.

لایه ی برنامه: برنامه ما طراحی و تولید محصولات فناورانه ی رعایت کننده ی شاخص کرامت انسانی و بازطراحی و بازتولید فناوری هایی است که شاخص کرامت انسانی را رعایت نمی کنند.

لایه ی فعالیت: طراحی سامانه های پرنده برای حمل انسان.

شاخص: جایگاه انسان در پرنده در قسمت بالا و متمایل به جلوی پرنده در نظر گرفته شود که شریف ترین مکان هر وسیله ی نقلیه است. کما این که در حال حاضر در دوچرخه و موتور و خودرو هواپیما و حتی کشتی عموماً همین موضع برای جایگاه انسان در نظر گرفته می شود.

چند مثال شاخصهای ارزشی در فناوری:

مثال کرامت انسانی: جوان با فطرت شاداب علاقه به موتور و ماشین روباز و سقف جمع شو دارد.

مثال ضد کرامت انسانی: دوچرخه ی محبوس و تنگ با حالت ارگونومیک خوابیده برای انسان

در مورد عصر حضرت سلیمان نبی به حمل و نقل هوایی در قرآن کریم اشاره شده است.

اینکه ربات فرمانده انسانها شود با کرامت انسان هماهنگ نیست. ربات ها مطیع انسان باشند کما اینکه ملانکه در آخرالزمان ساجد به انسان و مطیع او هستند.

فناوری سوار بر انسان نباشد مثلاً رباتها سوار انسان نشوند بلکه انسانها سوار بر رباتها باشند... رباتی طراحی نشود که سوار انسانها شود بلکه انسان روی فناوری از همه نظر سوار باشد. در همین فضا می توان بحث مونوریل و مترو را هم مطرح کرد که با صرف نظر از کاربری مترو برای مقابله با بمباران نظامی که یک کاربری عقلایی است آیا با رفع تهدیدات نظامی و خطر بمباران باز هم توجیه ارزشی دارد که حمل و نقل انسانها زیرزمینی باشد؟ آیا حمل و نقل زیرزمینی شاخص کرامت انسانی را تامین می کند؟

پیشینه پژوهش و نمونه‌هایی از ورود فقها به نظام ارزشی فناوری

در زمینه‌ی صنعت و فناوری در قرآن کریم گرچه پژوهش مستقلاً به رویت نگارنده نرسیده است اما در بسیاری از کتب تفسیری علمای اسلام در ذیل آیات مربوط به صنعت و فناوری بحث‌های متنوعی صورت پذیرفته است که شایان توجه است. پیشتر به برخی از این کتب مانند آثار آیت الله عبدالله جوادی آملی و استاد اصغر طاهرزاده اشاره شد. ضرورت این ورود نیز توسط برخی پژوهشگران مطرح شده است. تا جایی که نگارنده مطلع است اولین شخصیت معاصری که خواستار پیگیری طرح بحث مبانی معرفتی اسلامی صنعت و فناوری شد و ضرورت آن را تحت عنوان کلید واژه‌ی فقه صنعت در عصر حاضر گوشزد نمود علامه محمد تقی جعفری بود.^۵

در حقیقت هیچ عملی - چه عضلانی و چه فکری، خواه طبیعی یا قرار دادی و خواه ارزشی و غیر ذلک - از بشر سر نمی‌زند، مگر این‌که مسمول قانون فراگیر الهی؛ یعنی فقه باشد، بنابراین فقه اسلامی شامل بخشهای زیر می‌شود: فقه عبادی، فقه احوال شخصیه، فقه معاملات و عقود و ایقاعات، فقه اخلاق، فقه عرفان، فقه سیاست، فقه صنعت، فقه ارتباطات بین المللی، فقه فرهنگ، فقه مدیریت، فقه جهاد و دفاع، فقه علوم، فقه اکتشافات، فقه آینده‌نگری فقه اطلاعات به آنچه که در دنیا می‌گذرد، ... و

از جمله حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه نیز در مصاحبه با هفته نامه صبح صادق درباره تحول در حوزه و دیدگاه امام خامنه ای می‌گوید:

اکنون حوزه بیشتر در مباحث فقهی به مباحث متعارف فقهی طهارت تا دیات می‌پردازد، یعنی آنچه که امروز در شرح لمعه یا در شرایع وجود دارد در حالی که جامعه ما که حکومت دینی تشکیل داده به شدت نیازمند به عرصه‌های دیگر فقهی است، یعنی فقه توسعه، فقه صنعت، فقه تکنولوژی، فقه فرهنگ (که در درون فقه فرهنگ بحث‌های فقه موسیقی و امثال ذلک وجود دارد)، فقه پزشکی و ... نیازهای ضروری جامعه امروز ما به شمار می‌آید. دیدگاه مقام معظم رهبری (حفظه الله) این است که وقتی که حوزه می‌خواهد پیرامون فقه کار پژوهشی، آموزشی و تبلیغی انجام دهد باید همه این عرصه‌های جدید را مد نظر قرار دهد فقط بحث متعارف طهارت تا دیات را نباید مورد توجه قرار دهد.^۶

همچنین حجت الاسلام حجت الله بیات نیز در مجله مبلغان^۷ می‌نویسد:

۵ جعفری محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۲۵، ص ۱۲۵ و فلسفه دین، ص ۱۸۸
۶ مصاحبه با حجت الاسلام عبدالحسین خسروپناه، هفته نامه صبح صادق شماره ۴۷۶، سال ۱۳۸۹، ص ۱۰
۷ مصاحبه با حجت الاسلام حجت الله بیات، مجله مبلغان شماره ۱۰۰، بهمن و اسفند ۸۶، ص ۱۴۱

با توجه دقیق و همه جانبه به ارکان اعتقادی و احکام مکتب اسلام، این حقیقت اثبات می‌شود که ما در اسلام، فقهی که محدود و منحصر به بیان کیفیت و کمیت رابطه شخصی انسان با خدا، یعنی عبادات می‌باشد، نداریم؛ بلکه تمامی اعمال و شؤون حیات معقول انسانها در قلمرو فردی و اجتماعی - که یگانه عامل سعادت دنیوی و اخروی بشریت است - مشمول فقه به معنای حقیقی آن می‌باشد؛ بنابراین، فقه اسلامی شامل بخشهای زیر است: فقه ارتباطات بین الملل، فقه صنعت، فقه سیاست، فقه فرهنگ، فقه مدیریت، فقه جهاد و دفاع، فقه علوم، فقه اکتشافات، فقه مبارزه با ظلم و فساد، فقه تشویق و تحریک به بایستگیها، فقه مبارزه با ناشایستگیها، فقه آینده نگری، فقه تکنولوژی، فقه هنر، فقه رسانه، فقه تعلیم و تربیت، فقه اطلاع رسانی، فقه تبلیغات و فقه اطلاعات به آنچه در دنیا می‌گذرد و ...

یکی از مواردی که ضرورت طراحی این نظام را نشان می‌دهد اهتمام حضرت امام خمینی و امام خامنه ای که سفیران امام زمان ارواحنا فدا و نایبان ایشان هستند و اطاعت امرشان واجب است بر متفاوت بودن صنعت و فناوری اسلامی نسبت به صنعت و فناوری موجود است. ضرورت اسلامی شدن فناوری و صنایع کشور در برخی بیانات امام راحل عظیم الشان و امام خامنه ای حفظه الله چنین نمود یافته است. در ادامه به ورودهای این بزرگواران و برخی فقهای طراز اول کشور در این زمینه پرداخته می‌شود.

امام خمینی رحمه الله

امام راحل عظیم الشان رحمه الله تفاوت صنعت اسلامی را با صنعت کنونی جهان متذکر می‌شوند و درباره لزوم حفظ فرهنگ اسلامی و اهداف الهی در صنعت می‌فرمایند:

از گوش خودمان بیرون بکنیم که همه چیزمان باید از خارج بیاید، و بر فرض که به خاطر احتیاج چیزی را وارد می‌کنیم، فرهنگ و ادبمان چرا از خارج باشد؟ ما دارای ادب و فرهنگ غنی هستیم، و آیا صحیح است که چون آنها موشک درست می‌کنند ما باید تابع آنها باشیم، در حالی که آنها با این صنعت‌ها دنیا را تخریب می‌کنند و ما می‌خواهیم صنعتی داشته باشیم که تخریبگر نباشد، بلکه مفید و سازنده باشد. (موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه نور جلد ۱۸ ص ۲۱۸)

امام بزرگوار ما معتقد بودند و تصریح کردند که حرکت به سمت صنایع پیشرفته مانند هواپیماسازی باید در کشور انجام شود و صنعتگران باید به سمت داشتن صنایع پیشرفته حرکت کنند، البته همراه با استقلال فکری و صنعتی، ایشان می‌فرمایند:

اگر ما به این معنا توجه کنیم و بیدار بشویم، دنبال بیداری، اراده پیش می‌آید که ما بخواهیم که خودمان وسایل اجتماعی خودمان را فراهم کنیم با کوشش خودمان... باید کارهای خودمان را انجام بدهیم. مدتی می‌گذرد و ما خودمان صنعتگر خواهیم شد... اگر دهقانه‌های ما در صحراها و در هر کجا که هستند این معنا را بفهمند که کوشش باید کرد تا وابسته نبود، و هرکس وابسته است اسیر است و ممکن است که اسارتش زیاده‌تر بشود. اگر آنها در بیابانها این معنا را احساس کنند، اراده می‌کنند که وابسته نباشند، و اراده می‌کنند که ارزاق خود مملکت را خودشان تهیه کنند. و اگر در کارخانه‌های ما این معنا را متنبه بشوند که ما باید وابسته نباشیم و ما باید خودمان برای خودمان کار انجام بدهیم، آنها کوشش می‌کنند که کارخانه‌ها را

بهرتر راه ببرند. و اشخاصی که مغز تفکر صنعتی دارند این مغزها را به کار می‌اندازند. و بعد از اینکه فهمیدند که باید برای خودمان کار بکنیم و باید صنعت را هم - چه صنعت بزرگ، چه صنعت کوچک را - خودمان باید درست بکنیم، این مبدأ عمل می‌شود که بعد از آن بیداری و این اراده راه بیفتند، و مشغول بشوند و تفکر کنند و مغزها را به کار بیندازند و کار خودشان را خودشان انجام بدهند... شما متوقع نباشید که همین امروز بتوانید پتیاره درست کنید. می‌گردد درست کنید. البته الآن نمی‌شود، اما مایوس نباشید از اینکه می‌توانیم درست کنیم. باید بیدار بشوید، بروید دنبال اینکه آن صنایع پیشرفته را خودتان درست بکنید. وقتی این فکر در یک ملتی پیدا شد و این اراده در یک ملتی پیدا شد، کوشش می‌کند و دنبال کوشش این مطلب حاصل می‌شود. (موسوی خمینی روح الله، صحیفه نور جلد ۱۳ ص ۵۲۵ و ۵۳۶)

ایشان البته در کنار اعتقاد به داشتن صنایع پیشرفته معتقد بودند که این صنایع باید در یک نظام توحیدی اسلامی و مهار شده برای معنویت برپا شود:

فرق بین دانشگاه‌های غربی و دانشگاه‌های اسلامی باید در آن طرحی باشد که اسلام برای دانشگاهها طرح می‌کند. دانشگاه‌های غربی - به هر مرتبه‌ای هم که برسند - طبیعت را ادراک می‌کنند، طبیعت را مهار نمی‌کنند برای معنویت. اسلام به علوم طبیعی نظر استقلالی ندارد. تمام علوم طبیعی - به هر مرتبه‌ای که برسند - باز آن چیزی که اسلام می‌خواهد نیست. اسلام طبیعت را مهار می‌کند برای واقعیت؛ و همه را رو به وحدت و توحید می‌برد. (موسوی خمینی روح الله، صحیفه نور جلد ۸ ص ۴۳۳)

امام خامنه ای حفظه الله

امام خامنه ای نیز در دیدار با مدیران و فعالان صنعت می‌فرمایند:

صنعت میتواند یک صنعت پیشرفته باشد، در عین حال ملاحظاتی دینی، ملاحظاتی اخلاقی، ملاحظاتی انسانی در صنعت کاملاً رعایت بشود. ما میخواهیم شما صنعتگران کشورمان، مدیران صنعت، نماد این حقیقت باشید. پایبند به دین و در همان حال و به همان استناد، پایبند به پیشرفت جهشی صنعت. (حسینی خامنه ای، سید علی، بیانات در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی - ۱۳۸۹/۱/۹)

ایشان در دیدار دیگری می‌فرمایند:

هر دانش، فناوری و محصولی که در یک جامعه تولید می‌شود، محتوا و بار فرهنگی آن جامعه را نیز با خود داشته و منتقل می‌نماید. وقتی ما می‌خواهیم ساختمان بسازیم و شهرسازی کنیم، در واقع با این کار داریم فرهنگی را ترویج می‌کنیم، یا تولید می‌کنیم و یا اشاعه می‌دهیم. وقتی تولید اقتصادی هم می‌کنیم، در واقع داریم از این طریق فرهنگی را تولید می‌کنیم، یا

اشاعه می‌دهیم، یا اجرا می‌کنیم.... فرهنگ ما باید در تولید صنعتی ما اثر بگذارد، ما چه چیزی تولید کنیم؟ چگونه تولید کنیم، برای چه تولید کنیم؟ (دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی - ۱۳۸۱/۹/۲۶)

ایشان همچنین بر نوآوری در صنعت نیز تاکید فراوانی دارند:

امروز همه همت ما این است که نه فقط علم را، بلکه فرآورده‌های علمی و فناوری و خرده‌فناوری را از آنها یاد بگیریم و آن را در این جا تقلید کنیم. این کاری نیست که یک ملت باید به آن همت بگمارد. البته این کارها باید بشود و چاره‌ای نیست. وقتی انسان چیزی را ندارد، آن را از کسی که دارد، می‌گیرد. وقتی ساخت آن را بلد نیست، از کسی که آن را بلد است، یاد می‌گیرد - در این شکی نیست - اما باید راه نو و فکر نو و بن‌بست‌شکنی را وجهه همت خود قرار دهد. (دیدار برگزیدگان المپیادهای جهانی و کشوری و افراد ممتاز آزمونهای سراسری ۸۰ و ۸۱ - ۱۳۸۱/۷/۳)

ایشان همچنین بر پیوست فرهنگی داشتن فناوری‌ها هم تاکید ویژه ای دارند و می‌فرمایند:

اینکه ما گفتیم مسائل اقتصادی و مسائل گوناگون مهم پیوست فرهنگی داشته باشد. معنای آن همین است؛ معنای آن این است که یک حرکت اساسی که در زمینه اقتصاد، در زمینه سیاست، در زمینه سازندگی، در زمینه فناوری، تولید، پیشرفت علم می‌خواهیم انجام بدهیم، ملتفت لوازم فرهنگی آن باشیم. گاهی اوقات انسان در یک کاری وارد میشود، یک کار اقتصادی انجام میدهد، اما لوازم آن و تبعات فرهنگی آن را توجه ندارد. (حسینی خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۳۹۲/۰۹/۱۹)

امروز وسایل ارتباطی بسیار پیشرفته‌ای که وجود دارند، مثل جریانهای متعدد که به دریا می‌ریزند، دارند چیزهایی را به درون جامعه منتقل می‌کند، کتاب می‌آید، روزنامه می‌آید. کالاها و ابزارهای صنعتی می‌آید و هر کدام حامل فرهنگی هستند. مصنوعات موجود دنیا هم هر کدام با خود بخشی از فرهنگ را وارد کشور می‌کند. (حسینی خامنه‌ای، سید علی، بیانات در تاریخ ۱۳۸۳/۱۰/۸)

بیانات امام خامنه‌ای درباره‌ی رابطه‌ی پیشرفت صنعتی و پیشرفت حقیقی:

نمیشود یک تمدن را به صرف اینکه ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و تحسین کرد؛ در حالی که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرا گرفته. اصل اینهاست؛ آنها ابزاری است برای اینکه این بخش تأمین شود، تا مردم احساس آسایش کنند، با امید زندگی کنند، با امنیت زندگی کنند، پیش بروند، حرکت کنند، تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند. یک مقوله‌ای در اینجا مطرح میشود و سر بر می‌آورد، به عنوان مقوله‌ی فرهنگ زندگی. باید ما به دنبال این باشیم که فرهنگ زندگی را تبیین کنیم، تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم. البته اسلام بُنمایه‌های یک چنین فرهنگی را برای ما معین کرده است. بُنمایه‌های این فرهنگ عبارت است از خردورزی، اخلاق، حقوق؛ اینها را اسلام

در اختیار ما قرار داده است. اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. هرچه ما در صنعت پیش برویم، هرچه اختراعات و اکتشافات زیاد شود، اگر این بخش را ما درست نکنیم، پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکرده ایم. باید دنبال این بخش، زیاد کار کنیم؛ زیاد تلاش کنیم.^۸

اسلام ما را مأمور کرده است که از ثروت عظیم زمین به نفع بشر استفاده کنیم؛ «واستعمرکم فیها». خداوند متعال این زمین را - که همه‌ی خیرات و منابع حیاتی برای بشر در دل آن گنجانده شده است - در اختیار انسان قرار داده و از او می‌خواهد که آن را آباد کند و منابع حیاتی را به نفع زندگی بشر از آن بیرون بکشد. اگر جوامع مسلمان از کاروان علم و سازندگی و ابتکار عقب ماندند، به‌خاطر این است که به دستور اسلامی عمل نکردند. امروز داعیه‌ی ما این است که می‌خواهیم به این دستور اسلام هم به‌طور کامل عمل کنیم. کار شما - استخراج این معدن و فرآوری محصولی که نقش مهم و روزافزونی در زندگی پیدا کرده است؛ یعنی مس - یکی از مصادیق مهم عمل به این دستور قرآنی است. بقیه‌ی منابع هم هر کدام در جای خود همین خصوصیت و نقش را دارند؛ کار کشاورزی هم همین نقش را دارد. زمین، منبع منابع فراوان برای ایجاد حیات طبیعی انسانی است؛ ما می‌خواهیم این را برای کشور خود تأمین کنیم؛ ما می‌خواهیم به دستور اسلام عمل کنیم. آن‌جا که زمین آباد می‌شود، اگر با رعایت حدود و ضوابط الهی باشد، زندگی انسان هم آباد می‌شود.^۹

ضرورت پیشرفت صنعتی:

باید به سمت کارهای بزرگ برویم. ببینید! یک وقت هست شما می‌توانید هواپیمایی را که دیگران اختراع کرده‌اند و ساخته‌اند، خودتان بدون کمک دیگران در داخل کشور بسازید، این خیلی خوب است؛ این بهتر از خریدن هواپیمای ساخته شده است؛ اما یک وقت هست شما خودتان یک چیزی در سطح هواپیما در کشورتان تولید می‌کنید؛ این است آنچه که ما لازم داریم؛ ما باید بر ثروت علمی بشر بیفزاییم. نگویند نمی‌شود؛ می‌شود. یک روزی بشریت فناوری ریزترینها - نانو تکنولوژی - را نمی‌شناخت، بعد شناخت. امروز صد تا میدان دیگر ممکن است وجود داشته باشد که بشر نمی‌شناسد؛ اما می‌توان آنها را شناخت و می‌توان جلو رفت.^{۱۰}

تکنولوژی هسته‌ای هیچ گناهی نکرده، گناه مال آن کسی است که جهت او را جهت تخریب انسانها قرار میدهد. یا مثلاً فناوریهای پیشرفته‌ی نانو، یا صنایع الکترونیک بسیار پیشرفته و آیرودینامیک و امثال اینها گناهی ندارند؛ اینها خیلی خویند و ابزارهایی هستند برای اینکه انسان بتواند در دنیا از منابع و فرصتهایی که خدا در این طبیعت قرار داده، به بهترین وجهی استفاده کند. گناه مال آن کسانی است که از این نعمت خدادادی و از این گنجینه‌ی الهی، برای زورگویی به بشر، تسلط به

۸ بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۲۳ مهر ۹۱

۹ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه ۱۸ اردیبهشت ۸۴

۱۰ بیانات در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۲۹ خرداد ۸۵

دیگران و پامال کردن حقوق دیگران استفاده میکنند. شما که مبنای خوبی دارید، شما که به خدا معتقدید، شما که به کرامت انسان معتقدید، شما که با ظلم و غصب و تعدی و تجاوز مخالفت کنید، شما که استکبار و جامعه‌ها یا حکومت‌های برآمده‌ی از شهوات شخصی و جمعی را تقبیح میکنید شما این علوم را یاد بگیرید تا ارزشهای خودتان را در دنیا ترویج کنید و معارف خودتان را در دنیا حاکم کنید. این چیز بدی است؟! یک نفر سوار هواپیما میشود و برای عیاشی و هرزگی، به فلان شهر فلان کشور میرود؛ یک نفر هم سوار همین هواپیما میشود، میرود برای زیارت خانه‌ی خدا؛ این هواپیما که گناهی ندارد؛ جهت‌ها فرق میکنند. شما دانش و فناوری را فرا بگیرید و از هوش ویژه‌ای که در شما هست - که من حالا اشاره خواهم کرد و بعضی از دوستان هم گفتند - استفاده کنید، برای اینکه در این جهت، قله را فتح کنید. آن وقت از این موقعیت و از این فرصت، برای نشر ارزشهای حقیقی - به جای ارزشهای دروغین، به جای نفسانیات، به جای هرزگی، به جای سلطه‌ی زر و زور بر سرنوشت بشر - استفاده کنید.^{۱۱}

کارگران و عناصر فنی، کیفیت صنعتی را تا آنجا که به دقت و دلسوزی در کار مربوط است، بالا برده، با روح ابتکار و اعتماد به نفس، نیاز کشور به محصولات و دانش فنی بیگانگان را کاهش دهند و پایه‌های صنعت اصیل و ملی را استوار سازند و موجب شوند که مصرف‌کنندگان به محصولات داخلی اطمینان و علاقه پیدا کنند. همچنین راه به سمت صنعت پیشرفته و پیچیده را باز کنند و نشان دهند که استعداد و ابتکار ایرانی قادر است کشور را - حتی در صنایع پیشرفته - از دیگران بی‌نیاز سازد.^{۱۲}

دیدار امروز من یک معنای نمادین هم دارد؛ علاوه بر اینکه دیدار از یک بخش قابل توجه و مهمی هست. مضمون مورد نظر ما این است که ما توجه بدهیم به اهمیت صنعت در پیشرفت کشور. منظورمان از صنعت، صنعت جوشیده‌ی از ذهن و فکر و ابتکار و ایمان خود شماست. معتقدیم که صنعت تأثیر بسیار اساسی‌ای دارد در پیشرفت کشور، یعنی در واقع عنصر اصلی پیشرفته محسوب شدن یک کشور و لوازمی که دارد، پیشرفت در صنعت است؛ با شرایط در جای خود معین شده‌ای که مربوط میشود به افکار و عقاید و ایمانهای ملت ما و شما عزیزان. یک توهم خطرناکی در ذهنها وجود داشت، تزریق شده بود - شاید در بعضی از ذهنها هنوز هم این توهم وجود داشته باشد - و آن عبارت بود از توهم تقابل و تضاد میان عقلانی زیستن و توسعه‌یافتگی از یک طرف، و معنوی زیستن و اخلاقی زیستن از طرفی دیگر. باور شده بود برای بعضی که اگر جامعه بخواهد عقلانی و عملگرا و رونده و شتاب‌گیرنده‌ی در راه پیشرفت زندگی بکند، ناچار است از اخلاقیات و معنویات و دین و خدا فاصله بگیرد! اگر به همبستگی اخلاقی فکر کردیم، به معنویات دل بسته بودیم، ملاحظه‌ی ضوابط و حدود دینی و اخلاقی را کردیم، ناچاریم از پیشرفته بودن کشور صرف نظر کنیم؛ از زندگی عقلانی چشم پوشیم؛ یک چنین توهمی وجود

۱۱ دیدار با نخبگان جوان دانشگاهی ۵ شهریور ۸۷

۱۲ پیام به ملت شریف ایران، در پایان چهلمین روز ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۲۳ تیر ۶۸

داشته. دلایل تاریخی روشنی هم دارد این گمان؛ این گمان باطل، و دلایل جامعه‌شناسی هم دارد. آنچه که ما می‌خواهیم بر آن پافشاریم، این است که جمهوری اسلامی و حاکمیت دین و اسلام این توهم را ابطال کرده. ما می‌خواهیم و میتوانیم هم عقلانی و منطقی و علمی و پیشرفته زندگی کنیم، هم در عین حال متمسک به ارزشهای اخلاقی خودمان و پایبند به ایمان دینی خودمان و عامل به فرائض و لوازم زندگی مذهبی خودمان باقی بمانیم؛ بلکه در این جهت هم بیشتر برویم.^{۱۳}

یکی از شرایط توسعه‌ی یک کشور، استقلال صنعتی آن است. ما باید بتوانیم در همه‌ی زمینه‌های صنعتی بر پای خودمان بایستیم؛ به فکر خودمان تکیه کنیم؛ توانائیهای خودمان را به کار بگیریم. البته دنیا، دنیای تبادل است؛ اما تبادل دوجانبه. تبادل؛ دادن و ستاندن. آن وقتی شما میتوانید در بازار تبادل صنعتی حرفی برای گفتن داشته باشید که خودتان روی پای خودتان در زمینه‌ی صنعت بایستید. ما این را می‌خواهیم؛ ما این را لازم داریم. ایران اسلامی شایسته‌ی این است؛ با این تاریخمان، با این میراث عظیم تمدنی‌مان، با این حرکت مردمی، با این آمادگی جوانها، با این استعداد فراوان که در کشور ما هست؛ ما این را لازم داریم. باید بتوانیم در بخش صنعت در دنیای اسلام یک پرچم برافراشته به حساب بیائیم. و دنیای اسلام استقبال خواهد کرد - حالا من بعد در زمینه‌ی مسئله‌ی صادرات که یکی از مسائل اساسی ماست، اشاره میکنم - و دنیا نگاه کند به جمهوری اسلامی و ببیند که این ملت با هوشمندی خود، با توانائیهای خود، توانسته در این میدان این پیشروی‌ها را انجام بدهد.^{۱۴}

برای یک کشور خیلی مهم است که اولاً، نیازهای حقیقی و اساسی خودش را درست بشناسد و تصمیم بگیرد که این نیازها را برطرف کند؛ ثانیاً، ابزار برطرف کردن این نیازها را که در درجه‌ی اول، فکر و نیروی انسانی است، در اختیار داشته باشد؛ این برای یک کشور خیلی مهم و تاریخ‌ساز است؛ این تمدن‌ساز است. فرق کشورهایی که می‌توانند سرنوشت خود و بلکه بخشی از دنیا را به دست بگیرند، با آن کشورهایی که مثل پر کاهی در امواج سیاستهای جهانی به این طرف و آن طرف می‌روند، در همین است. کلید اصلی هم علم و بر اثر علم، فناوری است؛ بایستی آن کشور و ملتی که تصمیم دارد سرنوشت خودش را خودش بسازد و خودش، خودش را به خوشبختی برساند، این کلید را پیدا کند.^{۱۵}

هر ملتی که دستش از علم تهی باشد، باید خود را آماده کند که دیگران بر او فرمانروایی کنند. ما باید علم را با همه‌ی معنای کامل آن به عنوان یک جهاد دنبال کنیم؛ این را من به جوانها، استادان و دانشگاهها می‌گویم. علاوه بر این، علم مجرد و به تنهایی هم کافی نیست؛ علم را باید وصل کنیم به فناوری، فناوری را باید وصل کنید به صنعت، و صنعت را باید وصل کنیم

۱۳ بیانات در بازدید از توانمندیهای صنعت خودروسازی ۹ فروردین ۸۹

۱۴ همان

۱۵ بیانات در دیدار مسئولان سازمان انرژی اتمی و کارشناسان هسته ای ۲۵ خرداد ۸۵

به توسعه‌ی کشور. صنعتی که مایه‌ی توسعه و پیشرفت کشور نباشد، برای ما مفید نیست؛ علمی که به فناوری تولید نشود، فایده‌ای ندارد و نافع نیست.^{۱۶}

ما علم را از همه کس می‌گیریم؛ حرفی نداریم. اسلام به ما گفته: «اطلبوا العلم ولو بالصدقین». صین یعنی چین. چین آن روز وارث یک تمدن کهن و پیشرفته بود، با آن فاصله؛ و مطلقاً هم بویی از اسلام به مشامشان نرسیده بود؛ در عین حال پیغمبر فرمود علم و دانش و تجربه و - به زبان امروزی ما - فناوری را هر جا بود، بروید طلب کنید؛ یعنی شاگرد عالم بشوید، در مقابل عالم زانوی ادب بزنید و از او یاد بگیرید.^{۱۷}

انتقال ارزشهای فرهنگی غربی همراه با صنعت :

امریکا و اروپا و کشورهای غربی، در لابلای فرآورده‌های خوب تمدن خود - مثل صنعت و علم و تحقیق، که متعلق به همه‌ی بشریت است و برای گروه خاصی نیست - انواع و اقسام بدیها و فسادها و انحطاطها را وارد کشورهای جهان سوم کردند و مردم و جوانها و دولتها و ملتها را مبتلا و ذلیل نمودند و به خاک سیاه نشانند. آنها از کارهای خود شرم نمی‌کنند و خجالت نمی‌کشند و به صادرات پلید خودشان به کشورهای دیگر افتخار هم می‌کنند!^{۱۸}

اهمیت صنعت و فناوری در تحمیلگری استکبار جهانی:

مسأله این است که یک مجموعه فرهنگی در دنیا با تکیه به نفت، حق و تو، سلاح میکروبی و شیمیایی، بمب اتمی و قدرت سیاسی می‌خواهد همه باورها و چارچوبهای مورد پسند خودش برای ملتها و کشورهای دیگر را به آنها تحمیل کند.^{۱۹}

ارزش صنعت وابسته به کاربرد آن برای ارزش‌های الهی:

پول و ثروت و قوت بازو و زبان گویا و بقیه‌ی ثروتهایی که در خدمت حق و انسانها و راستی و درستی نباشد، چه ارزشی دارد؟ ارزشی ندارد. الان علم در خدمت سلاحهای اتمی و در دست اسرائیل است. آیا این ارزشمند است؟ نخیر، هیچ ارزشی ندارد. ارزش این چیزها نسبی است. ارزش مطلق، متعلق به اینها نیست. البته چیزهای ارزشمند مطلق وجود دارد. اصلاً مبانی ادیان، مطلق کردن ارزشهای صحیح و راستین است؛ منتها علم و صنعت و تکنولوژی، از آن ارزشهای مطلق نیست؛ تا در کجا به کار برود، تا در دست چه کسی باشد، تا از آن چگونه استفاده بشود؛ هنر هم از این قبیل است.^{۲۰}

۱۶ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در صحن جامع رضوی ۱ فروردین ۸۵

۱۷ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان ۱۹ اردیبهشت ۸۴

۱۸ سخنرانی در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم شهرهای قم، رفسنجان و کهنوج ۱۹ تیر ۶۸

۱۹ بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیر کبیر ۹ اسفند ۷۹

۲۰ بیانات در دیدار با مسؤولان، نویسندگان و هنرمندان ۲۵ تیر ۷۰

خستگی جهان از زندگی ماشینی:

امروز مشتاقان معارف معنوی واقعی و راستین - معارف معنوی راستین، نه آنچه که بعضی از مکاتب انحرافی به عنوان معنویت بیان میکنند - در دنیا بیشمارند؛ زیادند. زندگی مادی، چرخ و پر زندگی ماشینی، مردم بسیاری را به ستوه آورده است. مکتب اسلام میتواند دریچه‌ای در مقابل آنها باز کند؛ عالم جدیدی را به آنها نشان بدهد.^{۲۱}

امروزه با سیطره‌ی نظم ماشینی بر همه‌ی جامعه‌های بشری، انسان و انسانیتها سخت در فشارند. آحاد بشر در چنین نظمی ناگزیرند آهنگ زندگی فردی و اجتماعی را با نواخت سنگین و روحگداز ماشین، همسان و یک آهنگ کنند. رحم و مروت و گذشت و ایثار و بسی ارزشهای اخلاقی دیگر در این همناختی است که کم‌تأثیر و بی‌رنگ می‌شود و خانواده و اخلاق همزیستی مهرآمیز خانوادگی، در چنین وضعی است که پایمال و منهدم می‌گردد. از دهها سال پیش دلسوزان و تیزبینان، حتی در قلب محیط تمدن صنعتی و ماشینی این خطر را احساس کرده و هشدار داده‌اند، و با تأسف، هنوز میلیونها انسان - بویژه جوانان که احساسات لطیف‌تر و روحیه‌ی آسیب‌پذیرتر دارند - در این بلا‌ی بزرگ همچنان بی‌دفاع و بی‌علاج‌اند. نیاز به رابطه‌ی معنوی با خداوند رحیم و کریم، بدین جهت امروز برای مردم دنیا از همیشه حادث‌تر و جدی‌تر است، و نماز برترین و کارآمدترین وسیله برای تأمین این نیاز است. بشریت امروز به نماز خالص و کامل و پرشور اسلامی، از همیشه نیازمندتر است و شما مسئولان امر ترویج نماز، باید به کمک الهی بتوانید، نه فقط نسل رو به رشد و بالنده‌ی جوان کشورمان، بلکه همه‌ی جانهای نیازمند و کامهای تشنه‌ی بشر متحیر در سراسر جهان را اشباع کنید و از سرچشمه‌ی فیاض نماز بهره‌مند سازید.^{۲۲}

صنعت مدرن وسیله‌ی سلطه‌ی صهیونیست‌ها بر جهان:

اکنون آمریکا و غرب مُسْتَكْبِرٌ به این جمع بندی رسیده‌اند که کانون بیداری و ایستادگی در برابر نقشه‌ی حاکمیت آنان بر همه‌ی جهان، کشورها و ملت‌های مسلمان و بویژه در منطقه‌ی خاور میانه است، و اگر با ابزار اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی و سرانجام، نظامی نتوانند در چند سال آینده، نهضت بیداری اسلامی را مهار و سرکوب کنند، همه‌ی محاسبات آنان برای حاکمیت مطلق بر جهان و سیطره‌ی بر مهم‌ترین منابع نفت و گاز که تنها وسیله‌ی مُحرِّکِ ماشین صنعتی و برتری مادی آنان بر همه‌ی بشریت است، به هم خواهد ریخت، و کلان سرمایه‌داران غربی و صهیونیست که بازیگر پشت صحنه‌ی همه‌ی دولتهای مستکبرند، از اوج اقتدار تحمیلی خود ساقط خواهند شد.^{۲۳}

۲۱ بیانات رهبر انقلاب در مراسم هجدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۴ خرداد ۸۶

۲۲ پیام به مناسبت هفتمین اجلاس سراسری نماز ۹ مهر ۷۶

۲۳ پیام به کنگره عظیم حج ۲۹ دی ۸۳

اینکه ما جاهلیت مستقر امروز دنیا را جاهلیت مدرن می نامیم، به خاطر همین است. دوران جاهلیت پایان نیافته است. جاهلیت یعنی مقابله ی با حق، مقابله ی با توحید، مقابله ی با حقوق انسان، مقابله ی با راهی که خدا برای انسانها در جهت سعادت گشوده است. این جاهلیت، امروز هم هست؛ با شکل مدرن، با استفاده ی از دانش، با استفاده ی از فناوری های پیشرفته، با استفاده ی از سلاح هسته ای، با استفاده ی از انواع تسلیحات برای پر کردن کیسه ی صاحبان صنعت های مخرب و منهدم کننده ی زندگی بشر. داستان تسلیحات و هزینه های نظامی، امروز در دنیا یکی از داستان های غم انگیز بشریت است. امروز در دنیا کارخانه های اسلحه سازی انواع سلاحها را می سازند، برای اینکه این سلاحها فروش برود. در دنیا جنگ ایجاد میکنند، انسانها را به جان هم می اندازند، دولتها را در مقابل هم قرار میدهند، ایجاد تهدید میکنند تا بتوانند فکر خائنه و طمع خباثت آلود خودشان را تأمین و اشباع و ارضاء کنند. لذا تا وقتی که ابرقدرتها سلسله جنبان مسائل جهانی هستند، جنگ در دنیا تمام نمیشود. جنگ برای آنها دارای منافع مادی است. این جنگ، جنگ در راه عدالت نیست. دروغ میگویند آمریکائی ها و دیگران که میگویند ما جنگ میکنیم برای اینکه امنیت بدهیم؛ نه، درست عکس این است. هر جا حضور نظامی و حرکت نظامی دارند، موجب ناامنی و موجب بی عدالتی و موجب سخت کردن زندگی برای انسانها هستند. از وقتی که این ابزارهای مدرن در دنیا به وجود آمده است، انسانها دچار فشارند. در طول چهار و پنج سال - یعنی از بعد از جنگ جهانی دوم تا سال ۱۹۹۰ مسیحی - که به اصطلاح دوران (جنگ سرد) نامیده میشود، در گزارشهای رسمی بین المللی آمده است که فقط سه هفته در دنیا جنگ وجود نداشته است! در تمام این چهار و پنج سال، در گوشه و کنار دنیا جنگهایی وجود داشته است. این جنگها را کی به وجود می آورد؟ همان کسانی که تسلیحات را تولید میکنند. هزینه های نظامی قدرتهای بزرگ، امروز یکی از سرسام آورترین هزینه هاست. طبق آمارهای خودشان، در همین سال گذشته ی مسیحی، دولت آمریکا بیش از ششصد میلیارد دلار صرف هزینه های نظامی کرده است! این هزینه های نظامی را ما امروز در همسایگی خودمان داریم مشاهده میکنیم. این هزینه ها صرف افغانستان میشود، برای سرکوب ملت مسلمان افغانستان؛ صرف عراق میشود، برای در قبضه نگهداشتن ملت عراق؛ صرف کمک به رژیم خبیث صهیونیستی میشود، برای ملتبه نگهداشتن همیشگی خاورمیانه. امروز جهت قدرتهای فاسد این است. اسلام با اینها مبارزه میکند، با اینها مخالفت میکند.^{۲۴}

اگر این خودبینی و خودخواهی در مقابل خداوند متعال باشد - یعنی انسان خود را در مقابل پروردگار قرار بدهد - نتیجه ی آن در انسان، طغیان است: طاغوت. طاغوت هم فقط پادشاهان نیستند؛ هرکدام از ما انسانها ممکن است در درون خودمان - خدای نکرده - یک طاغوت و یک بت تربیت کنیم و پرورش بدهیم. در مقابل خدا سرکشی کردن و خودبینی داشتن،

نتیجه‌اش عبارت از رشد طغیان در انسان است. اگر این خودبینی در مقابل انسانهای دیگر باشد، نتیجه‌اش میشود نادیده گرفتن حقوق دیگران؛ تجاوز و دست‌درازی به حقوق این و آن. اگر این خودبینی در مقابل طبیعت واقع بشود، نتیجه‌اش میشود تضييع محیط طبیعی؛ یعنی آنچه که امروز به حق درباره‌ی مسئله‌ی محیط زیست در دنیا اهتمام هست. نادیده گرفتن محیط طبیعی زیست انسان هم، نتیجه‌ی طغیان، خودبینی و خودخواهی در مقابل طبیعت است.^{۲۵}

برگزاری همایش حقوق محیط زیست با مشارکت قوای سه‌گانه پاسخی مثبت به یکی از نیازهای امروز جامعه برای صیانت بیشتر از محیط زیست و رعایت حقوق عمومی است. تخریب محیط زیست معلول نابرابریهای اجتماعی و استفاده غلط از طبیعت و یکی از عوامل تضييع حقوق انسانها است. متأسفانه در جهان امروز اقلیتی مرفه و ثروتمند از همه‌ی امکانات و مواهب طبیعی و سالم بهره‌برداری می‌کنند ولی اکثریت ملتها محکوم به زندگی در شرائط محیطی آلوده و غیر بهداشتی و تن دادن به عوارض سوء و انواع بیماریها و پذیرفتن بلا و مصیبت و مرگ و میراند. کشورهای صنعتی بیشترین آسیب را به طبیعت و محیط زیست وارد ساخته و به حقوق سایر کشورها تجاوز نموده‌اند و در اثر سیاست‌های خود، بیماری و فقر و ویرانی را بر بسیاری از انسانها تحمیل کرده‌اند. شیوه‌های ناصحیح و غیر عادلانه در تعامل با طبیعت و آلوده ساختن محیط زیست در کشورمان نشان‌دهنده فقدان آگاهیهای زیست محیطی و ضعف‌ساز و کارهای قانونی در صیانت از محیط زیست و جلوگیری از آلوده ساختن آنست. برای از بین بردن این نقیصه‌ی بزرگ و اساسی باید آگاهی افراد نسبت به مسائل زیست محیطی افزایش یابد و مدیریت‌های کلان در ایجاد ساختار مناسب همراه با الزامات قانونی برای رعایت حقوق عمومی تلاش کنند و انگیزه‌ها و حساسیت‌ها را برای مقابله با آلاینده‌ها بالا ببرند. در اسلام، جامع‌ترین دیدگاه و صحیح‌ترین شیوه‌ی تعامل با طبیعت و محیط زیست بیان گردیده است. خداوند، جهان هستی و همه‌ی پدیده‌ها را زیبا، متنق و موزون آفریده و ما باید رابطه‌ی خود را با آنها تصحیح کنیم و با تصرفات نادرست خود آنرا ویران و آلوده و جامعه را با بلا و مصیبت مواجه نسازیم. نگاه اسلام به طبیعت و محیط - اعم از جاندار و بیجان - عاطفی، اخلاقی، معنوی و هدایت‌گرانه است و برخورداری از مواهب طبیعی نیز بر پایه‌ی اصولی متین، عادلانه، حکیمانه، متوازن و سازنده استوار گردیده است. هدف متعالی اسلام برخوردار ساختن همه‌ی نسلها از نعمتهای الهی و ایجاد جامعه‌ای سالم و بدور از فاصله‌ی طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفائی است و الزامات شرعی برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی با پرهیز از زیاده‌روی و مقید به عدم اضرار به غیر فراهم آورده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط زیست برای همه‌ی نسلها و وظیفه‌ای عمومی تلقی گردیده و هر گونه تخریب آن در فعالیتهای اقتصادی ممنوع اعلام شده است. اینک هماهنگی قوا که حاکی از عزم ملی بر تأمین محیط زیست سالم و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شایسته است مسئولان محترم برای ارتقاء سطح آگاهی و حساسیت عمومی در رابطه با محیط زیست تلاش و خلاءهای

قانونی را پر کنند و دستگاههای مسئول با دقت نسبت به اجرای قوانین مراقبت نمایند و با متخلفان بطور قاطع برخورد کنند و قوه قضائیه با ساز و کار مناسب به تخلفات زیست محیطی رسیدگی کند. امیدوارم این همایش در پیشبرد اهداف انسانی خود موفق شود و زمینه‌ی برخورداری عامه مردم از مواهب طبیعی و محیط زیست سالم را فراهم سازد.^{۲۶}

رشد صنعتی حقیقی در حکومت مهدوی:

دوره‌ی ولی‌عصر ارواحناده، دوره‌ی آغاز زندگی بشر است؛ دوره‌ی پایان زندگی بشر نیست. از آنجا حیات حقیقی انسان و سعادت حقیقی این خانواده‌ی عظیم بشری تازه شروع خواهد شد و استفاده از برکات این کره‌ی خاکی و استعدادها و انرژیهای نهفته در این فضا، برای انسان - بدون ضرر، بدون خسارت، بدون نابودی و ضایع کردن - ممکن خواهد شد. درست است که امروز بشر از چیزی استفاده می‌کند، اما به یک چیز دیگر ضرر می‌زند. امروز نیروی اتم را کشف می‌کند، اما نیروی اتم را برای نابودی انسان به کار می‌برد؛ نفت را از اعماق زمین استخراج می‌کند، اما این نفت در راه تضييع و تخریب محیط زیست انسان به کار می‌رود؛ کما این که در این صد سال اخیر این‌گونه بوده است. بشر نیروهای محرکه و انرژیهای پنهان و قوه‌ی بخار و سایر نیروها را کشف می‌کند، اما انسانها را به انواع و اقسام گرفتاریهای جسمانی از ناحیه‌ی این مشکلاتی که زندگی مادی برای انسانها به وجود می‌آورد، آلوده می‌کند. به بشر سرعت و سهولت داده می‌شود؛ اما خیلی چیزها از او گرفته می‌شود. از آن طرف هم تخریب ارزشهای اخلاقی است که امروز انسان دچار آنهاست؛ لیکن در دوران ظهور حضرت بقية‌الله ارواحناده قضیه این‌گونه نیست. بشر از خیرات عالم، از انرژیهای پنهان و از نیروهای نهفته در طبیعت، استفاده‌ی بی‌ضرر و بی‌خسارت می‌کند؛ استفاده‌ای که مایه‌ی رشد و پیشرفت انسان است.^{۲۷}

نظام اسلامی، یک جامعه فقیر نمی‌خواهد. یک ملت فقیر و یک درآمد عمومی ناچیز نمی‌خواهد. از ثروتها استفاده می‌کند؛ علم را پیشرفت می‌دهد، منابع زیرزمینی را استخراج می‌کند، انسانها را به رشد عقلانی می‌رساند، تجارت می‌کند و صنعت راه می‌اندازد. تاریخ اسلام نشان داد که اسلام به برکت همین احکام نورانی، در یک دوره طولانی، صاحب علم و صنعت در کل جهان بوده است. اما جهت همه اینها، عدالت است. ثروت هست؛ اما باید عدالت در جامعه تضمین شود. برای عدالت، منتظر امام زمانیم. پیغمبران آمدند؛ همه هم برای اقامه قسط آمدند؛ «لیقوم الناس بالقسط». اینها حرفهای خیلی پرمعنایی است که قرآن به ما گفته است؛ نهج البلاغه به ما گفته است و در روایات ائمه هم هست.^{۲۸}

نظر امام خامنه‌ای درباره‌ی ضررات زیست محیطی نفت:

۲۶ پیام به مناسبت برگزاری همایش حقوق محیط زیست ایران ۲۰ خرداد ۸۲

۲۷ بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم ۲۴ اسفند ۷۹

۲۸ بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای «سید محمد خاتمی» ۱۲ مرداد ۷۶

گرچه امام خامنه ای نظر خود را درباره علت علاقه شان به بسته شدن درب چاه های نفت برای رهایی اقتصاد کشور از وابستگی به نفت اعلام فرموده اند (بیانات در دیدار کارگران و معلمان، ۱۳ اردیبهشت ۷۳، بیانات در حرم مطهر حضرت امام رضا (ع) ۱ فروردین ۷۷ و همچنین بیانات در ۴ فروردین ۷۵ و ۴ دی ۷۷ و ۲۶ مرداد ۹۰...) اما در بخش دیگری از بیانات خود به ضررات زیست محیطی نفت نیز اشاره فرموده اند و چه بسا این تخریب محیط زیست نیز در نظر ایشان مبنی بر بسته شدن درب چاه های نفت بی تأثیر نبوده باشد:

امروز بشر از چیزی استفاده می‌کند، اما به یک چیز دیگر ضرر می‌زند. امروز نیروی اتم را کشف می‌کند، اما نیروی اتم را برای نابودی انسان به کار می‌برد؛ نفت را از اعماق زمین استخراج می‌کند، اما این نفت در راه تصحیح و تخریب محیط زیست انسان به کار می‌رود؛ کمالین که در این صد سال اخیر این‌گونه بوده است.^{۲۹}

نظر امام خامنه ای درباره ی فناوری هسته ای:

یکی از مهمترین فناوری هایی که امام خامنه ای بیشترین بیانات را درباره ی این فناوری و حتی جزئیات آن داشته‌اند فناوری هسته ای است. ایشان با فتوای تحریم سلاح هسته ای محکمترین و جدی ترین فتوای ناظر به طراحی مفهومی فناوری را صادر فرمودند. حرام بودن بمب اتمی:

ما نمیخواهیم سلاح هسته‌ای درست کنیم؛ نه به خاطر اینکه آمریکا از این ناراحت میشود؛ عقیده‌ی خود ما این است. ما اعتقاد داریم که سلاح هسته‌ای جنایت بر بشریت است و نباید تولید شود؛ آنچه هم که در دنیا هست، باید محو شود و از بین برود؛ این عقیده‌ی ماست، به شما ربطی ندارد. اگر ما این عقیده را نداشتیم و تصمیم می‌گرفتیم سلاح هسته‌ای درست کنیم، هیچ قدرتی نمیتوانست جلوی ما را بگیرد.^{۳۰}

اتم شناسی و علوم هسته ای یکی از بزرگترین دستاوردهای بشری است که می تواند و باید در خدمت رفاه ملت‌های جهان و رشد و توسعه‌ی همه‌ی جوامع انسانی باشد. گستره‌ی کاربرد علوم هسته ای طیف وسیعی از نیازهای پزشکی، انرژی و صنعتی را پوشش می دهد که هر یک از اهمیت شایسته‌ای برخوردار است. به این دلیل می توان گفت که فناوری هسته ای جایگاه برجسته‌ای در حیات اقتصادی را به خود اختصاص داده است و با گذر زمان و افزایش نیازهای صنعتی، پزشکی و انرژی به طور فزاینده‌ای اهمیت آن بیشتر خواهد شد و به همین میزان، تلاش برای دستیابی به انرژی هسته ای و بهره گیری از آن نیز افزایش می یابد. ملت های خاورمیانه که مانند دیگر ملت های جهان تشنه‌ی صلح و امنیت و پیشرفت اند حق دارند که با بهره گیری از این فناوری جایگاه اقتصادی و موقعیت برتر نسل های آتی خود را تضمین کنند. شاید یکی از

۲۹ بیانات در سالروز عید سعید غدیر خم ۲۴ اسفند ۷۹

۳۰ بیانات در دیدار مردم آذربایجان با رهبر انقلاب ۲۸ بهمن ۹۱

اهداف غبارآلود کردن فضا در مورد برنامه های صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران این است که مانع از توجه جدی ملت های منطقه به این حق طبیعی و ارزشمند خود شوند. طرفه آنکه، تنها مجرم اتمی جهان اینک به دروغ خود را مدعی مبارزه با گسترش سلاح اتمی معرفی می کند در حالیکه یقیناً هیچ اقدام جدی در این مسیر صورت نداده است و هرگز صورت نخواهد داد. اگر ادعای مبارزه با گسترش سلاح هسته ای آمریکا دروغ نبود، آیا رژیم صهیونیستی می توانست ضمن خودداری از پذیرش مقررات بین المللی در این زمینه به ویژه ان. پی. تی، سرزمین اشغال شده ی فلسطین را به زرادخانه ای مُبدل سازد که انبوهی از سلاح های هسته ای در آن ذخیره شده است؟ نام اتم به همان میزان که بیانگر پیشرفت دانش بشری است، متأسفانه یادآور زشت ترین واقعه ی تاریخ و بزرگترین نسل کشی و سوء استفاده از دستاورد علمی انسان نیز است. هر چند که کشورهای متعددی اقدام به تولید و انباشت سلاح هسته ای کرده اند که فی نفسه می تواند مقدمه ی ارتکاب جرم تلقی شده و صلح جهانی را شدیداً در معرض تهدید قرار داده است، اما فقط یک دولت مرتکب جرم اتمی شده است. تنها دولت ایالات متحده آمریکا است، که ملت مظلوم زاین در هیروشیما و ناکازاکی را در جنگی نابرابر و غیر انسانی مورد هجوم اتمی قرار داد. از زمانی که انفجار نخستین جنگ افزارهای هسته ای توسط دولت ایالات متحده در هیروشیما و ناکازاکی فاجعه ای انسانی با ابعاد بی سابقه در تاریخ آفرید و امنیت بشری را با تهدیدی عظیم مواجه ساخت، ضرورت نابودی کامل این سلاح ها مورد اجماع قاطع جامعه جهانی قرار داشته است. استفاده از سلاح هسته ای نه تنها به کشتار و تخریب گسترده منجر شد، بلکه میان آحاد ملت، نظامی و غیر نظامی، کوچک و بزرگ، زن و مرد و کهنسال و خردسال تمایزی قائل نشد و آثار ضد بشری آن مرزهای سیاسی و جغرافیایی را در نوردید، و حتی به نسل های بعدی نیز خسارتهای جبران ناپذیر وارد نمود و لذا هرگونه استفاده و حتی تهدید به استفاده از این سلاح، نقض جدی مسلم ترین قواعد بشر دوستانه و مصداق بارز جنایت جنگی قلمداد می گردد. به لحاظ نظامی و امنیتی نیز به دنبال دست یابی چند قدرت به این سلاح ضد بشری، تردیدی باقی نماند که پیروزی در جنگ هسته ای ناممکن و درگیری در چنین جنگی غیر عقلانی و ضد انسانی است. ولی برغم این بدیهیات اخلاقی، عقلانی، انسانی و حتی نظامی، خواست مؤکد و مکرر جامعه ی جهانی برای نابودی این سلاح ها توسط گروه انگشت شماری از دولت ها، که امنیت خیالی خود را بر ناامنی همگانی بنا کرده اند، نادیده گرفته شده است. اصرار این دولت ها بر نگهداری، افزایش و گسترش توان تخریبی این سلاح ها، که هیچ کاربردی جز ارباب و ترور دسته جمعی و ایجاد امنیت کاذب، مبتنی بر بازدارندگی ناشی از نابودی تضمین شده همگانی نداشته و ندارد، استمرار کابوس هسته ای جهان، را به دنبال داشته است. منابع خارج از شمار اقتصادی و انسانی در رقابت غیر عقلانی هزینه شده اند تا هر یک از ابرقدرت ها توان خیالی پیدا کنند که بیش از ده هزار بار رقیبان خود و سایر ساکنان کره خاکی منجمله خودشان را نابود کنند. بی دلیل نیست که این راهبرد، بازدارندگی مبتنی بر، نابودی تضمین شده متقابل، یا دیوانگی نام گرفته است. برخی از دولت های هسته ای در سال های اخیر از نظریه ی بازدارندگی در مقابل سایر قدرت های هسته ای بر مبنای، نابودی تضمین شده متقابل هم، فراتر رفته اند تا جایی که در راهبرد هسته ای این دولت ها بر حفظ، انتخاب هسته ای در برابر تهدیدات متعارف از سوی، ناقضین معاهده عدم اشاعه، تأکید شده است، در حالیکه بزرگترین ناقضین معاهده عدم اشاعه، قدرت هایی هستند که، علاوه

بر نقض تعهد خود در ماده ۶ معاهده برای خلع سلاح هسته‌ای، حتی در اشاعه عمودی و افقی این سلاح‌ها گوی سبقت را از دیگران ربوده و منجمله با کمک به تسلیح رژیم صهیونیستی به سلاح‌های هسته‌ای و حمایت از سیاست‌های آن رژیم، در اشاعه‌ی واقعی این سلاح‌ها نقش مستقیم و مغایر تعهدات خود بر مبنای ماده ۱ معاهده ایفا کرده و منطقه خاورمیانه و جهان را با تهدیدی جدی روبرو کرده‌اند و در رأس این دولت‌ها، رژیم زورگو و متجاوز ایالات متحده آمریکا است. جا دارد که کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح، ضمن بررسی خطرهای تولید و انباشت سلاح هسته‌ای در جهان، بطور واقع بینانه راهکارهایی را برای مقابله با این تهدید علیه بشریت ارائه کند تا بتوان گامی جدی در مسیر پاسداری از صلح و ثبات جهانی به پیش نهاد. به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملتها خطر تولید و انباشت این گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و آماده است همه‌ی امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما کاربرد این سلاحها را حرام، و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه‌ی همگان میدانیم.^{۳۱}

امروز با تأسف فراوان دیده میشود که کشورهای دارنده‌ی بیشترین تسلیحات هسته‌ای، اراده‌ای جدی و واقعی برای حذف این ابزارهای مرگبار از دکنترین نظامی خود ندارند و آن را همچنان عامل رفع تهدید و شاخصی مهم در تعریف جایگاه سیاسی و بین‌المللی خود میدانند. این تصور، به کلی مردود و مطرود است. سلاح هسته‌ای نه تأمین‌کننده‌ی امنیت و نه مایه‌ی تحکیم قدرت سیاسی است، بلکه تهدیدی برای این هر دو است. حوادث دهه‌ی ۹۰ قرن بیستم نشان داد که داشتن این تسلیحات نمیتواند رژیمی همانند شوروی سابق را هم حفظ کند. امروز نیز کشورهایی را میشناسیم که با داشتن بمب اتم، در معرض امواج ناامنی‌های مهلکند. جمهوری اسلامی ایران استفاده از سلاح هسته‌ای و شیمیایی و نظائر آن را گناهی بزرگ و نابخشودنی میدانند. ما شعار (خاورمیانه‌ی عاری از سلاح هسته‌ای) را مطرح کرده‌ایم و به آن پایبندیم. این به معنی چشم‌پوشی از حق بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و تولید سوخت هسته‌ای نیست. استفاده‌ی صلح‌آمیز از این انرژی، بر اساس قوانین بین‌المللی، حق همه‌ی کشورها است. همه باید بتوانند از این انرژی سالم در مصارف گوناگون حیاتی کشور و ملتشان استفاده کنند و در اعمال این حق، وابسته به دیگران نباشند. چند کشور غربی که خود دارنده‌ی سلاح هسته‌ای و مرتکب این کار غیرقانونی‌اند، مایلند توان تولید سوخت هسته‌ای را نیز در انحصار خود نگه دارند. حرکتی مرموز در حال شکل‌گیری است تا انحصار تولید و فروش سوخت هسته‌ای را در مراکز با نام بین‌المللی ولی در واقع در پنجه‌ی چند کشور معدود غربی، تثبیت و دائمی کنند. طنز تلخ روزگار ما آن است که دولت آمریکا که دارنده‌ی بیشترین و مرگبارترین سلاحهای هسته‌ای و دیگر سلاحهای کشتار جمعی و تنها مرتکب به‌کارگیری آن است، امروز میخواهد پرچم مخالفت با اشاعه‌ی هسته‌ای را به

دوش بگیرد! آنها و شرکای غربی‌شان رژیم صهیونیستی غاصب را به سلاحهای هسته‌ای مجهز کرده و برای این منطقه‌ی حساس، تهدیدی بزرگ فراهم کرده‌اند؛ اما همین مجموعه‌ی فریبگر، استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را برای کشورهای مستقل برنمی‌تابند و حتی با تولید سوخت هسته‌ای برای رادیوداروها و دیگر مصارف صلح‌آمیز انسانی، با هرچه در توان دارند، ستیزه‌گری میکنند. بهانه‌ی دروغین آنان، بیم از تولید سلاح هسته‌ای است. در مورد جمهوری اسلامی ایران، آنان خود میدانند که دروغ می‌گویند؛ اما سیاست‌ورزی، آنگاه که کمترین اثری از معنویت در آن نباشد، دروغ را هم مجاز می‌شمرد. آیا آن که در قرن بیست‌ویکم زبان به تهدید اتمی می‌گشاید و شرم نمی‌کند، از دروغ‌گوئی پرهیز و شرم خواهد کرد؟! من تأکید میکنم که جمهوری اسلامی هرگز در پی تسلیحات هسته‌ای نیست، و نیز هرگز از حق ملت خود در استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای چشم‌پوشی نخواهد کرد. شعار ما (انرژی هسته‌ای برای همه، و سلاح هسته‌ای برای هیچکس) است. ما بر این هر دو سخن پای خواهیم فشرد و میدانیم که شکستن انحصار چند کشور غربی در تولید انرژی هسته‌ای در چهارچوب معاهده‌ی عدم اشاعه، به سود همه‌ی کشورهای مستقل و از جمله کشورهای عضو جنبش عدم تعهد است.^{۳۲}

میدانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم؛ این را فهمیده‌اند، دانسته‌اند. من شک ندارم که دستگاه‌های تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز در این کشورهایی که جلوی ما ایستاده‌اند، اطلاع دارند و میدانند که ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم. واقعاً سلاح هسته‌ای به صرفه‌ی ما نیست؛ علاوه بر اینکه از لحاظ فکری و نظری و فقهی، ما این کار را خلاف میدانیم و این حرکت را حرکت خلافی میدانیم. ما استفاده‌ی از این تسلیحات را گناه بزرگ میدانیم و نگهداشتنش را یک کار بی‌هوده‌ی پرخطر برخطر میدانیم و هرگز دنبالش هم نمی‌رویم. آنها هم این را میدانند، اما روی این نقطه فشار می‌آورند برای اینکه این حرکت را متوقف کنند. ما میخواهیم به دنیا اثبات کنیم که داشتن سلاح هسته‌ای، قدرت‌آفرین نیست؛ به دلیل اینکه قدرتهائی که سلاح هسته‌ای دارند، امروز دارای سخت‌ترین مشکلاتند. آنها با تهدید هسته‌ای بر دنیا مسلط شدند، اما امروز این تهدید دیگر کاربرد ندارد. ما میخواهیم بگوئیم ما دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم و اقتدار را در سلاح هسته‌ای نمیدانیم و اقتدار متکی به سلاح هسته‌ای را هم نمیتوانیم بشکنیم. ان شاء الله این ملت این کار را خواهد کرد.^{۳۳}

آیت الله جوادی آملی حفظه الله

مطالب طرح شده توسط حضرت آیت الله جوادی آملی درباره‌ی صنعت را می‌توان در چند بخش دسته بندی نمود:

حفظ محیط زیست و نظم و نظام الهی در آفرینش توسط صنعت انسانی:

۳۲ بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد در تهران ۹ شهریور ۹۱

۳۳ بیانات در دیدار دانشمندان هسته‌ای ۳ اسفند ۹۰

گروهی در اثر اغوای شیطان که با ارائه کزراه‌ها و اغرا و تمویه و تسفیه، بشر فریب‌خورده را وادار به عصیان می‌کند، به بهانه حفظ صنعت، سنت زیبای خلقت را به بدعت تبدیل و نظام باشکوه آفرینش را به هرج و مرج آلاینش و آلودگی دگرگون می‌نماید. پیام قرآن کریم درباره ناسپاسان زیست محیطی و فاقدان فرهنگ صیانت محیط زیست، این است: (ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ) آنچه از دستور سپهری و فرمان آسمانی برمی‌آید، این است که تابلوی زیبای آفرینش، امانت الهی به دست بشر است. صنایع تجربی موظف‌اند که در راستای تأمین سعادت و سلامت تمام بشر جهت‌گیری کنند؛ چنان‌که مکلف‌اند که حقوق طبیعی هر موجود دیگر را، اعم از دریا و آبریزان و هوا و پرندگان هوا و استنشاق‌کنندگان از آن و نیز هر پدیده طبیعی دیگر، رعایت نمایند و هرگز به هلاکت نسل و حرث رضایت ندهند و گزندگان اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مانند آن را انسان گزیده نمی‌داند و در تعبیر و توییح آنان چنین می‌گوید: (وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ) چون ارزش عامل به عمل است، هنگامی که فساد، محبوب نباشد، مُفسد نیز محبوب نخواهد شد.^{۳۴}

آیت الله جوادی آملی در این باره می‌گوید:

اسلام در تمام شؤون حیات، به دو عنصر محوری اهمیت می‌دهد و همگان، به ویژه دولت‌مردان را مسؤول تأمین آن دو رکن اساسی می‌داند: یکی استحکام عمل و دیگری هنرمندی و زیبایی آن، یعنی کاری که مطابق اصول علمی نباشد، چون متقن و استوار نیست مقبول نیست و کاری که در عین اتقان و استواری، هنرمندانه و زیبا نیست، مطبوع و مطلوب نخواهد بود. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره عنصر محوری نخست چنین فرمود: إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَنَهُ. یعنی آنچه محبوب خداست، کار محکم و عمل متقن است و درباره عنصر محوری دوم، چنین فرمود: يُحِبُّ اللَّهُ الْعَامِلَ إِذَا عَمِلَ أَنْ يَحْسَنَ. یعنی آنچه محبوب خداست، کار هنرمندانه، ادیبانه و زیباست. خداوند نیز جهان را با دو اصل استحکام و زیبایی آفرید و دوست دارد که جانشین او در زمین، انسان وارسته‌ای باشد که معماری کارهای او فنی و نیز زیباسازی‌های عمل او هنرمندانه باشد. رعایت دواصل یاد شده، حافظ تمام اصول معیاری زیست محیطی است؛ زیر استحکام و زیبایی، مایه پالایش فضای زندگی است و فضای پالوده، پایدار خواهد بود؛ همان‌طور که محیط آلوده، زودنی و از بین رفتنی است.^{۳۵}

ایشان درباره هماهنگی صنعت با نظام آفرینش می‌فرمایند:

۳۴ جوادی آملی عبدالله، اسلام و محیط زیست - صفحه ۲۳

زیبایی جهان آفرینش در نظام‌مند بودن آن است؛ به طوری که هر مخلوقی با هماهنگی اجزای درونی و با هدف معین و راه راهنمای مشخص آفریده شد، لذا هم نظام فاعلی آن منسجم و عالمانه است و هم نظام غایی آن مرتبط و حکیمانه است و هم نظام داخلی آن هماهنگ و خردمندانه تعبیه شده است. پیام قرآن حکیم در این زمینه چنین است: (رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى)؛ یعنی پروردگار ما ساختار هر مخلوق را برابر استعداد، استحقاق، ظرفیت و هدفمندی او تأمین کرد؛ آن‌گاه او را در بستر مستقیم به مقصدی که مقصود در آنجاست، رهبری نمود. این مثلث میمون، زیبایی هر چیزی را در رعایت اصول علمی و تجربی نظامهای سه‌گانه مزبور می‌داند و اگر آسیبی به ساختار چیزی برسد، هم او را از نیل به هدف اصیل او باز می‌دارد، هم دیگران را از فیض او محروم می‌کند. آن هجران پلید و این حرمان زشت، چهره زیبای صحنه آفرینش را مشوه می‌کنند، و هر گونه تشویه خلقت که به سلامت جامعه و امنیت امت آسیب رساند، وسوسه ابلیس است؛ زیرا شیطان، مکر ابلیسانه خود را در مطاوی امور، تدلیس و تلبیس می‌کند که یکی از آنها تغییر ساختار هدفمند انسان یا هر موجود دیگر است: (فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ).^{۳۶}

ایشان همچنین درباره دیدگاه اسلام درباره صنعت مطالب نابی را از قرآن کریم استنباط نموده اند، به عنوان مثال ایشان می‌نویسد^{۳۷}:

اصل فرایند صنعتی در حکومت اسلامی ممدوح و مورد ترغیب است... مهم ترین بهره درست از صنایع پیشرفته هر عصر، عبارت است از تامین نیازهای علمی و عملی مردم آن عصر. آنچه در قرآن یاد شده، جنبه «تمثیل» دارد نه «تعیین»، یعنی در قرآن، مثال بهره‌وری صحیح از صنعت بازگو شده نه آنکه استفاده درست از صنعت، منحصر در همین چند مورد (مثالهای ذکر شده از صنعت در قرآن کریم مانند کشتی و زره و ...) باشد... استفاده از تکنولوژی در تمام امور سازنده و سودمند رواست، ولی بهره برداری از آن در امور تخریبی، و تهاجمی، و سوزنده، و کشنده، و تباہ کننده زمین، دریا، هوا، گیاهان، جانوران، انسان‌ها، مناطق معمور، و... هرگز روا نیست.

ایشان در جای دیگری چنین می‌فرماید^{۳۸}:

دین نه تنها تشویق به فراگیری علوم را عهده‌دار است، و انسان‌های مستعد را به تحصیل کمال‌های علمی ترغیب می‌نماید، بلکه علاوه بر آن خطوط کلی بسیاری از علوم را ارائه کرده و مبانی جامع بسیاری از دانش‌های تجربی، صنعتی، نظامی و مانند آن را تعلیم داده است.

۳۶ همان ص ۲۲ و ۲۳

۳۷ همو؛ ولایت فقیه، ولایت فقاہت و عدالت، چاپ هفتم، نشر اسراء، قم ۱۳۸۷، ص ۱۱۳

۳۸ همو؛ شریعت در آینه معرفت - صفحه ۹۶

خود استاد جوادی آملی در بعضی کتاب‌ها از آیات و روایات استفاده‌هایی در بحث اخلاق صنعتی داشته‌اند. مثلاً ایشان در یکی از کتاب‌های اخلاقیشان^{۳۹} می‌فرمایند:

مستحب است کسی که بر مرکبی سوار می‌شود بگوید: (سبحان الذی سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين وإنا إلى ربنا لمنقلبون)^۱، چنانکه نقل شده است: امام صادق (علیه السلام) هرگاه بر مرکب سوار می‌شدند ابتدا آیه (سبحان الذی...) را تلاوت و سپس هر یک از تسبیح، تحمید و تهلیل را هفت بار تکرار می‌کردند^۲. گرچه این آیه در مورد سوار شدن بر چهار پایان است ولی اختصاصی به آنها ندارد و شامل اتومبیل، کشتی، قطار، هواپیما و سفینه نیز می‌شود.

ایشان در یکی از گفتارهای خود لزوم هماهنگی صنعت با فطرت را یادآور می‌شوند و خطرات غفلت صنعتی از فطرت را چنین گوشزد می‌فرمایند^{۴۰}:

آنچه توجه به آن لازم و سودمند است این است که با پیشرفت تکنولوژی و عرضه کالاهای صنعتی به بازار فرهنگ و مصرف، توجه علمی و انعطاف عملی جامعه بسوی موجودهای بی‌شماری است که ترکیب و تکثیر آنها مانع تحقق وحدت آنها خواهد بود و چیزی که فاقد وحدت حقیقی باشد، واجد وجود حقیقی نخواهد بود و چیزی که وجود حقیقی نداشت از محور علت و معلول بیرون بوده و طرح ساختار نظام‌مند فاعلی و غایی درباره آنها روا نیست، البته اجزای اصلی آنها واحد حقیقی و موجود واقعی‌اند، لیکن آنها از منظر اصحاب صنعت دورند. جامعه‌ای که در تمام شئون صعود و هیوط خود با همین وسائل صنعتی فاقد هویت به سر می‌برد و هیچ‌گونه آثار وحدت حقیقی، معلولیت، مخلوقیت و سنت الهی را در متن چنین صنعتی مشاهده نمی‌کند، متدرجاً از شهود سنت الهی محروم و از ادراک وحدت، هستی، معلولیت و مخلوقیت و در نتیجه از نگاه به نظام فاعلی و غایی محجوب خواهد بود. انس مستمر به حیات صنعتی نه تنها اشتغال به طبیعت را به همراه دارد بلکه اعراض از فراطبیعی لازمه چنین اشتغال گسترده به طبیعت است، و حتی بالاتر موجب بینش صنعتی و تکنولوژیکی و ماشینی به انسان خواهد بود، قهراً حیات انسان از منظر مبتلایان به انغمار در صنعت و از دیدگاه لاهیان به طبیعت همان حیات یک موجود صناعی خواهد بود و روشن است که هیچ خبری از فطرت در موجود صنعتی نیست و هیچ اثری از آن در موجود ماشینی وجود ندارد. ابتلای به صنعت از جهات فراوان نیازمند به بازنگری و ضبط جهات دیگر است، وگرنه از جهت معرفت‌شناسی نیز آسیب خاص خود را رسانده و می‌رساند؛ زیرا در چهار سوق صنعت هرگز سخن از خارج محمول و جنس و فصل و لازم ذات، و ذاتی باب ایساغوجی و ذاتی باب برهان و قضیه حقیقیه و ضرورت ذاتی محمول برای موضوع و مانند

۳۹ همو؛ مراحل اخلاق در قرآن - صفحه ۳۱۴

۴۰ همو؛ فطرت در قرآن - صفحه ۵۲ و ۵۳

آن نخواهد بود، مگر به لحاظ اجزای واحد صنعتی که موجودی طبیعی است و دارای خواص ذاتی و عرض است، لیکن آثار جزئی آن اجزا محسوس نبوده و محسوب نخواهد شد و تفصیل این بحث را می‌توان، در معرفت‌شناسی در قرآن یافت.

ایشان در کتاب دیگری باز هم بحث ارتباط نزهت روحی و تکنولوژی را طرح فرموده و می‌نویسند:

اسلام در تمام شئون زندگی بشر قانون سازنده دارد، به طوری که رفاه طبیعی را در کنار فضیلت فراطبیعی طرح می‌کند و فنون بهره‌وری از مزایای تکنولوژی را در جوار نزهت روحی لازم می‌داند.^{۴۱}

آیت الله جوادی آملی معتقدند اصول و خط مشی صنایع باید از علوم عقلی به دست آید ایشان در این باره چنین می‌نویسند:^{۴۲}

گرچه میان علوم عقلی با پرورش و شکوفایی علوم تجربی ارتباط تنگاتنگ نیست، علوم نظری، خط مشی و اصول کلی علوم تجربی را تعیین می‌کنند و علوم عقلی، جنبه راهنما و هدایت‌گری برای علوم تجربی دارند؛ مثلاً علوم عقلی و معارف دینی به ما می‌آموزند که به جای سلاح تخریبی و تهاجمی، سلاح دفاعی بسازیم، چنان‌که قرآن کریم الگوی آن را در داستان حضرت داود پیامبر(علیه‌السلام) برای مسلمانان ارائه می‌کند: (وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحِصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ) [سوره انبیاء، آیه ۸۰].^{۴۳} برای شما زره بافی را به او (داود) آموختیم تا از (گزند) جنگتان ننگه دارد؛ نه اینکه از آن سلاح سرد بسازد تا عامل تخریب و کشتار گردد. شبیه آنچه در روایات آمده که از امام صادق(علیه‌السلام) پرسیدند: آیا اجازه داریم به دو طرف متخاصم که هردو کافرند سلاح بفروشیم؟ امام فرمود: به هر دو طرف بفروشید، آن هم سلاح دفاعی؛ مانند زره و سپر؛ نه سلاح تهاجمی؛ مانند شمشیر، تیر و نیزه. بر این اساس، سهم معارف الهی و نظری این است که صنعت قهار را مهار می‌کند و این عالی‌ترین نوع ترقی جوامع انسانی است. توحش جنگ جویان و غارتگران اتمی را نمی‌توان تمدن نامید، زیرا نتیجه پیشرفت و ثمره ارتقای اجتماعی، ایجاد آرامش و امنیت و کاهش اضطراب و ناامنی است، در حالی که امروز در کشورهای غربی ایجاد اضطراب فکری و اعتقادی و ناهنجاری‌های اخلاقی را پیشرفت جوامع بشری می‌نامند.

ایشان در جای دیگری تبیین حقوق و اخلاق در صنعت را نیز از شئون قوانین دینی و اسلامی می‌دانند و می‌نویسند:^{۴۴}

قوانین اسلامی و مسئولان نظام دینی، عهده‌دار تبیین، تدوین و اجرای رشد حقوقی داخلی و بین‌المللی می‌باشند؛ زیرا جامعه انسانی هر چند در شئون گوناگون اقتصاد متری باشد و هر چند در امور متنوع صنعت کارآمد باشد، مادامی که از قوانین حقوقی کامل و متقابل آگاه نبوده و به آن معتقد نشده، در عمل به آنها متعهد نباشد، هرگز کامیاب نخواهد شد چون همان سلاهای اقتصادی و صنعتی بدون صلاح حقوقی و اخلاقی، زمینه تباهی را فراهم می‌کند و جریان جنگ جهانی اول و دوم

۴۱ همو؛ سروش هدایت جلد ۴ صفحه ۹۸ و ۹۹

۴۲ جوادی آملی، عبدالله؛ جامعه در قرآن - صفحه ۴۵۵ و ۴۵۶

۴۳ جوادی آملی، عبدالله؛ اسلام و محیط زیست - صفحه ۵۵

و تهاجمهای موضعی بعد از آنها که باعث شد همواره زورمداران در موضع تخریب قرار گرفته و محرومان در موضع انزوا و قتل و غارت واقع شوند، گواه بر آن است.

ایشان همچنین تلاش دانشمندان برای استخراج مطالب عمیق علوم تجربی در قرآن کریم را لازم می‌داند و می‌نویسد:

همان‌طور که فطاحل و فحول علمی حوزه‌های دینی از جمله (وما کُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا) [سوره عنکبوت، آیه ۲۰]. مطالب عمیق اصول فقه را استنباط می‌کنند و با اثاره دفتائن عقلی آنها را از متن آیه استخراج می‌کنند، از آیات کیهان‌شناسی، دریا شناسی، زمین شناسی و... نیز می‌توان با اثاره دفتائن عقلی، مطالب عمیق فنون یاد شده را استنباط کرد و سؤالهای تولید شده را بر آیات دیگری یا روایات معتبر معروض داشت و پاسخ طمأنینه بخش را از مجموع آنها استظهار کرد و سهم دین را در علوم انسانی خلاصه نکرد و علم و دین را مقابل هم قرار نداد.^{۴۴}

دیگر علما:

همچنین آیت الله ناصر مکارم شیرازی در یکی از کتابهایشان می‌نویسند:

مردم جهان باید به این حد از رشد اجتماعی برسند که بفهمند پیشرفت تکنولوژی الزاماً به مفهوم پیشرفت بشریت و تأمین خوشبختی انسانها نیست؛ بلکه تکنولوژی پیشرفته تنها در صورتی ضامن نیکبختی و سعادت است که زیر چتر یک سلسله اصول معنوی و انسانی استقرار یابد و آلا- همان گونه که بارها دیده‌ایم- بلا آفرین خواهد بود و مایه ویرانگری است. مردم جهان باید دریابند صنایع اگر به صورت بتی در آیند برحجم مشکلات کنونی افزوده خواهد شد و به ابعاد ویرانی و ضایعات جنگها وسعت می‌بخشد؛ بلکه باید به شکل ابزاری در آیند تحت کنترل انسانهای شایسته.^{۴۵} قیام یک مصلح بزرگ برای استقرار عدل و آزادی در سراسر جهان هیچ گاه سبب نمی‌شود که جنبش صنعتی و ماشینی در شکل سالم و مفیدش بر چیده یا متوقف شود... ولی شک نیست این جنبش صنعتی و تکامل تکنولوژی الزاماً باید از یک صافی دقیق بگذرد تا جنبه‌های ناسالم و زیانبخش آن حذف گردد، و سرانجام در مسیر منافع انسانها و صلح و عدالت بسیج شود؛ یک حکومت طرفدار حق و عدالت این کار را حتماً خواهد کرد.^{۴۶}

استاد اصغر طاهرزاده درباره راه حل مشکل صنایع و فناوری های این عصر می‌گوید:

۴۴ تسنیم، جلد ۹ صفحه ۵۵۷-۵۵۸

۴۵ مکارم شیرازی ناصر، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۲۱۴ و ۲۱۵

۴۶ همان ص ۲۴۳ و ۲۴۴

باید زندگی انسان‌ها نظر و نسبتی با حق و حقیقت پیدا کند تا بحران‌ها به تعادل تبدیل شود و «عقل هدایت»، عنان عقل تکنیکی را در دست بگیرد و با علم به اعیان اشیاء، در طبیعت تصرف کند و اصالت را به عالم غیب بدهد و عالم شهادت را تابع آن بداند و گرنه بحران‌ها همچنان ادامه خواهد یافت.^{۴۷}

ایشان در جای دیگری در باب ضرورت تصفیه تکنولوژی می‌گوید:

باید غفلت نکنیم که هر تکنولوژی بر اساس فرهنگ و هدفی خاص ساخته شده و در هر جا آورده شود ناخودآگاه روح خود را نیز با خود می‌آورد... اگر از روح حاکم بر تکنولوژی غافل شویم و بدون هیچ‌گزینش و کنترلی تسلیم آن گردیم از اسلام و حکومت اسلامی جز پوسته‌ای بی‌روح نخواهد ماند و زحماتی که در پدیدآوردن نظام اسلامی صرف شده با ناکامی همراه خواهد شد. که از وقوع آن به خدا پناه می‌بریم.^{۴۸}

جایگاه نظام ارزشی در میان موضوعات مرتبط با فناوری:

هر فناوری با موضوعات مختلفی مرتبط است. می‌توان از اثرات اجتماعی فناوری تا اثرات زیست محیطی، اقتصادی و حتی سیاسی را در دامنه‌ی اثر یک فناوری در نظر گرفت. به عنوان مثال فناوری ساخت موشک‌ها در معادلات سیاسی اثرگذار است یا مثلاً فناوری‌های ارتباطی بی‌سیم امروزه تأثیرات زیادی بر روابط اجتماعی داشته است. فناوری‌های تولید محصولات غذایی، لوازم خانگی و حمل و نقل نیز امروزه تأثیر بالایی در جایگاه اقتصادی یک کشور در عرصه‌ی بین‌المللی دارد. تمام این مسائل در واقع موضوعات پسین، تبعی یا عرضی نسبت به ایجاد یک فناوری هستند.

برخی مسائل را نیز می‌توان موضوعات پیشین فناوری به حساب آورد. مثلاً ادبیات و داستان‌های علمی تخیلی و مقالاتی که در مورد نیازهای فناورانه‌ی جامعه و گروه‌های مختلف جامعه نوشته می‌شود در بسیاری از موارد محرک مهندسين برای تولید فناوری بوده است. مثلاً برخی فناوری‌های انتقال و توان بخشی معلولین در پی تلاش‌های تشکلهای حمایت از معلولین و حقوق آنها بوجود آمده است و امروزه با پیگیری همین تشکل‌ها در حال رشد است. یا مثلاً فناوری‌های فضایی فرازمینی مانند فناوری‌های اکتشافی سیارات دیگر و قمرهایشان بیشتر در پی داستان‌های علمی تخیلی و فیلم‌های جنگ ستارگان بوجود آمده است و منشأ آن نه نیازهای جسمی و بدنی است و نه رشد اقتصادی و نه عوامل فرهنگی و رسانه‌ای، بلکه صرفاً ایده پردازی‌های داستان نویسان علمی تخیلی و تفوق طلبی سیاسی به رشد این فناوری‌ها دامن زده است. برخی فناوری‌ها نیز به برای ساده سازی عمل به توصیه‌های دینی به وجود آمده اند. مثلاً امروزه فناوری‌هایی مانند قلم‌های قرآنی و مهرهای رکعت شمار و نشانگرهای اوقات شرعی و اذکار یومیه و یا در باز کن‌های یاعلی گو و امثال آن همه در پی عمل به توصیه‌های دینی به وجود آمده اند. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که این پژوهش دقیقاً به دنبال چه چیزی است؟ آیا این پژوهش به دنبال موضوعات پسین فناوری یا موضوعات پیش از فناوری است؟ یا نه بحث ما از این دو مقوله فارغ است و موضوع دیگری مدنظر است. پاسخ

۴۷ طاهرزاده اصغر، فرهنگ مدرنیته و توهم ص ۷۶

۴۸ طاهرزاده اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص ۸۹ و ۹۰

آن است که این پژوهش با خود فناوری به عنوان یک موضوع جداگانه مرتبط است و در صورت شناخت فناوری های صالح از فناوری های ناصالح خود بخود محرک های صالح از محرک های ناصالح نیز مشخص خواهند شد و شاخصی در دست طراحان قرار می گیرد که محرک های حق را پاسخ دهند و به محرک های باطل بی اعتنایی کنند. از طرفی تبعات و اثرات ناشی از فناوری های حق و صالح نیز صلح و امور خیر و حسن خواهد بود و تبعات ناشایستی بر فناوری های حق مترتب نخواهد بود.

محرک ها ← طراحی و تولید فناوری ← تبعات و آثار

برخی موضوعات دیگر اصولاً نه التفاتی به مقوله های پیشین و محرک های ایجاد یک فناوری دارند و نه توجهی به تبعات یک فناوری دارند بلکه بیشتر پیگیر خود فرایند تولد یک فناوری هستند. مثلاً طراحی فنی جزئیات یک فناوری مرحله ای از ایجاد فناوری است که بیشتر با خود فناوری در ارتباط است و به ارتباطات فناوری با محیط دور پیرامون اعم از محرک ها یا متاثرها کاری ندارند. یکی از مهمترین بخش های تولد یک فناوری طراحی مفهومی یک فناوری است. طراحی مفهومی مرحله ای است که ایده ی اصلی شکل و ساختار یک فناوری در آن شکل می گیرد. مثلاً در طراحی مفهومی یک ساختمان مکان قرارگیری هر یک از اجزاء ساختمان مشخص می شود. در مراحل بعدی است که به ابعاد دقیق و محاسبات ریز مهندسی برای همسازی بنا و ساختمان پرداخته می شود. در طراحی مفهومی یک هواپیما نیز مشخص می شود که هر یک از اجزای هواپیما در کدام قسمت قرار گیرند، مثلاً موتور هواپیما و بال و دم های آن هر یک در کدام بخش قرار گیرند. طراحی مفهومی یک فناوری با تصمیم گیری بر مبنای ارزشهای شناخته شده در ذهن طراح صورت می گیرد. یعنی مثلاً اگر یک طراح کرامت انسانی را به عنوان یک ارزش در طراحی لحاظ نکند اهمیتی به جایگاه قرار گرفتن انسان در محصول تولیدی نمی دهد و برای او مهم نیست که انسان در پایین ترین قسمت محصول قرار گیرد یا در بالاترین قسمت آن. یا مثلاً اگر کسی برای ارزشهای دینی مانند نجاست و طهارت ارزشی کمتر از ارزش سودآوری اقتصادی قائل باشد حاضر است حمام و بیت الخلاء را در آپارتمان با هم ادغام کند تا در هزینه های کاشی کاری و لوله و اتصالات ساختمان هزینه ی کمتری مصرف شده و سود بیشتری عاید سازنده ی بنا شود. عمده آن است که چه ارزشهایی در ذهن طراح مهم است و بر اساس آن ها تصمیم گیری صورت می گیرد. دغدغه ی اصلی این پژوهش کشف ارزش های حاکم بر فناوری ها از آیات قرآن کریم است. لذا بیشترین موضوع مرتبط با فناوری که درباره آن سخن گفته می شود طراحی مفهومی فناوری ها بر اساس ارزش های قرآنی است. بدیهی است که طراحی فنی محصولات بر مبنای قوانین آفرینش در زمینه های فیزیک و مکانیک و شیمی و امثال آن صورت می گیرد و قابل تخطی از این قوانین نیست. لذا تشریح در رابطه ی با آن ها دارای تکلیف نیست و آن ها قوانین تکوینی هستند که طراح برای عمل کردن و نتیجه بخش بودن محصول فناورانه ی خود ملزم به تبعیت جبری از آنهاست. اما آن بخش از طراحی که تشریحی است و اختیاری، همان طراحی مفهومی است که در آن تصمیم گیری صورت می گیرد و لذا بر شریعت لازم است در آن حیطه انسان را هدایت فرماید. پس در حیطه قوانین تکوینی جبری اصولاً بحث تشریح مطرح نیست تا کسی سخن از قوانین سیالات و ترمودینامیک و مقاومت مصالح اسلامی و غیر اسلامی بزند و همه ی قوانین این علوم تکوینی و خدانهاد هستند. بله البته ممکن است برخی انسانهای نمک شناس این قوانین را مورد بررسی علمی قرار دهند و سخنی از صاحب و آفریننده ی آنها به میان نیاورند و تشکری از حکمت و زیبایی خالق این قوانین نیز برای خود وظیفه ندانند و حتی با یادگیری این قوانین با صاحب این قوانین به جدال برخیزند که این موضوعات در آداب علم باید بحث شود. یعنی مثلاً ادب علم آموزی تجربی و دانشوری تجربی مطرح شود و در آن حقوق الهی در دانش های تجربی به عنوان سازنده ی این قوانین پاس داشته شود. جالب است غربی ها خود در مورد استناد علمی به کاشف این قوانین بسیار پایبند و معتقد هستند و اگر کسی

سخن از کاشف اولیه و تجربه کننده ی اول به میان نیاورد او را به سرقت علمی متهم می کنند و حال آنکه برای سازنده و کارگزارنده ی این قوانین در عالم هستی حقی حتی در حد ذکر خیر نیز قائل نیستند و این تناقض تلخ علم ورزی در غرب مدرن است.

چند نمونه نظام ارزشی پیشنهادی برای فناوری اسلامی

چهار مجموعه نظام ارزشی فناوری اسلامی که در ادامه می آید تحت این عنوان در این کتب مطرح و پیشنهاد نشده است بلکه در مطالب این کتب که مرتبط با فرهنگ و نظام ارزشی حاکم بر فناوری بوده است به صورت پراکنده طرح شده است و در این سرفصل سعی شده است از میان مطالب بیرون کشیده شود و به صورت یک مجموعه ناظر به نظام ارزشی فناوری اسلامی ارائه شود.

کتاب فناوری در قرآن

گرچه در این کتاب ۳۳۲ صفحه ای از آیات قرآن کریم نکات بسیاری در مورد فناوری استفاده شده است اما متأسفانه به صورت منسجم یک ساختار واحد برای نظام ارزشی فناوری قرآنی ارائه نشده است. با جمع آوری عنوان ها و مطالب دارای ارتباط با نظام ارزشی فناوری در این کتاب این فهرست به دست می آید:

۱. استفاده از جهت گیری به دست آمده از تقوای الهی در صنعت و فناوری (ص ۲۱۲)
۲. تولید فناوری با محوریت انسان الهی (ص ۲۰۸)
۳. تسری معنویت در فناوری (ص ۲۰۷)
۴. پیشرفت فناوری برای افزایش توحید (ص ۲۰۴)
۵. استمرار نوآوری در فناوری مانند نو به نو شدن صنع الهی (ص ۲۰۰)
۶. آرامش بخشی و اخبات بخشی فناوری (ص ۱۸۰)
۷. نافع بودن فناوری برای جبهه حق (ص ۱۷۳)
۸. تحکیم حکومت حق توسط فناوری (ص ۷۴)
۹. امنیت بخشی فناوری (ص ۱۷۶)
۱۰. تفوق فناورانه جبهه حق بر جبهه کفر (ص ۱۷۶)
۱۱. عمومی سازی فناوری و جلوگیری از انحصارطلبی فناورانه (ص ۱۶۰)
۱۲. ابزار تحقق حکومت عدل دانستن فناوری (ص ۱۶۰)
۱۳. پرهیز از تحجر در مسیر فناوری (ص ۱۵۳)
۱۴. اجتناب از فناوری های حرام (ص ۱۵۷)
۱۵. در اختیار انسان بودن فناوری (ص ۱۵۱)
۱۶. پرداختن به تکامل روح در کنار تکامل فناوری (ص ۱۴۷)
۱۷. اعتقاد به نشأت گرفتن فناوری از وحی و الهام الهی (ص ۱۳۱)

کتاب رابطه دین و فناوری

این کتاب ۲۸۰ صفحه ای ثمره ی رساله ی دکتری استاد حسین مطیع عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه صنعتی اصفهان است که با راهنمایی های استاد مهدی گلشنی و استاد عبدالحسین خسروپناه به صورت یک کتاب جامع و اولین اثر مستقل در حیطه ی فناوری دینی به زیور طبع آراسته شده است. در این کتاب مولف محترم ضمن بررسی امکان و مطلوبیت فناوری اسلامی، فناوری را به سه دسته ی فناوری ضد دینی، فناوری غیر دینی و فناوری دینی تقسیم نموده و کمال فناوری انسانی را در الهی شدن آن می داند (ص ۲۴۱ و ۲۴۲). در پایان کتاب ایشان با اشاره به تجربه ی موفق هضم فلسفه ی یونانی در فلسفه و حکمت اسلامی معتقد است در موضوع فناوری نیز باید جذب گزینشی را پیش گرفت و فناوری را در اندیشه اسلامی جذب کرد تا اسلامی شود (ص ۲۴۸ و ۲۴۹). سپس ایشان به ذکر اوصاف ایجابی و سلبی فناوری اسلامی می پردازد که تقریباً شبیه بحث نظام ارزشی فناوری اسلامی در این مقاله است:

ویژگی های ایجابی: (ص ۲۵۳ تا ۲۶۰)

- ۱) نگاه جامع به علم (بهره گیری از منابعی چون وحی و عقل و شهود)
- ۲) معنوی و در طول دین بودن (در خدمت رشد و تعالی انسانی و تقرب الهی او)
- ۳) اخلاق محوری (تقویت کننده ی اعتقادات، عدالت و سنت های حسنه)
- ۴) هماهنگی با تکوین و تشریح (خضوع در برابر آفرینش الهی و رعایت مرز حلال و حرام الهی)
- ۵) استقلال طلبی برای افراد و جوامع و فایده گرایی (تضعیف نکردن روحی و جسمی فرد و جامعه)
- ۶) هنری بودن (زیبا و فطرت پسند بودن)
- ۷) افزایش بهره وری و کیفیت (کمترین مصرف و بیشترین بازده و نهایت استحکام)
- ۸) تناسب با سبک زندگی اسلامی در راستای تمدن اسلامی

ویژگی های سلبی: (ص ۲۶۰ تا ۲۶۴)

- ۱) عدم تخریب و آلايش محیط زیست (فناوری سازنده و امنیت بخش و آرامش بخش به جای فناوری مخرب و ویرانگر)
- ۲) عدم غریزه محوری و انتخاب فطرت محوری به جای آن (نفی فناوری غریزه محور و انتخاب فناوری فطرت محور)
- ۳) عدم توقف در ابزار و نداشتن نگاه استقلالی و اصالی به ابزار (نفی فناوری پرستی و فناوری گرایی افراطی)
- ۴) زدودن زوائد و تجملات و مدپرستی های مسرفانه و مصرف گرایانه و مخالف روحیه قناعت (نفی فناوری مسرفانه و مترفانه)
- ۵) نفی سلطه جویی و سلاح های کشتار جمعی (نفی فناوری استعلانی)
- ۶) زدودن حجاب تکنیک (نفی کاربری غلط پیشین و تصحیح فرهنگ حاکم بر فناوری برای کاربری صحیح و مفید)

مجموع دیدگاه های آیت الله جوادی آملی حفظه الله درباره نظام ارزشی فناوری اسلامی

بسیاری از نکاتی که حضرت آیت الله جوادی آملی در مورد فناوری اسلامی مطرح فرموده اند در کتاب اسلام و محیط زیست ایشان قابل دستیابی است. همچنین بعد از جستجو در دیگر آثار ایشان نکاتی از آن کتب هم به نتایج کتاب اسلام و محیط زیست افزوده شد و در ادامه آورده شده است:

- ۱) عدم آرایش محیط زیست (اسلام و محیط زیست ص ۲۲ و ۲۳)
- ۲) رعایت حقوق آفریده های الهی (همان)
- ۳) سلامت محوری (همان)
- ۴) امنیت محوری (همان)
- ۵) هدفمندی هوشمندانه (همان)
- ۶) هماهنگی با آفرینش و عدم اخلال در آن (همان)
- ۷) استحکام و اتقان (همان ص ۲۵۹)
- ۸) زیبایی و هنری بودن (همان)
- ۹) سازنده و نافع بودن (ولایت فقاقت و عدالت ص ۱۱۳)
- ۱۰) تخریبی، تهاجمی، کشنده و تباہ کننده نبودن (همان)
- ۱۱) توجه به فضیلت فراطبیعی و نزاهت روحی در کنار رفاه طبیعی (سروش هدایت ج ۴ ص ۹۸ و ۹۹)

مجموع دیدگاه های استاد اصغر طاهرزاده درباره نظام ارزشی فناوری اسلامی

استاد اصغر طاهرزاده متولد ۱۳۳۰ دارای مدرک کارشناسی زمین شناسی از دانشگاه اصفهان هستند. ایشان در دهه ی پنجاه مدتی در مدرسه ی علمیه ی شهید حقانی قم تحت اشراف شهید آیت الله بهشتی مشغول تحصیل ادبیات عرب و فلسفه شدند. بعد از انقلاب مدتی مسئول حزب جمهوری اسلامی در منطقه ی فریدن اصفهان بودند. مسئولیت معاونت پرورشی آموزش و پرورش اصفهان در سال ۱۳۶۰ به عهده ایشان گذاشته شد و در سال ۶۹ دو سال مدیر کل آموزش و پرورش اصفهان شدند و از سال ۷۳ تا ۷۶ هم مدیر بنیاد شهید این استان بودند. در این مدت ۶ سال به مطالعه و تامل در تفسیر المیزان پرداخته اند و علاوه بر مطالعات عمیق روی آثار حضرت امام، دورادور از دروس فلسفه و عرفان آیت الله جوادی آملی و آیت الله حسن زاده نیز استفاده نموده اند^{۴۹}. ایشان عمده مطالبشان در مورد فرهنگ فناوری را در کتاب ۱۹۹ صفحه ای گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی و کتاب ۱۶۰ صفحه ای فرهنگ مدرنیته و توهم کتاب ۳۸۸ صفحه ای علل تزلزل تمدن غرب مطرح نموده اند. در ادامه عمده شاخص های مطرح شده توسط ایشان ارائه می گردد.

- ۱) زدودن القائات شیطانی از فناوری (گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص ۶۰)
- ۲) عدم ابزار محوری و آرمان قرار دادن فناوری (همان ص ۷۸)
- ۳) در خدمت رشد همه جانبه ی انسان بودن فناوری (همان ص ۶۲ و ۶۳)
- ۴) هماهنگی فناوری با محیط زیست و نظام الهی (همان ص ۶۲ و ۶۳ و ۱۰۹)
- ۵) مخرب نبودن فناوری (همان ص ۶۲ و ۶۳)
- ۶) پرهیز از سرعت گرای افراطی و عجله ی بی حکمت در فناوری (همان ص ۶۰)
- ۷) اتقان و استحکام تولیدات و افزایش عمر مفید (همان)

^{۴۹} مصاحبه با استاد اصغر طاهرزاده : سایت لب المیزان ارائه دهنده مجموعه آثار ایشان (مشاهده شده در پاییز سال ۹۴)

- ۸) سادگی فناوری (همان ص ۵۵ و ۶۵ و ۶۶)
- ۹) عدم تحمیل فناوری و فرهنگ آن به انسان (همان ص ۶۲)
- ۱۰) داشتن روحیه قناعت در فناوری و عدم نیاز سازی وهمی و مصرف زدگی (همان ص ۶۴ و ۶۸ و ۸۸)
- ۱۱) رام و دست افزار بودن فناوری در دست انسان و عدم تولید فناوری بی مهار و غیر قابل کنترل (همان ص ۱۰۷ و ۱۰۸)
- ۱۲) ملایمت و انس فناوری با آفرینش الهی (فرهنگ مدرنیته و توهم ص ۶۵ و ۶۶ و ۷۳ و ۷۴ و ۸۶)

معرفی نظامی ارزشی قرآن محور برای فناوری اسلامی

هر چند هر یک از ارزش های پیشنهادی که در ادامه می آید خود مقاله ای مستقل می طلبد اما در اینجا به دلیل نبود مجال کافی از توضیح مفصل هر عنوان پرهیز شده و تنها در حد ذکر یک مبنای قرآنی و اشاره ی کوتاه، از هر یک از این ارزش ها عبور می شود. قرآن کریم کتاب هدایت بشر به راه حقیقی رسیدن به کمال فردی و اجتماعیست (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ (اسراء ۹) - قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَى مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنَّ كُنتُمْ صَادِقِينَ (قصص ۴۹) قَالَ أَوْ لَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَى مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءُكُمْ (زخرف ۲۴)). شکی نیست که خدای متعال که خود خالق و طراح نظام خلقت است بهتر از هر کس بر ربوبیت انسان ها در این عالم و تامین مقصود خود از خلقت آنها توانست. از همین باب قرآن کریم که آخرین کتاب نازل شده از جانب خدای متعال است باید برای صنایع آخرالزمانی هم حرف های بدیع، عمیق و حکیمانه ای در خود جای داده باشد. قرآن کریم در باب برخی مصادیق فن آوری همچون کشتی، زره و قصر و ... چنان ظرائفی را بیان کرده است که چراغ راه فروزانی برای هر صنعتگر مسلمانی خواهد بود.

۱) تذکر به آموزه ها و نشانه های لازم برای رشد و تعالی الهی انسان در فناوری و پرهیز از یادآوری و تعلیم دروس شیطانی

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسَ التَّقْوَى ذَلِكُمْ خَيْرٌ ذَلِكُمْ مِنَ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ (اعراف ۲۶)

در این آیه ی کریمه یکی از فوائد لباس به عنوان یک محصول فناورانه، تذکر و یادآوری دائمی مفهوم تقوا ذکر شده است و لازم است فناوری ضرورت تذکرات و آیات تذکری الهی در زندگی انسانی را به رسمیت بشمارد. اگر فناوری موجب دوری انسان از آیات و تذکرات آفرینشی که برای رشد انسان لازم است گردد و به گونه ای دیگر این تذکرات را تامین نکند انسان از رشد و تعالی حقیقی محروم می شود. مثلا طلوع و غروب خورشید و ماه و رویش هر ساله ی بهاری در زمین با خود تذکرات سودمندی همراه دارند و نشانه هایی بر حقایق مهمی هستند که لازم است انسان دائما در معرض این صحنه ها قرار گیرد و به آنها متذکر شود و اگر فناوری انسان را از این تذکرات دور کند به او ظلم نموده است. مثلا راه رفتن در یک خیابان که طرفین آن آپارتمان های چند ده طبقه قرار دارند باعث می شود آسمان و آیات آن در نقطه ی کور دید انسان قرار گیرند. همچنین فناوری و آلودگی هایی که موجب حذف درختها، پرندگان و گل ها از شهرها شده است انسان را از ثمرات تذکری این مخلوقات محروم می سازد. فناوری نه تنها باید راه تذکرات آفرینشی را مسدود نکند بلکه مطلوب است که خود نیز تذکری برای حقایق و حکمت های انسان ساز الهی باشد تا در رشد انسان تسریع شود مثلا طبق آیه ی شریفه لباس های نازک و درون نما و ناقص تذکرات خوبی برای تقوا نیستند و این حقیقت در روایات شریفه نیز آمده است.

مثلاً برای تذکر احترام به ارزاق مبارک مثل نبریدن نان با چاقو و آلات آهنی و عدم استفاده ی از چنگال فرزند علامه طهرانی رحمه الله می نویسد:

حضرت آقای انصاری همدانی رضوان الله علیه هنگام غذاخوردن، چنگال استفاده نمی کردند و حضرت علامه والد (ره) نیز به تبعیت از ایشان چنگالها را در منزل جمع کرده و ما نیز دیگر استفاده نمی کردیم. ..علامه والد می فرمودند: ((بنده چنگال استفاده نمی کنم و نمی گویم حرام یا مکروه است. اما نعمت خدا را بین دو آهن قرار دادن و خوردن خلاف ادب است. اگر انسان از سنت های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دور شد؛ روی صندلی نشست و پشت میز غذا خورد و چنگال در دست گرفت، آرام آرام از آن اصل و مبدأ فاصله می گیرد و این امور دست به دست هم داده او را از آن حقیقت دور میکند))... [در روایات] از بریدن نان با چاقو نهی شده و آن را خلاف ادب نسبت به نعمت الهی شمرده اند و از زیرپارفتن نان یا گذاشتن چیزی بر آن منع فرموده اند. و در شرع مقدس سفارش شده است که انسان هنگام غذا با یاد خدا، همچون عبد و بنده بر روی زمین نشسته و برای رعایت ادب در محضر خداوند حتی از تکیه دادن هنگام غذا اجتناب نماید. و دستور داده اند که با غذا انس بگیرد و با محبت با آن برخورد کند، غذا را با سه انگشت یا بیشتر بخورد. و اگر دستش به غذا آغشته شد با دستمال پاک ننماید بلکه برای احترام به غذا انگشتان خود را در دهان کرده و پاک نماید، به طوری که هیچ اثری از غذا در آن نماند و ته ظرف خود را نیز بلیسد و از غذا خوردن با دو انگشت نهی فرموده و آن را فعل جباران شمرده اند. باری با چنین ادب و تربیتی که سالک الی الله را بدان دعوت نموده اند، طبیعاً سالک، قرار دادن نعمت و لطفی که از جانب محبوب و پروردگارش به او رسیده است، در بین دو فلز و بیگانه گشتن با آن را خلاف ادب عبودیت احساس نموده و از آن اجتناب می نماید، خصوصاً اگر هیئت ظاهری آن نیز همچون چنگال باشد. (نور مجرد، نوشته سید محمد صادق حسینی طهرانی، ص ۶۹۶)

همچنین در روایت شریفی از نبی اکرم آمده است: **كُلْ ذِي نَابٍ مِنَ السَّبَاعِ وَ مِخْلَبٍ مِنَ الطَّيْرِ حَرَامٌ** (کافی ج ۶ ص ۲۴۵) شاید یکی از وجوه این تحریم که اوصاف نیز به آن اشعار دارد درنده خوئی این حیوانات و خطر انتقال درنده خوئی به انسان با درنده خواری و انس با درندگان باشد.

در برخی آیات دیگر به مشاهده ی فرایند ثمردهی درختان به عنوان آیه ی الهی امر شده است:

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ النَّخْلِ قَتَانًا دَانِيَةً وَجَنَاتٍ مِنْ أَغْنَابٍ وَ الزَّيْتُونِ وَ الرُّمَّانِ مُشْتَبِهًا وَ غَيْرَ مُشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ يَنْعِهِ إِن فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (أنعام ۹۹)

لذا اگر فناوری انسان را از این مشاهده ی آیات الهی محروم کند سرعت رشد انسان را کاسته است و چنین فناوری ای مطلوب نیست.

متأسفانه غرب برای دادن نگرش غیر الهی حتی به کشاورزان نیز بیکار ننشسته است و در همه ی تکنولوژی های جدید نه تنها تذکرات الهی افعال کشاورز و دامپرور نادیده گرفته شده است حتی نگاه او به آسمان هم با برنامه پیش بینی وضع هوای تلویزیون از او گرفته شده است. در کشاورزی مدرن امروز غرب، بشر مدرن نه تنها از دروس ناشی از آبیاری و هرس با دست و کاشت بذر و چیدن میوه و نظاره مراحل

زیبای رسیدن آن محروم شده است بلکه از لذات فطری این افعال الهی نیز حظ و بهره ای ندارد و عموماً انسان های مسخ شده ی تکنولوژیک امروز با رفتن به روستاها و نظاره ی درخت و میوه و زراعت به وجد فطری می آیند و بسیاری از غربی ها در پیروی به روستاها و آغوش محیط های طبیعی باز می گردند. البته این سخن بدان معنا نیست که از فناوری در کشاورزی و باغداری استفاده نکنیم یا از ماهواره ها در پیش بینی هوا بهره نبریم بلکه نباید این رشد فناورانه انسان ها را از درس های آفرینشی محروم نماید و باید در رشد فناوری این درس و آیه نگری ها در نظر گرفته شود.

یا مثلاً می توان گفت انسان با سوارکاری یاد می گیرد که نفسی دارد که به تعبیر روایات چموش ترین مخلوق الهیست (مَا الدَّابَّةُ الْجَمُوحُ بِأَحْوَجَ إِلَى اللِّجَامِ الشَّدِيدِ مِنْ نَفْسِكَ مجموعۀ ورام ج ۱ ص ۹۷) و انسان باید با تمرین تربیت اسب در تسلط بر نفسش روز به روز قوی تر شود تا بتواند از نفس در مسیر سیر الی الله به درستی سواری بگیرد. اما خودرو چون موجودی مطیع است و نافرمانی از آن سر نمی زند نمی تواند روح عصیان گر و اماره به سوء نفس را به انسان نشان دهد فلذا در یادآوری سرکشی های نفس و لزوم کنترل و افسارگیری نفس به انسان کمکی نمی کند. از همین باب است که اگر اسب با خودرو جایگزین شود انسان از کلاس درس عملی ای که برایش در سوارکاری حاصل می شود محروم شده است. البته همان گونه که گفته شد این سخن نیز به معنای نفی خودرو نیست بلکه منظور آن است که باید برای این تمرینات نیز در رشد فناوری جایگاه در نظر گرفته شود و انسان از آنها محروم نشود کما این که بسیاری در باشگاه های سوارکاری به آنها می پردازند.

در برخی آیات الهی یکی از حکمت های سوار شدن بر اسب، چنین ذکر شده است که خداوند چنین آفریده است تا انسان به یاد نعمت الهی تسخیر او بر انعام بیفتد و تسبیح و شکر الهی بر زبان جاری سازد:

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلُكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ (۱۲) لِيَتَسَبَّحُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (زخرف ۱۳)

یا مثلاً در آیه ای دیگر خدای متعال به آیاتی که در چوپانی برای اولی النهی وجود دارد اشاره فرموده است:

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى (طه ۵۴)

این که خدای متعال می فرماید در زمین حیواناتان را بچرانید نه از این باب است که چرانند هدف باشد بلکه بحث تعلیم انسان مطرح است و گر نه خلقت که به انسان نیازی ندارد و نظامش به وجود خودش قائم و پایدار و منظم است کما این که پیش از انسان چنین بوده است. فلذا اگر انسانها کلاسهای خدا در آفرینش را رها نمایند و به بیکاری یا افعال صنعتی غیر آموزنده (مانند پیچ و مهره سفت کردن و نظارت بر نشانگر های دستگاه های صنعتی در کارخانه ها و کلا بسیاری افعال مرسوم به عنوان شغل در کارخانه ها) بکشانند یا با دیگر تکنیکها سعی کنند با اتوماسیون و ربات و امثالهم رزق را بگیرند کسی که ضرر می کند خود انسان است که از تعلیم در کلاسهای درس تذکر و آموزش خلیفه الهی باز مانده است و از افعالی که نفس او را متذکر می کند محروم شده است. البته این محرومیت، تنها ضرر فرهنگی صنایع امروز نیست و متأسفانه بسیاری از صنایع امروزی نه تنها برای انسان رشد آور نیستند بلکه با خود فرهنگ شیطانی و فرهنگ خداسیزی را برای بشر همراه آورده اند.

۲) فناوری در خدمت اهداف الهی نه رقابت فناورانه با خداوند و آفرینش او و یا تخریب آن

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ (حج ۷۳)

نباید فناوری برای برتری جوئی در مقابل مخلوقات الهی و مقابله با آنان طراحی و ساخته شده باشد و کما این که انسان باید در مقابل خداوند خاضع باشد صنع انسانی نیز باید در مقابل صنع الهی خضوع داشته باشد. فناوری نباید مزاحم آفرینش الهی و اهداف این آفرینش باشد.

حق دیگر خدای متعال در صنعت که باید رعایت شود احترام به مخلوقات خدای متعال به عنوان مصانع و مصادر علم و حکمت و قدرت خداست، اگر ببینید که کسی نقاشی استاد نقاش بزرگی مانند استاد فرشچیان را خط خطی کند ناراحت نمی شوید؟ اگر نقاشی خودتان باشد چه قدر ناراحت می شوید؟ آیا نقاشی حکیمانه ای که برای رضای خداوند و منطبق با حکمت و عقل الهی است شایسته ی حیات نیست؟ شما که از آسیب زدن به نقاشی یک نقاش خبره و هنرمند زبردست چون استاد فرشچیان ناراحت می شوید پس چه طور انتظار دارید که هیچ دم بر نیاوریم اگر عده ای نقاشی خدا به عنوان عالم خلقت را که زینتی برای انسان ها خلق شده است خط خطی کنند؟ باید حقوق خالق این جهان محترم شمرده شود و همه به مخلوقات خداوند احترام بگذارند. چطور است که بعضی دم از حقوق بشر و حقوق حیوانات و کودکان می زنند اما برای خالق این جهان هیچ حقی قائل نیستند. شما اگر یک ربات طراحی و سرهم کنید و بسازید، برای خود این حق را قائلید که ربات از شما فرمان برده و کنترل از راه دورش دست شما باشد، پس چطور برای خدایی که شما را آفریده است حق فرماندهی بر خودتان را قائل نیستید با این که خداوند نه تنها شما را سرهم کرده است بلکه فراتر از آن شما را از شیئی غیرمذکور خلق کرده است؟
حضرت امام خامنه ای حفظه الله در این زمینه می فرماید:

در اسلام، جامع ترین دیدگاه و صحیح ترین شیوهی تعامل با طبیعت و محیط زیست بیان گردیده است. خداوند، جهان هستی و همه ی پدیده ها را زیبا، متنقن و موزون آفریده و ما باید رابطه ی خود را با آنها تصحیح کنیم و با تصرفات نادرست خود آنرا ویران و آلوده و جامعه را با بلا و مصیبت مواجه نسازیم. نگاه اسلام به طبیعت و محیط - اعم از جاندار و بیجان - عاطفی، اخلاقی، معنوی و هدایت گرانه است و برخورداری از مواهب طبیعی نیز بر پایه ی اصولی متین، عادلانه، حکیمانه، متوازن و سازنده استوار گردیده است. هدف متعالی اسلام برخوردار ساختن همه ی نسلها از نعمتهای الهی و ایجاد جامعه ای سالم و بدور از فاصله ی طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفائی است و الزامات شرعی برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی با پرهیز از زیاده روی و مقید به عدم اضرار به غیر فراهم آورده است.^{۵۰}

استاد اصغر طاهرزاده در این باره می گوید:

۵۰ پیام امام خامنه ای به مناسبت برگزاری همایش حقوق محیط زیست ایران، بیستم خرداد هشتاد و دو، منبع سایت خامنه ای دات آی آر

یک کوزه را با یک بلوک سیمانی مقایسه کنید، کوزه‌گر کوزه را چگونه ساخته است؟ اول با زبان فطرت خود به خاک رُس گفته است که ای خاک! تو چه چیزها می‌توانی بشوی؟ خاک هم با زبان تکوینی خود به او می‌گوید: من می‌توانم برای تو کوزه بشوم و لذا این خاک با دستان هنرمند کوزه‌گر به صورت کوزه خود را ظاهر کرد، در واقع کوزه‌گر خاک را سرکوب نکرد، بلکه برعکس؛ به انکشاف کشاند، لذا خاک توانست خودش را به صورت کوزه‌ای ظریف نشان دهد و عملاً با این نوع برخورد کوزه‌گر با خاک، رازی از رازهای خاک نمایان شد و آن کوزه یکی از نقطه‌های اُنس شما با طبیعت قرار گرفت. حال به من بگو که آیا تمام این وسایل موزه‌ها که شما با نگاه کردن به آن‌ها، به عالم آرامش منتقل می‌شوید، این‌ها وسایل زندگی مردم بود یا این‌ها را برای موزه‌ها ساخته بودند؟ آیا غیر از این است که این‌ها وسایل زندگی مردم بوده است و مردم با آن‌ها زندگی می‌کرده‌اند؟ ولی مردمی که با طبیعت تعامل کنند از خاک، کوزه می‌سازند، نه بلوک سیمانی. یعنی بشر حکیم، طبیعت را برای زندگی خود، به صورت‌های زیبایی که بتواند با آن زندگی کند و از طریق آن رازگشایی کند در می‌آورد. به همین جهت می‌بینید اکثر مردم قدیم، به یک معنی هنرمندند، چون در تعامل با طبیعت به دنبال رازگشایی از آن بوده‌اند و ما تمام وسایل زندگی بشر قدیم را به عنوان هنر در موزه‌ها می‌گذاریم. از خود بیرسید که چرا این قدر روی این کوزه وقت گذاشته‌اند؟ چرا این قدر روی چوب این تخت وقت صرف کرده‌اند؟ چه چیزی از این تکه چوب انتظار داشته‌اند؟ همه این‌ها به جهت آن است که می‌دانستند این چوب اسراری دارد که می‌شود آن اسرار را به انکشاف آورد، و طوری اسرار آن را ظاهر کرد که بتوان با آن مؤانست داشت. بشر حکیم می‌دانست که زندگی یعنی مؤانستی قدسی با همه پدیده‌های اطراف خود، تا از طریق آن مؤانست و ارتباط با باطن این پدیده‌ها، عقل و قلبش به سوی عالم معنی اوج بگیرد، به همین جهت از وسایل زندگی و خانه خود خسته نمی‌شدند، تا تصمیم بگیرند دائم آن‌ها را تغییر دهند، و به سوی ناکجاآباد و همی همواره همه‌چیز را عوض کنند. امروزه ساختمان خانه‌ها را ملاحظه بفرمایید که چگونه فضاهای ساختمان‌ها با فشاری که بر روح ما می‌آوردن گویا فریاد می‌زند که از ما بیرون بروید، چون آن ساختمان‌ها عامل انکشاف حقایق باطنی طبیعت نیست تا محل سکنی و آرامش باشد، بلکه بیشتر حاصل سرکوب طبیعت است^{۵۱}... حالا در مقابل کوزه، بلوک سیمانی را در نظر بگیرید که حاصل سلطه بشر بر طبیعت است و نه حاصل تعامل بشر با طبیعت. اولین کاری که بشر مدرن با نوع برداشت امثال فرانسویس بیکن از طبیعت، انجام داد این بود که طبیعت را میراند. شما تفاوت خاک را با سیمان در نظر بگیرید. شما وقتی که به خاک نگاه می‌کنید با وقتی که به سیمان نگاه می‌کنید یک حالت ندارید، چون خاک مَحْرَم جان ماست. ما با آن زندگی می‌کنیم، صورت و جلوه تدبیر خدای حکیم است، می‌توانیم با آن به عنوان یک موجود زنده اُنس بگیریم و معاشقه کنیم، در حالی که سیمان صورت مرگ است. بشری که همه طبیعت را مرده می‌داند، نمی‌فهمد طبیعت را کشته است چون از اول آن را مرده می‌دانست. خاک، صورت حیات است. بروید نگاه کنید که چگونه در کلاس‌های درس علوم، بشر را نسبت به فهم حیات طبیعت کور کردند. می‌گویند خاک که مرده است. حالا هر چه هم آن را حرارت می‌دهی، تغییری در حال آن ایجاد نمی‌شود. معتقدند

مرده که مرده تر نمی شود. بعد شما می بینید طبیعتی که خاک آن تبدیل به سیمان شده، دیگر نمی تواند با شما ارتباط برقرار کند و زندگی در خانه های سیمانی، عرصه زندگی همراه با آرامش را بر ما تنگ می کند، بدون آن که علت آن را بدانیم.^{۵۲}

داوود مهدی زادگان در این باره می نویسد:

بشر هرگز قادر نیست قانون طبیعت را نفی نموده و قانونی خود بنیاد یا بشری را جایگزین آن نماید. نهایت توانایی عقل بشر در این جهان آن است که از قوانین طبیعت تبعیت نموده پدیده هایی مشابه تکنیک طبیعی ابداع کند، بنابراین، تکنولوژی طبیعی نسبت به تکنولوژی مدرن یا بشری، اصالت دارد. تکنیک بشری فرع بر تکنیک الهی است. حال می توان این پرسش را طرح کرد که کمال تکنولوژی مدرن به چیست؟ گفته شد که کمال تکنولوژی به آن است که فلسفه ی تکنیک در مقام بهره برداری معطوف به فلسفه ی وجودی تکنیک در مقام ثبوت یا پیدایش باشد؛ یعنی بنیاد مابعدالطبیعی (تکنولوژی پیرو) باید همان بنیاد فلسفی باشد که (تکنولوژی پیشرو) بر آن بنیاد پایه ریزی شده است. حال که تکنیک بشری تابع و پیرو تکنیک طبیعی یا تکنیک الهی است، لاجرم کمال تکنولوژی بشری هنگامی تحقق می یابد که فلسفه ی وجودیش معطوف به بنیاد مابعدالطبیعی تکنولوژی الهی (طبیعت) باشد. پس کمال مصنوعات بشری در انسانی شدن نیست که در الهی شدن است. آن گاه که تکنیک بشری خداگونه شد، به کمال و غایت وجودی خود نزدیک شده است.^{۵۳}

استاد طاهرزاده نیز معتقد است:

وقتی انسان از رابطه تکوین با تشریح در عالم هستی غافل شد و گمان کرد نظام الهی نسبت به هر فکر و عملی بی تفاوت است، بدون رعایت هیچ محدودیتی به هر اقدامی دست می زند و تلاش می کند هر تصویری را که در خیال خود دارد در خارج از خیال صورت عملی بدان ببوشاند، تنها مانع عملی نشدن صورت های و همی خود را نداشتن ابزار مناسب می داند و لذا اگر توانست ابزار مناسب آن را بسازد دیگر بدون هیچ فکری دست به اقدام می زند. با چنین روحیه ای ماشین های غول آسا و اسلحه های مخوف ساخته شد، تا به وسیله ی ماشین های غول آسا هر کار خواستند در تغییر نظام طبیعت انجام دهند و با اسلحه های مخوف هر ملتی را که خواستند نابود کنند. غافل از این که در اوج رسیدن به امیال خود، با سنن الهی روبه رو می شوند^{۵۴}... این که به راحتی هر ماشینی را می سازند و به عواقب زیست محیطی آن فکر نمی کنند و سعی می شود هر روز با اسلحه های مخوف تر ملت ها را مرعوب کنند، به جهت غفلت آنها از حضور سنن الهی در هستی است.^{۵۵}

۵۲ همان ص ۷۳ و ۷۴

۵۳ مهدی زادگان داوود، مقاله ی دین، علم و تکنولوژی، آدرس اینترنتی مقاله :

http://www.bashgah.net/fa/content/print_version/3635

۵۴ طاهرزاده اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص ۱۵۱

۵۵ همان ص ۱۵۳

۳) پرهیز از فناوری برای فرار از عذاب الهی و مقابله با اراده الهی

وَتَمُودَ الَّذِي جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ (الفجر ۹)

وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ (الشعراء ۱۴۹)

وَكَانُوا يُنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ (۸۲) فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ (۸۳) فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (حجر ۸۴)

بعد از هلاکت قوم عاد، قوم ثمود برای فرار از عذاب مشابه الهی به سوی غارنشینی و شهرسازی در دل کوه پرداختند که این فرار از عذاب منتهی است کما اینکه در آیات دیگری هم، فرار از مرگ به عنوان یک فعل جاهلانه یاد شده است (بقره ۲۴۳)

۴) فناوری در خدمت رشد همه جانبه ی انسان نه فقط راحت طلبی جسمی او و فقط در نظر گرفتن غرایز انسان

يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ (بقره ۱۸۵)

مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُنِمْ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (مانده ۶)

مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِن قَبْلُ (حج ۷۸)

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّحُونَ (اعراف ۹۴)

یکی از جنبه های وجود انسان وجود مادی و جسم ظاهری است و یکی دیگر از جنبه های او روح و روان و نفس اوست و این دو باید با هم در تکامل او لحاظ شوند و از آنجا که نفس او باقی و جسمش فانی است رشد و کمال نفس بر جسم مقدم است لذا در دستورات الهی گاهی برخی دستورات همراه با محرومیتهای جسمی است ولی همین دستورات موجب تعالی و رشد روحی اوست لذا فناوری نیز گرچه باید در خدمت یسر و دلپذیری زندگی برای انسان باشد اما نباید از رشد معنوی انسان غافل باشد و به صرف راحتی جسمی روح را از رشد و کمال محروم کند یا آنکه حتی موجب تنزل روحی انسان گردد.

۵) عدم تقدس فناوری و ابزار محوری و توجه به فطرت محوری و رشد محوری و خدا محوری

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا (الكهف ۹۸)

فناوری یکی از عناصر تاثیر گذار در حیات انسانی است و خداوند به برکت تعلیم فناوری کشتی سازی نسل بشری را از طوفان و غرق و عذاب فراگیر نجات بخشید. از طرفی ممکن است این رشد فناورانه ی جدید در قرن بیستم و بیست و یکم هم که به عنایت و افاضه ی الهی حاصل شده است نیز بار دیگر زمینه ساز نجات بشریت از یک هلاکت جهانی گردد. اما باید توجه داشت که این فناوری پیشرفته ی امروزی که می تواند نجات بخش بشریت گردد و موجب انتشار سریع هدایت الهی شود نباید خود یک وجهه تقدس بیابد و خود هدف گردد. (گرچه فناوری رسانه ای امروز همزمان موجب انتشار سریع ضلالت نیز هست اما در جدال حق و باطل در فضای مشترک و ابزار مشترک همواره حق پیروز است و لذاست که اهل باطل پیوسته ابزار و فضا و زمین بازی را عوض می کنند و روز به روز از ویدیو به ماهواره و سپس به

اینترنت و سپس به شبکه های اجتماعی کوچ می کنند ولی تا کجا این کوچ باطل می خواهد ادامه پیدا کند؟ بالاخره که حق وارد این زمین های جدال خواهد شد و باطل را نابود خواهد کرد. **بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ** (الأنبياء : ۱۸)) لذا تکنو کراسی هیچگاه نباید جایگزین تنو کراسی شود.

۶) فناوری امنیت ساز نه امنیت ستیز

وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُخْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ (الأنبياء ۸۰)

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا (بقره ۱۲۶)

امروزه هیچکس نیست که به مطلوبیت امنیت انتقادی داشته باشد و در همه ی حوزه های زندگی بشر امنیت مطلوب شمرده می شود. امنیت نظامی، امنیت غذایی، امنیت اجتماعی، امنیت رسانه ای و ...

اگر کم نمودن تنش ها و خشونت های آهنین در روی زمین برای ما یک ارزش است آنگاه بر مبنای آن سعی می کنیم که با اتخاذ راهبردهای دفاعی بازدارنده تا حد امکان از بوجود آمدن تنش ها و خشونت های آهنین جلوگیری کنیم. حال این راهبردها می تواند در سطح فردی به ابزارهایی مانند زره و جلیقه های غیرقابل نفوذ ضد گلوله ختم شود و در سطح لشکری و کشوری به سامانه های پیشرفته ی ضد موشک و ضدراکت و اژدرهای رهگیری و انهدام موشکهای زیرسطحی منجر شود و در سطح شهری به حصارهای شهری و دروازه های حفاظت شده و انواع سامانه های دفاعی و ضدهجومی پیشرفته منجر شود که همه اثر بازدارندگی مجازی و حقیقی دارند و دارندگان ابزارهای آهنین را از آغاز نبرد و نفوذ، ناامید و در صورت هجوم این ابزارهای و فناوری های دفاعی، اثرگذاری ابزارهای آهنین مهاجمین بر کسانی که مورد هجوم قرار گرفته اند را مانع می شود و در نهایت تنش ها و خشونت های آهنین در روی زمین کاهش می یابد.

۷) فناوری شریعت مدار نه شریعت ستیز (رعایت حقوق و حدود شرعی و اخلاقی)

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ (المائدة ۹۱)

یکی از نکاتی که لازم است در فناوری به آن توجه شود لزوم پابندی به دستورات شرعی الهی است زیرا یقیناً دستورات عملیاتی و دستور العمل کار با یک ابزار که توسط مهندس طراح آن ابزار ارائه می شود و از اشراف و احاطه ی علمی و عملی آن مهندس به آن ابزار سرچشمه گرفته است بر کشفیات سعی و خطایی و تجارب چند کاربر نا آگاه از فرمولها و حقایق کارگذاری شده در آن ابزار ارجحیت دارد. لذا شایسته نیست ما دستورات آفریننده ی دنیا را که به وسیله ی وحی به ما رسیده است و به خیرخواهی او یقین داریم را کنار بگذاریم و به تجارب بشر نا آگاه از غیب عالم و حقایق فرمولهای آفرینش بسنده کنیم و خود را از رشد سریع و دقیق به هدایت آفریننده محروم کنیم. لذا پابندی به دستورات شرعی مثل حذف فناوری های شراب سازی که انسان را از راه کمالش خارج می سازد و از القانات شیطانی است جایز نیست.

در باب صنعت نه تنها این صنعت باید از مجاری حدود شرع مقدس حضرت حق برای بشر تعدی نکند بلکه باید در جای جای این صنع برای اقامه حقوق الهی مانند واجبات و فرائض مجرا در نظر گرفته شود. هیچ صنعتی حق ندارد بشر را از اقامه نماز اول وقت و روزه بازدارد، همه

صنایع باید به گونه ای طراحی شوند که در حین نماز و اوقات روزه به این واجبات الهی احترام بگذارند و به حریم حقوق الهی تجاوز نکنند. اگر خدای ناکرده هواپیمایی در حین برپایی نماز اول وقت از حرکت نایستد نه تنها این نایستادن ظلمش متوجه خلبان است بلکه متوجه طراح این صنعت نیز می شود و باید از طراح پرسید که چرا قطاری طراحی نکردی که در زمان اول وقت نماز برای اقامه حق الهی بایستد و به حق واجب خدای متعال احترام بگذارد و یا باید از طراح پرسید چرا در کاتالوگ و دستورالعمل قطار نوشتی که این قطار باید در زمان نمازهای یومیه متوقف شود و یا چرا به کسی قطار را فروختی که می دانستی قطار را برای نماز اول وقت نگاه نمی دارد. البته بسیاری موارد پیش می آید که این مصانع خود به امر خداوند به اوقات نماز احترام می گذارند مثلاً خاطره ی زیبایی زیر را از شهید آیت الله دستغیب بخوانید :

با شهید بزرگوار آیت ... دستغیب برای انجام عمره همسفر بودیم. هواپیما از تهران به طرف بیروت پرواز کرد تا از آنجا عازم جده شویم. در فرودگاه بیروت چند ساعتی معطل شدیم. اذان مغرب بود که هواپیما آماده پرواز شد. شهید دستغیب خیلی سعی می کرد نماز مغرب و عشا را اول وقت بخواند، اما درهای هواپیما بسته بود و نمی شد کاری کرد. ایشان چند بار خواستند پیاده شوند که مانع شدند. تاخیر هواپیما به حدی انجامید که اگر به جده می رسیدیم، نماز قضا می شد. شهید دستغیب از این که نمی توانست به نمازش برسد، خیلی ناراحت بود. ما نیز تشویش داشتیم، ولی ایشان خیلی نگران فوت وقت نماز بود. موتور هواپیما که روشن بود، یک دفعه با نقص فنی رو به رو شد. خدمه هواپیما ناگهان درب هواپیما را باز کردند تا نقص هواپیما برطرف شود. همه پیاده شدیم. شهید دستغیب از این که به نمازش می رسید ، خیلی خوش حال بود. ما هم خوشحال بودیم. خدمه می گفتند شاید چند ساعت طول بکشد تا هواپیما آماده پرواز شود. نماز را که خواندیم، خبر دادند که هواپیما آماده پرواز است، سوار شوید. من هنوز در حیرت این راز بودم که میان نماز شهید و نقص هواپیما چه سری نهفته است.^{۵۶}

۸) فناوری کرامت مدار نه کرامت ستیز

این ارزش در ادامه به صورت مفصل ارائه خواهد شد

۹) لحاظ اثرات غیبی در فناوری و عدم توجه صرف به ظواهر مادی فناوری

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (الروم ۷)

یکی از نکاتی که لازم است در طراحی و گزینش فناوری مورد توجه قرار گیرد توجه همزمان به ظاهر و باطن حیات دنیوی و حقایق غیبی است که متاسفانه در بسیاری از فناوری های موجود کنونی لحاظ نشده است.

وقتی حضرت استاد آیه الله علامه طباطبائی صاحب تفسیر عظیم المیزان - قدس سره العزیز - که خود در حسن خط خوش نویس بود بلکه ممتاز می نوشت و در ایوان قلم بالانشین بود، و منظومه ای در رسم خط نستعلیق از بدایع افکار خود فرموده است؛ به این خوشه چین خرمن بزرگان، دستوری از آیات قرآنی به عنوان دواء و شفاء، عطا فرموده است که نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (اسراء ۸۳). سپس به این کمترین فرمود: آیات یاد شده را با قلم نی بنویس که من خودم چون این دستور را از فلانی گرفته ام (عالمی عالیجناب را نام برد که اظهار داشت باعث اولی من در تفسیر المیزان و تفسیر قرآن به قرآن، آنجناب شده است: [منظور آیت الله قاضی است]) با قلم آهنی نوشته ام و از آن بهره نبرده ام - هر چند از نوشتن آیات قرآنی برای دوا و شفاء با قلم آهنی قلبا از جار داشتیم لاجرم با آن بزرگوار در میان نهاده ام، جواب دادند که عدم تأثیر از قلم آهنی است که بنای آهن بر جنگ و جدال و خونریزی و ویرانی و از اینگونه امور است و ارسلا الحدید فیه بأس شدید، بعد از آن بانی می نوشتیم و از آن مائده فائده ها عائد می شد. (علامه حسن زاده، هزار و یک نکته، ص: ۵۴۶ و ۵۴۷)

۱۰) فناوری تانی محور نه عجله مدار

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ (الأنبياء ۳۷)

انسان به صورت محصور در قید زمان و زمان مند خلق شده است و لذا ذاتا چون کمال طلب و پیشروست می خواهد از این حصار زمان خود را رها سازد (بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ (قیامت ۵)) عموما این تلاش خود را به صورت عجله نمایان می سازد و حال آنکه گرچه سرعت در خیرات مطلوب است (و يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (آل عمران ۱۱۴)) اما باید بین تسریع در خیرات و فناوری های سرعت بخش در خیرات با فناوری های عجله مدار تفکیک شود تا نه انسان از سرعت در خیرات محروم شود و نه گرفتار عجله شود. باید فناوری به گونه ای طراحی شود که با داشتن بیشترین سرعت ممکن انسان را گرفتار عجله و خروج از خیرات به شرور نکند و آسیبی به جنبه های وجودی انسان نزند. لذا گرچه در عصر حضرت سلیمان نبی باد مسخر وجود ایشان گردید و سرعت شگفت آور پیمودن مسیر یک ماه در یک نصفه روز را ممکن ساخت اما آسیب زا و مخرب نبود. (در فهم این نوع تسخیر باد و ارتباط آن با فناوری های هوایی امروز نیز لطایف بسیاری وجود دارد که مجالش نیست). در روایات آمده است: (الْأَنَاءُ مِنَ اللَّهِ وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ (تحف العقول ص ۴۳)) و (أَلَا إِنَّ التَّبِيْنَ مِنَ اللَّهِ وَالْعَجَلَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ فَتَبَيَّنُوا (الفاثق فی غریب الحدیث ج ۱ ص ۱۲۷)) و (الثَّانِي مِنَ اللَّهِ وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ. (نهج الفصاحه ص ۳۹۵))

۱۱) فناوری متقن و پایدار و با بهره وری و استحکام بالا

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بِئْتًا وَإِنْ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبِثَتْ الْعَنْكَبُوتُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (عنكبوت ۴۱)

آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدْقَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغَ عَلَيْهِ قِطْرًا (۹۶) فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا (۹۷) قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا (كهف ۹۸)

خدای متعال برای پرهیز دادن مشرکین از سستی بنای فکریشان، کار آنان را به خانه گزینی سست و ناپایدار عنکبوت تشبیه می فرماید و در مورد جناب ذوالقرنین، سد او به عنوان یک سد پایدار تا روز موعود ذکر شده است و بنایش از پاره های حدید با روکشی از قطر ذکر شده است که نشان از استحکام فوق العاده ی این فناوری است. متأسفانه در عصر کنونی صاحبان صنایع برای گردش چرخ کارخانه های خود و گرفتن سودهای پیاپی با تولید پیاپی نه تنها در بسیاری از موارد محصولات متقنی نمی سازند بلکه کوتاهی عمر مفید و عمر قابل ضمانت محصولات نیز این روزها بیش از گذشته رایج شده است و به عنوان یک عیب تلقی نمی شود در حالی که اگر فناوری ها متقن و مستحکم ساخته شوند زمان کمتری از بشریت برای رفع نیازهای فناوری محور او صرف می شود و می تواند به جای صرف این زمان در مسیر تولید مجدد و خرید و فروش مجدد محصولات فناورانه به ضروریات دیگر زندگی خود بپردازد. هیچ گاه بشریت اینقدر که امروز برای فناوری وقت صرف می کند و نیازهای فناورانه اش از او وقت می گیرد برای فناوری وقت اختصاص نداده است.

آیت الله جوادی آملی در این باره می فرماید:

اسلام در تمام شؤون حیات، به دو عنصر محوری اهمیت می دهد و همگان، به ویژه دولت مردان را مسؤول تأمین آن دو رکن اساسی می داند: یکی استحکام عمل و دیگری هنرمندی و زیبایی آن؛ یعنی کاری که مطابق اصول علمی نباشد، چون متقن و استوار نیست مقبول نیست و کاری که در عین اتقان و استواری، هنرمندانه و زیبا نیست، مطبوع و مطلوب نخواهد بود. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) دربارهٔ عنصر محوری نخست چنین فرمود: **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا عَمَلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَهُ**^{۵۷}. یعنی آنچه محبوب خداست، کار محکم و عمل متقن است و دربارهٔ عنصر محوری دوم، چنین فرمود: **يُحِبُّ اللَّهُ الْعَامِلَ إِذَا عَمَلَ أَنْ يَحْسَنَ**^{۵۸}. یعنی آنچه محبوب خداست، کار هنرمندانه، ادیبانه و زیباست. خداوند نیز جهان را با دو اصل استحکام و زیبایی آفرید و دوست دارد که جانشین او در زمین، انسان وارسته ای باشد که معماری کارهای او فنی و نیز زیباسازی های عمل او هنرمندانه باشد. رعایت دواصل یاد شده، حافظ تمام اصول معیاری زیست محیطی است؛ زیر استحکام و زیبایی، مایهٔ پالایش فضای زندگی است و فضای پالوده، پایدار خواهد بود؛ همان طور که محیط آلوده، زدودنی و از بین رفتنی است^{۵۹}.

۱۲) آرامش مداری فناوری به جای هیجان محوری آن

در آیات متعددی از قرآن کریم مطلوبیت سکینه و سکونت برای انسان مطرح شده است و اصولاً انسان بر اساس نیازش به سکونت موجودی مسکن طلب است و از بی مسکنی رنج می برد و بخشی از آرامش روانی او با داشتن مسکن تامین می شود. گرچه در شب این آرامش خواهی به اوج می رسد اما این علاقه به آرامش و سکینه تنها در زمان شب وجود ندارد و در همه حال انسان علاقه مند به داشتن آرامش روحی و روانی و حالت طمأنینه و سکینه خاطر است. طراحان فناوری باید این ویژگی انسان را در طراحی محصولات خود لحاظ نمایند و از طراحی

۵۷ نهج الفصاحه، ج ۲ ص ۶۸۳

۵۸ همان ص ۶۹۱

۵۹ جوادی آملی عبدالله، اسلام و محیط زیست ص ۲۵۹

محصولات آرامش ستیز بپرهیزند و تا ضرورت حکم ننموده است به طراحی فناوری که سلب آسایش و آرامش خاطر از خود شخص یا اطرافیان او می کند اقدام ننمایند.

۱۳) فناوری در خدمت سادگی، راحتی و سهل الوصول نمودن امور نه پیچیدگی و تکلف زایی فناوری

قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ (حاقه ۲۳)

وَ دَانِيَةٌ عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَ ذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَدْلِيلًا (انسان ۱۴)

وَ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ (انعام ۹۹)

وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ (انعام ۱۴۱)

در این آیات شریفه به در دسترس بودن میوه ها در بهشت به عنوان یک ارزش و مطلوبیت فطری برای انسان اشاره شده است. همچنین عرش سازی و داربست سازی برای برخی از گیاهان برای دسترسی راحت تر و محصول چینی آسانتر نیز مورد اشاره ی برخی آیات قرار گرفته است. انسان ذاتا علاقه به سادگی و سهولت دارد و از پیچیدگی، تکلف، عسر و حرج بیزار است. لذا فناوری باید بر اساس سادگی برای انسان طراحی شود کما این که شاخصه های خوش دستی (user friendly) و هماهنگی با طراحی جسم انسان (ergonomic) امروزه در طراحی ها به عنوان یکی شاخص مهم مطرح است رعایت می شود.

استاد طاهرزاده در این باره می فرماید:

ابزارها هرچه ساده تر باشد انسان کم تر مشغول آن خواهد شد، و راحت تر به هدف خود دست می یابد. ^{۶۰} ... به ما آموخته اند سادگی، آسودگی آفرین و قدرت بخش ترین صفت است، چون انسان قدرتمند انسانی است که در اسارت نیازهای فراوان نباشد. تولید انبوه و مصرف زیاد، هم خسارات روحی به بار می آورد و هم محیط زیست را تخریب می کند، با توجه به این نکته اگر با نگاهی عالمانه به زندگی غربی بنگریم به جای حسرت از آن زندگی، عبرت نصیب ما می شود تا راهی را که آن ها رفتند نرویم. ^{۶۱}

۱۴) نوآوری هوشمندانه و هدفمند در فناوری

حرکت و رشد فناوری به سمت فناوری پیشرفته تر و مفیدتر نیازمند نوآوری و پیشرفت دادن دائمی آن است. کما اینکه انبیاء الهی در موضوع فناوری به تناسب حکومت خود فناوری جدیدتری را در جامعه راه می انداختند و مثلا در زمان حکومت حضرت سلیمان فناوری های بسیار پیشرفته ای در جامعه ی نبی محور آن روز در حکومت وجود داشت و شیاطینی که به بند کشیده شده بودند برای ایشان تولید محصولات

۶۰ گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص ۵۵

۶۱ همان ص ۶۵ و ۶۶

فناورانه می کردند. این که چرا امروزه شبکه ی شیطانی زرسالان اقتدار طلب (تعبیر از امام خامنه ای در مورد حاکمان شیطانی پشت صحنه ی امروز نظام استکبار) عموم مردم را در کارخانه های خود به بردگی کشیده اند چه بسا انتقام از دوران حکومت حضرت سلیمان باشد که ایشان شیاطین را به بند کشید تا برای مردم موحد و جامعه ی ایمانی آن روز تولید محصولات فناورانه نمایند. می توان این سوال را مطرح نمود که آیا در عصر ظهور مجدد شیاطین جن به بند کشیده خواهند شد و در زندانها به تولید محصولات فناورانه برای مومنین خواهند پرداخت؟

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عُدُوها شَهْرًا وَرَوَّاحُها شَهْرًا وَاسْأَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقَاطِرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَزِغُ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ (۱۲) يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَتَمَاثِيلٍ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورِ (سبا ۱۳)

وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يُغْوِصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ (انبیاء ۸۲)

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (۳۵) فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ (۳۶) وَ الشَّيَاطِينِ كُلِّ بِنَاءٍ وَعَوَاصٍ (۳۷) وَ آخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ (ص ۳۸)

۱۵) سلامت گرایی و پرهیز از بیماری زایی فناوری

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (بقره ۲۰۸)

یکی از شاخه های مهم هماهنگی فناوری با آفرینش این است که فناوری بیماری زا برای هیچ یک از موجودات زنده و آفریده های الهی نباشد.

۱۶) زیبایی گرایی در فناوری

وَتَحْمِيلُ أَثْقَالِكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بِالْعِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرؤُفٌ رَحِيمٌ (۷) وَالْحَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لَتَرَكِبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (نحل ۸)

زیبایی مطلوب ذاتی انسان است و خدای متعال نیز آفرینش را به مانند انسان در زیباترین نوع خود خلق فرموده است. و جا دارد که انسان نیز به عنوان خلیفه ی الهی مصنوعات خود را در احسن وجه از هر نظر از جمله زیبایی طراحی و تولید نماید.

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (سجده ۷)

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (تین ۴)

حضرت حق از چارپایانی که برای حمل بارهای انسان آفریده شده اند به عنوان زینت انسان یاد نموده است و لذا شایسته است فناوری ای که در کنار انسان قرار می گیرد اعم از این که برای حمل بار او باشد یا نباشد زینت بخش انسان باشد.

۱۷) پرهیز از تنوع گرای بی هدف و مصرف گرایی بی حد و حصر ناشی از حرص در فناوری و رعایت اصل نیاز محوری

استاد طاهرزاده می گوید :

روحیه ی انبیاء الهی در رابطه با داشتن زندگی ساده و رعایت قناعت در مصرف، بدان جهت بود که متوجه قوانین طبیعت الهی بودند، و می دانستند اگر انسانی که با اندک تلاش می تواند مایحتاج طبیعی خود را به دست آورد، از مرز نیاز طبیعی پا را فراتر بگذارد، نه تنها مجبور است چندین برابر زندگی طبیعی تلاش کند، بلکه باید برای به دست آوردن مازاد بر نیازش به جنگ طبیعت برود و نیازهای وهمی خود را از حلقوم آن بیرون بکشد و برای این کار مجبور است تکنولوژی های غول آسا طراحی کند، به امید آن که بر طبیعت غلبه کند، غافل از آن که با روبه رو شدن با بحران محیط زیست از زندگی طبیعی اولیه خود نیز محروم می شود.^{۶۲} ... همچنان که فرمودند: «دَعُوا الدُّنْيَا لِأَهْلِهَا فَمَنْ أَخَذَ مِنَ الدُّنْيَا فَوْقَ مَا يَكْفِيهِ أَخَذَ حَتْفَهُ وَ هُوَ لَا يَشْعُرُ» (مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۵۶). دنیا را به اهل دنیا واگذارید، و هرکس از دنیا بیش از مقدار نیازش برداشت کند، ناخودآگاه دست به نابودی خود زده است^{۶۳}.

در جای دیگری دوباره استاد طاهرزاده می گوید :

به تعبیر قرآن روح اهل کفر روح افتخار بر اسراف است «يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا» سوره بلد، آیه ۶؛ می گوید من مال زیادی را از بین می برم. و این نوع مصرف زدگی را شاخصه رشد نشان می دهند تا حیات تکنولوژی فزون خواه ادامه یابد، در حالی که شاخصه حیات دینی «قناعت» است و «سادگی»^{۶۴}... رسول خدا می فرماید: «اگر کسی برای غسل کردن بیش از یک صاع - حدود سه کیلو - آب مصرف کرد خلاف سنت من عمل کرده.» (وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۸۲) از این روایت بر می آید که روح انسان موحد اجازه نمی دهد مصرف زدگی بر زندگی اش حاکم باشد، حال چه تولیدش بیش از مصرفش باشد و چه نباشد. چه در منطقه ای زندگی کند که دارای آب فراوان باشد و چه در منطقه خشک و کویری زندگی کند. مصرف زیاد روح را می میراند و انسان را گرفتار مصرف زدگی می کند، مضافاً این که طبیعت ظرفیت اسراف کاری در هیچ چیزی را ندارد (یک نوزاد متولد ایالت متحده؛ ۲ برابر نوزاد سوئدی، ۳ برابر نوزاد ایتالیایی، ۱۳ برابر نوزاد برزیلی، ۳۵ برابر نوزاد هندی، ۱۴۰ برابر نوزاد بنگلادشی و ۲۸۰ برابر نوزادی که در چاد، رواندا، هائیتی یا نپال متولد می شود، سربار محیط زیست است. (افسانه ی توسعه، اسوالدو دویورو، ص ۹۰).^{۶۵}

۶۲ همان ص ۶۴

۶۳ همان، ص ۶۸

۶۴ همان، ص ۸۷

۶۵ همان ص ۸۸

باید همواره به این نکته توجه داشت که ابزارهای زیاد در خانه انسان مایه ی پیشرفته بودن یک انسان نیست و اصولاً هر ابزاری در خانه انسان باید نشان از نیازی باشد و نه صرفاً برای تزیین خانه و یافخر فروشی به دیگر انسانهای ابزارگرا و تکنیک پرست. متأسفانه امروز بسیار دیده می شود که افراد در خانه ی خود بسیاری اسباب ها و وسایلی دارند که ناشی از نیازهای حقیقی نیستند و صرفاً بر مبنای این که رسانه ها در دوره ای با تبلیغات فربنده به شخص باورانده اند که به فلان ابزار نیاز امروزتوست و تو باید داشته باشی و انسان مسخ شده نیز این ابزار را تهیه کرده و احیاناً چند روزی با آن در خانه خود را مشغول کرده و بعد که دیده است که نه، نیازی به آن ندارد آن را به گوشه ی انبار انداخته است. امروز برای اثاث کشی از خانه ای به خانه ای دیگر عموماً دیگر یک وانت و یا نیشان کفایت نمی کند و حداقل یک کامیون ابزار و اثاث در خانه هر کس یافت می شود. به عنوان مثال در دوره ای در همین مملکت تبلیغات تلویزیونی زیادی برای فروش ابزاری به نام آتروپات صورت گرفت و بسیاری از مردم هم جاهلانه این وسیله را خریداری کردند و چند روزی از آن استفاده هم می کردند اما بعد متوجه شدند که به این وسیله نیازی ندارند. البته قصد حقیر تحقیر این ابتکار و خلاقیت سازنده ی آتروپات نیست بلکه بحث بر سر این است که اگر نیازها محور صنعت نباشند در آن صورت اگر همه مردم هم به کارهای صنعتی روی آورند باز هم برای تولید مخلوقات ذهنی انسان ها کفایت نمی کند هر انسانی ده ها ابزار خیالی به ذهنش می رسد و در ذهن خود نیز برای آنها بلافاصله نیاز می تراشد و چه بسا با گرفتن وامی بسیاری را به تولید این ابزارها بگیرد در حالی که اصولاً این وسیله و ابزار جزو نیازهای صنعتی و ابزاری حقیقی بشر نبوده است. در هر حال باید برای نیازهای صنعتی بشر شاخص ها و اصولی تعیین شود و یقیناً این نیازها هیچ گاه به حدی گسترده نخواهند بود که همه ملت به بخش صنعت روی آورند.

استاد طاهر زاده می گوید:

انسان وقتی هدف خود را شناخت از وسایل در آن حدی که او را به اهدافش نزدیک کند به خوبی استفاده می کند، و دیگر موضوع بهترین یا بدترین وسیله مطرح نیست، بلکه وسیله خوب برای انسان آن وسیله ای است که او را در رسیدن به هدف یاری کند. در این جاست که اگر وسیله ای او را مشغول خودش کرد تصمیم می گیرد از آن وسیله فاصله بگیرد، دیگر به خود وسیله فکر نمی کند به هدف فکر می کند، در این صورت اگر به ما بگویند درست است که شما برای ساختن خانه با همین نوع آجر و کاشی می توانی خانه خود را بسازی، ولی آجر و کاشی بهتری هم هست، شما می رسید بهتر برای چه؟ اگر من می توانم با این آجر و کاشی به مقصد خود برسم دیگر بهتر به چه معنی است؟ آری اگر مقصد من و شما داشتن بهترین کاشی و آجر است، باید دائماً به دنبال بهترین باشیم. ولی اگر مقصد ما ساختن خانه مناسبی است که بتوانیم در آن زندگی کنیم، دیگر بهترین معنی ندارد، بهترین همان است که من بتوانم از آن به مقصد خودم که چیزی بالاتر از داشتن بهترین ابزار است، برسم. اما و صد اما اگر خدا گم شد، بهتر داشتن دنیا مقصد انسان می شود، اعم از بهتر داشتن خانه یا ماشین، چون خود بهتر داشتن مقصد است، اما نه خدایی که بهترین مقصد است. خاستگاه فکری و فرهنگی تکنولوژی موجود ریشه در بهتر داشتن ابزارها دارد و گرنه بسیاری از وسایل موجود زائد است و انسان ها را تنبل و زندگی ها را پیچیده کرده است. کمپانی های بزرگ تولید کننده وسایل زندگی متوجه چنین نقطه ضعفی در بشر بریده از خدا شده اند و لذا با انواع تغییرات و هم پسند به راحتی کالاهای خود را بر روح و روان مردم تحمیل می کنند و با ایجاد نیازهای کاذب زندگی بشر را تحت سیطره انواع

تکنولوژی‌ها قرار داده‌اند. راستی اگر مشکل شما با این ظرف مرتفع می‌شود، به من و شما چه مربوط است که مُد جدیدی از این نوع ظرف در بازار آمده است.^{۶۶}

۱۸) رام بودن و مسخر بودن فناوری در مقابل انسان و پرهیز از فناوری های سرکش و طغیانگر در مقابل او

اصغر طاهرزاده در این باره می‌گوید:

تکنیک و ابزار ملت‌ها در گذشته با روح و جسم انسان‌ها هماهنگ بود، بیلی که با آن زمین را می‌کند ادامه دست او و در کنترل او بود، و به تعبیری تکنیک قدیم دست‌افزار انسان بود اما تکنیک جدید از حالت دست‌افزاری خارج شده بلکه بر انسان حکومت می‌کند، به همین جهت ویران‌گری در آن غلبه دارد، بیل و چکش لایه‌ی اُزن را از بین نمی‌برد چون تحت کنترل انسان است، ولی دود ناشی از تکنیک جدید تحت کنترل انسان نیست. تکنیک دنیای مدرن از انسان بریده است، ساختاری مستقل از انسان دارد و چون نامقدس است بی‌برکت می‌باشد.^{۶۷}

۱۹) تحمیل نکردن فناوری یا فرهنگ همراه آن بر افراد و جوامع

فناوری به معنی محصول فناورانه هیچ‌گاه ذاتاً تحمیل‌گر و سرکش نیست بلکه گاهی فناوری به گونه‌ای طراحی می‌شود که از آن برای تحمیل فرهنگ استفاده می‌شود. علاوه بر تحمیل فرهنگ توسط فناوری، گاهی نیز استفاده از یک فناوری بر جامعه تحمیل می‌شود که این مطلوب نیست و باید اشخاص و جوامع در استفاده از فناوری آزاد باشند و از فناوری برای تحمیل فرهنگ‌های غیر هماهنگ با فطرت و آفرینش انسان پرهیز شود.

۲۰) فناوری هماهنگ با آفرینش و پرهیز از بطش جبارانه در طبیعت با فناوری

گرچه خداوند بخش عظیمی از عالم دنیا را به طرق مختلف مسخر انسان نموده است اما این نباید موجب طغیان‌گری و دست‌درازی به آفرینش و تصرف نابجا و بی‌احترامی به آفرینش گردد. اگر حیوانی برای رضای خدا و به دستور قربانی می‌شود این قربانی کردن نباید ظالمانه و متعدیانه باشد. در قرآن کریم آیه‌ای آمده است که در آن گوشت حیواناتی که در اثر ضرب و شتم و یا خفگی کشته شده‌اند حرام اعلام شده است.

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةَ وَالِدَّمَ وَ لَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهْلَ لَعْنِ اللَّهِ بِهِ وَ الْمُنْحَنِفَةُ وَ الْمَوْقُودَةُ وَ الْمُرْدِيَةُ وَ النَّطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَ مَا دُبِحَ عَلَى النَّصْبِ وَ أَنْ تَسْتَفْسِمُوا بِالْأَرْزَامِ ذَلِكُمْ فَسُقُ الْيَوْمَ بَيْسَ الْدِّينِ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (ماندهٔ ۳)

۶۶ طاهرزاده اصغر، فرهنگ مدرنیته و توهم، ص ۳۲

۶۷ طاهرزاده اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی ص ۱۰۷ و ۱۰۸

این آیه خود به خود به ما می فهماند که شما باید بدانید که حیوانی که می خورید چگونه کشته شده است و اگر ندانید طبعاً حکمش غیر از گوشت حلال است.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد:

کلمه (منخفه) به معنای حیوانی است که خفه شده باشد، چه خفگی اتفاقی باشد و یا عمدی باشد و عمدی به هر نحو و هر آلتی که باشد، خواه کسی عمداً و با دست خود او را خفه کرده باشد، و یا اینکه این خفه کردن عمدی با وسیله ای چون طناب باشد، و چه اینکه گردن حیوان را بین دو چوب قرار دهند تا خود بخود خفه شود، همچنانکه در جاهلیت به این طریق و به امثال آن حیوان را بی جان می کردند. و (موقوذه) حیوانی است که در اثر ضربت بمیرد آنقدر او را بزنند تا مردار شود.^{۶۸}

در هر حال واضح است که این آیه به حقوق حیوانات و رفتار کریمانه و شایسته خلیفه الله با آنان اشاره دارد.

هیچ صنعتی حق ندارد به مخلوقات خدای متعال ظلم و جور روا بدارد، زیرا همه مخلوقات خداوند از سر حکمت و عقلانیت خلق شده اند. صنعتی که نسل حیوانات را منقرض کند و یا با آنان رفتار نامحترمانه و وحشیانه داشته باشد یک صنعت ظالمانه است.

البته دشمن حقیقی خلقت خدای متعال، شیطان یعنی همان دشمن انسان و خلافت اوست که به خداوند چنین عرض کرده است:

وَأُضِلُّهُمْ وَآمَنِيَّهُمْ وَآمَرْتَهُمْ فَلَيَّبْتَنَّهُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَآمَرْتَهُمْ فَلَيَّعِينَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا (نساء ۱۱۹)

شیطان نه تنها اعتقادی به کریم تر بدن انسان نسبت به خود و لزوم سجده بر انسان نداشت بلکه حتی داعیه ی سواری گرفتن از انسان داشت و خود را موجودی با قابلیت تسلط بر انسان می دانست.

قال أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْت عَلَىٰ لَيْنِ أَخْرَتِنِ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَبِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلاً (إسراء ۶۲)

۲۱) فناوری در خدمت عمارت و سازندگی و پرهیز از هلاکت حرث و نسل با فناوری

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحاً قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (هود ۶۱)

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ (بقره ۲۰۵)

آیت الله مکارم شیرازی در کتاب پیام قرآن از منتهی الآمال درباره سیره پیامبر چنین نقل می کند:

درختان را از بیخ نزدیک مگر اینکه ناچار باشید، نخل‌ها را نسوزانید و با آب غرق نکنید، درختان میوه را ریشه کن نسازید، زراعت را آتش نزدیک که خود بدان محتاج خواهید بود و حیوانات حلال گوشت را نابود نسازید مگر به اندازه‌ای که برای تعدیه لازم دارید. هرگز آب دشمن را با زهر آلوده نسازید.^{۶۹}

در جای دیگری از همین مقاله ایشان از آیه ی زیر چنین نتیجه می گیرند:

در آیه ی ۱۹۰ سوره ی بقره می خوانیم: *وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ*: در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند نبرد کنید و از حد تجاوز ننمایید که خدا تجاوزکاران را دوست نمی دارد. در این آیه در واقع به سه نکته اشاره شده: نخست این که جنگ باید برای خدا و در راه خدا باشد نه به خاطر جاه طلبی و انتقام جویی. دیگر اینکه جنگ در برابر متجاوز باشد، یعنی تا جنگ بر شما تحمیل نشود دست به اسلحه نبرید. سوم در میدان جنگ از حد تجاوز نکنید و اصول اخلاقی را رعایت کنید بنابراین اگر دشمن اسلحه را بر زمین بگذارد و تسلیم شود نباید به او حمله کرد، و همچنین نسبت به کسانی که قدرت بر جنگ را ندارند مانند پیر مردان، کودکان و زنان نباید مزاحمت شود، نابود کردن باغ‌ها و مزارع و تخریب اماکن قابل استفاده، و توسل به سلاح‌های کشتار جمعی، همه از مصادیق تعدی بر بیگناهان و انتخاب روش‌های غیر انسانی است و از نظر اسلام ممنوع است.^{۷۰}

۲۲) پرهیز از خلود طلبی فناورانه

وَ تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ (شعراء ۱۲۹)

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد:

کلمه ((مصانع)) - به طوری که گفته اند - به معنای قلعه های محکم و قصرهای استوار و ساختمانهای عالی است، که مفرد آن مصنع می باشد. و اینکه فرمود: ((لعلکم تخلدون)) در مقام تعلیل مطلب قبل است، یعنی شما این قصرها را بدین جهت می سازید که امید دارید جاودانه زنده بمانید. و الا اگر چنین امیدی نمی داشتید هرگز دست به چنین کارهایی نمی زدید، چون این کارهایی که می کنید و این بناهایی که می سازید طبعاً سالهایی دراز باقی می ماند، در حالی که عمر طولانیترین افراد بشر از عمر آنها کوتاهتر است.^{۷۱}

لعل عموماً از باب رجا استفاده می شود و این که خدای متعال در این آیه شریفه از واژه ی لعل استفاده فرموده است به این جهت است که ساخت این قلعه ها و مصانع امید به جاودانگی را در سازندگانشان تقویت می کرده است، حال چه امید به جاودان ماندن خود و زندگی

۶۹ نگاه کنید به مقاله جهاد و دفاع در قرآن، آیت الله مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۱۰، ص ۳۵۱

۷۰ همان

۷۱ المیزان ج ۱۵ ص ۴۲۲

طولانی تر خود در این قلعه ها و چه امید باقی ماندن نام شان به عنوان سازندگان این قلعه ها که آن هم سطحی از جاودانگی است. امروزه نه تنها در باب بناسازی، بسیاری امید جاودان ماندن اسمشان را دارند بلکه از ثبت اختراعات و رکوردهای گینس و اسم گذاری بر فرمولها و قوانین الهی و نسبت دادن علمی که خدا به آنها آموخته به خود در کتابهایشان نیز چنین انتظار و امیدی دارند .

جاودانه نشان دادن خود در قالب مصنوعات سنت رذیله ای است که از بسیاری شاهان و فرعون های زمانه یادگار مانده است و بسیاری از آثار تاریخی و کوه نگاره هایی که در زمین به جا مانده است برای امید شاهان به خلود نامشان ساخته شده است غافل از این که خدای متعال آن نام ها را از بین برد و آثار را برای عبرت باقی گذاشت و بسیاری آثار تاریخی دقیقا مشخص نیست به وسیله چه کسی فرمان ساخته شدنش داده شده است و اگر هم مشخص باشد بشر این عصر بیشتر از باب طراحی و مهندسی و جامعه شناسی و فرهنگ آن دوره به اثر نگاه می کند تا از دید عظمت امیری که فرمان ساخته آن را صادر کرده است اما متأسفانه جهل شیطانی این وهم را بر شاهان پیشین باورانده بوده است.

نگاه صنعتگر امروز به طراحی اش باید مانند نگاهش به یک نعمت الهی که به الهام الهی ساخته شده است باشد و فاعل را خدا ببیند تا دچار رجای خلود از صنعش نشود. همچنین انسان طراح فناوری ضمن اتقان و استحکام در فناوری باید به فانی بودن مصنوعات خود معترف باشد کما این که این ادب را می توان از بیان جناب ذوالقرنین در آیاتی که ذکر شد آموخت.

۲۳) شکرگزاری به خاطر فناوری

وَعَلَّمَنَّهُ صِنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِيُخْصِنَكُمْ مِّنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ (انبیاء ۸۰)

علامه طباطبای ذیل آیه چنین می نویسد:

ضمیر در ((علمناه)) به داوود بر می گردد، همچنانکه در جای دیگر درباره آن جناب فرموده: ((والنا له الحديد - آهن را برایش نرم کردیم)) و معنای آیه این است که: ما صنعت زره سازی را به داوود تعلیم دادیم تا برای شما زره بسازد و شما با آن وسیله از شدت فرود آمدن اسلحه بر بدن خود جلوگیری کنید. جمله ((فهل انتم شاکرون)) تقریر و تحریک بر شکر است. ۷۲

واضح است که خدای متعال در این آیه بر دونگته به وضوح تاکید دارد: اول این که این صنعت را ما به حضرت داوود علی نبینا و آله و علیه السلام تعلیم دادیم و نه کس دیگر و دیگری آن که شما باید برای صنایع تعلیمی شکرگذار خدای متعال باشید زیرا این صنایع به نفع شماست و مثلا در این مورد خاص زره شما را از ضربه شمشیر هموعانتان تا حدودی در امان نگه می دارد.

خدای متعال در آیه دیگری درباره رشد و تکامل صنایع در زمان حضرت سلیمان علی نبینا و آله و علیه السلام که آغازش در زمان پدر حضرت سلیمان (حضرت داوود) صورت گرفته بود. آل داوود را به شکرگزاری برای نعمت صنایع پیشرفته تشویق می کند.

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبَ وَ تَمَاثِيلَ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلًا مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ (سبأ ۱۳)

۲۴) هدفمندی در فناوری و پرهیز از عبث گرایی

انجام عمل عبث و بی منفعت در طریق تعالی انسانی به سخره گرفتن آفرینش الهی است. هر کاری که با معرفت و با غایت عقلانی و غیر مادی انجام نشود در تعالی انسان اثری ندارد و از نظر اسلام مطلوب نیست البته نباید این نکته اشتباه شود که اسلام تنها عبادت غیر مادی را کار می داند بلکه اسلام می خواهد با معرفت و آگاهی به همه افعال مومن رنگ الهی و عبادی بزند.

أَتُبْنُونَ بِكُلِّ رِيْعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ (شعراء ۱۲۸)

علامه طباطبایی در باره تفسیر این آیه می نویسد:

کلمه ((ریع)) به معنای نقطه بلندی است از زمین ، و کلمه ((آیت)) به معنای علامت و نشانه است و کلمه ((عبث)) به معنای آن کاری است که هیچ نتیجه و غایتی بر آن مترتب نمی شود. گویا قوم هود (علیه السلام) در بالای کوهها و نقاط بلند، ساختمانهایی می ساختند، آن هم به بلندی کوه ، تا برای گردش و تفریح بدانجا روند، بدون اینکه غرض دیگری در کار داشته باشند، بلکه صرفاً به منظور فخر نمودن به دیگران و پیروی هوی و هوس ، که در این آیه ایشان را بر این کارشان توبیخ می

کند. ۳۳

۲۵) پرهیز از فناوری های تصرف و تغییر در آفرینش الهی

وَ إِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ (۱۳۰ شعراء)

استاد طاهر زاده می نویسد:

یک مسلمان صاحب بصیرت، همه چیز را جلوه‌ای از حقایق آسمانی می بیند و آن‌ها را نماد مستقیم جهان معنوی می شناسد و بیشتر دوست دارد با اشیایی به سر برد که نماد آن جهان هستند، و نه اشیایی که مصنوعی و ساخت امیال بشر بریده از آسمان است، حتی روی زمین به ملایمت گام برمی دارد تا در عین انس با طبیعت، مزاحم محیط پیرامون خویش نگردد. قرآن در وصف بندگان واقعی خداوند می فرماید: (وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا...) یعنی؛ بندگان خدای رحمان چون بر زمین قدم می زنند آرام و متواضعانه قدم می زنند^{۳۴}.

۲۶) قائل شدن محدودیت در ارائه فناوری و عدم بی ضابطگی در ارائه فناوری به اشخاص و جوامع

^{۳۳} المیزان

^{۳۴} طاهرزاده اصغر، فرهنگ مدرنیته و توهم ص ۸۶

آیت الله جوادی آملی در کتاب اسلام و محیط زیست چنین می نویسد :

این یک دستور اسلامی انسانی است که اجازه نمی دهد کسی از فرصت تلخ سوزندگی و گدازندگی زمان جنگ، سو استفاده کند یا زمینه تخریب و آدم کشی را با فروش اسلحه های تهاجمی فراهم سازد یا با تبعیض و جانبداری از نژاد خاص یا صنف مخصوص یا حزب معین یا دسته ی مشخص و مانند آن، سبب برتری و افزون خواهی گروهی را بر گروه دیگر تامین نماید و در نتیجه استکبار را تقویت کند، بلکه یک انسان آزاده و رهای از بند آرز و دام حرص و زنجیر زراندوزی و تله طمع ورزی موظف است به منظور پاسداری از خون انسانهای هم نوع و جلوگیری از تخریب و تهاجم و ویرانی به هر دو گروه درگیر و رزمجو بفروشد، نه به یک گروه و آن هم سلاح دفاعی، نه تخریبی، لذا حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: ((بعهما ما یکنهما؛ الدرع و الخفین و نحو هذا)) یعنی به هر دو گروه آنچه حافظ و نگهدارنده آنهاست و کانون پاسداری و صیانت از خونریزی است مانند زره و ... بفروش.^{۷۵}

در جای جای احکام فقهی اشاره شده است که مومن باید بداند طرف معامله او کیست و شناخت طرف مقابل مسئولیت زاست و معامله با برخی افراد حرام و یا فروش برخی فناوری ها به برخی حرام است. در حال حاضر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در فروش سلاح و ارائه فناوری آن بین جوامع مخاطب تفکیک قائل است و به ظالمین سلاح نمی فروشد.

۲۷) پرهیز از فناوری های ضلالت آور

وَ اتَّخَذَ قَوْمٌ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ خَلْقِهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ أَلْمَ يَرَوْنَ أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَ كَانُوا ظَالِمِينَ (اعراف ۱۴۸)
فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ (طه ۸۸).

قَالَ فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَى إِلِهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا (طه ۹۷)

در این آیات شریفه مبارزه ی نبی الهی حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام با یک فناوری ضلالت آور و سوزاندن آن ذکر شده است.

۲۸) تفکیک بین وحی الهی و شیطانی در فناوری

خدای متعال در قرآن کریم عبارت وحی را نه تنها برای رابطه خود با انبیاء الهی به کار می گیرد بلکه برای ارتباط شیاطین با هم نشینان انسی آنان هم تعبیر وحی را به کار می گیرد و در معنای کلی گاهاهام ذهنی را هم به وحی تعبیر می کند (در داستان مادر حضرت موسی). حتی وحی به حیوانات نیز در موضوع زنبور عسل در قرآن کریم آمده است. البته این سخن به این معنا نیست که وحی تشریحی بر هر کسی

نازل می شود بلکه منظور این است که الهامات شیطانی نیز همانند وحی الهی در ذهن انسان ها قابل تولید است و باید بشر غیر معصوم همواره الهامات خود را با معیار وحی تشریحی و عقل بسنجد تا بتواند سره را از ناسره و الهام الهی و ملائکه ای را از وحی شیطانی تشخیص دهد.

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَكَايُودُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيَجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ (الأنعام ۱۲۱)
وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا (هود ۳۷)

جالب اینجاست که خدای متعال در باب طراحی و ساخت کشتی برای حضرت نوح (علی نبینا و آله و علیه السلام) با ذکر واژه ی باعیننا در کنار بوحینا به یک رابطه ی دو طرفه و حیانی - بازخوردی اشاره می کند و به نوح پیامبر نوید می دهد که در مرحله طراحی و ساخت کشتی وحی و هدایت و رفع اشکال خدای متعال با او خواهد بود.

خدای متعال در قرآن کریم همه شئون مرتبط با صناعات اسلامی را از ناحیه خود ذکر می کند اعم از ساخت و وحی دستورالعمل ساخت و حرکت و سکونت. از طرفی در مورد گوساله ی طلایی سامری که یک صنعت شیطانی است خداوند از ساخت آن به مایخرج سامری تعبیر می کند و با تعبیری چون ضلالت و سول نفس از جاهلانه و ظالمانه بودن آن می گوید و در نهایت به موسی امر می کند که گوساله را بسوزانند و خاکسترش را هم باد بدهند تا اثری از آن نماند.

صنعتگر مسلمان باید دارای توحید افعالی باشد و خداوند را صانع کل مصنوع بداند و برای خود شایستی در خالقیت و صانعیت قائل نباشد و همه را از جانب خدای متعال انجام دهد و به دستورالعمل خدای متعال در ساخت عمل کند. و بداند صنایع شیطانی که به الهام شیطان ساخته می شوند عاقبتی بهتر از گوساله ی طلایی سامری ندارند.

تعریف کرامت

صاحب واژه نامه قرآنی التحقیق می نویسد:

و التحقیق أنّ الأصل الواحد فی المادّة: هو ما یقابل الهوان، كما أنّ العزّة ما یقابل الذلّة، و الکبر ما یقابله الصغر. و الذلّة هو هوان بإذلال من هو أعلى منه، بخلاف الهوان، فیعتبر فی العزّة مفهوم الاستعلاء و التفوّق، بخلاف الإکرام. فالکرامّة عزّة و تفوّق فی نفس الشیء و لا یلاحظ فیہ استعلاء بالنسبة الی الغیر الذی هو دونه. و أمّا مفاهیم - الجود، و الإعطاء، و السخاء، و الصفح، و العظم، و النزّه، و کون الشیء مرضیّاً محموداً، و کونه حسناً أو مصنوعاً أو غیر لثیم: فمن آثار الکرامّة و من لوازمه... و یدلّ علی الأصل قوله تعالی: . وَ مَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ - ۱۸ / ۲۲ فجعل الإهانة فی قبال الإکرام، بحیث لا یجتمعان فی مورد. (علامه حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۰، ص ۴۶ و ۴۷)

آیت الله جوادی آملی پس از نقل معنای ارائه شده توسط راغب اصفهانی در کتاب مفردات به نقل معنای صاحب التحقیق پرداخته و همین معنا را می پذیرند (علامه عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مقربان ج ۱ ص ۲۰۲) و در تکمیل آن می نویسند:

استاد گرامی مرحوم علامه طباطبایی رضوان الله تعالى عليه کراراً در جلسه درس می‌فرمود: «کرامت» معادل دقیق فارسی ندارد و برای بیان آن از چند لفظ باید استفاده کرد. آن گاه می‌فرمودند: اگر انسان به مقامی برسد که در برابر خدا عبودیت محض پیدا کند و حاضر نباشد در مقابل غیر خدا سر بر زمین بساید می‌توان گفت: به مقام «کرامت» رسیده است. کلام ایشان را این‌گونه می‌توان تبیین کرد: انسان هر چه به عبودیت محض نزدیک‌تر شود، به همان مقدار از هوان و حقارت رهایی پیدا می‌کند و به کرامت می‌رسد. اگر به حدّ نهایی عبودیت خدا رسید، کاملاً از هوان و حقارت می‌رهد و این، همان کرامت مطلق است و اگر بهره‌ای از عبودیت خدا نداشته باشد، حقیر مطلق است و حظّی از کرامت نمی‌برد. (همان، ص ۲۰۳ و ۲۰۴)

علامه طباطبایی در تفسیر گرانقدر المیزان در باره کرامت الهی چنین می‌نویسد:

الكرامة الإلهية ليست بذاك المبتذل السهل التناول حتى ينالها كل من انتسب إليه انتساباً أو يحسبها كل محتال أو مختال كرامة جنسية أو قومية بل يشترط في نيلها الوفاء بعهد الله و ميثاقه و التقوى في الدين فإذا تمت الشرائط حصلت الكرامة و هي المحبة و الولاية الإلهية التي لا تعدو عبادة المتقين، و أثرها النصرة الإلهية، و الحيوية السعيدة التي تعمر الدنيا و تصلح بال أهلها، و ترفع درجات الآخرة. فهذه هي الكرامة الإلهية لا أن يحمل قوماً على أكتاف عباده من صالح و طالح و يطلقهم و يخلي بينهم و بين ما يشاءون و ما يعملون فيقولوا يوماً: لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّينَ سَبِيلٌ، و يوماً نحن أولياء الله من دون الناس، و يوماً: نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ فيهدبهم ذلك إلى إفساد الأرض، و إهلاك الحرث و النسل. (الميزان في تفسير القرآن، ج ۳، ص: ۲۶۴)

ایشان در تفسیر آیه ای دیگر می‌نویسند:

الكرامة التي هي الفضيلة الحقيقية في الإسلام و هي القربى و الزلفى من الله. (الميزان في تفسير القرآن، ج ۴، ص: ۲۱۷)

در مجموع به نظر می‌رسد کرامت حقیقی به معنای ارزشمندی و ارجمندی حقیقی است و در مقابل پستی و کم ارزشی واقعی است و این کرامت با قرب الهی و مورد عنایت و محبت حضرتش قرار گرفتن حاصل می‌شود.

کرامت در فناوری از دیدگاه قرآن کریم

همان‌گونه که پیشتر مطرح گردید یکی از ارزشهای مطرح در نظام ارزشی قرآن محور برای فناوری اسلامی ارتقاء بخشی کرامت انسانی در فناوری است. پس از تعریف کرامت در ادامه به شاخص‌های فناورانه ی کرامت انسانی در قرآن کریم پرداخته می‌شود.

شاخص اول: حمل انسان توسط حیوانات و محصولات فناورانه

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً (إسراء ۷۰)

در این آیه ی شریفه محمول بودن انسان در زمین و دریا نشان از تکریم الهی او شمرده شده است. شاهان و فرمانروایان نیز معمولاً برای کرامت نمایی دروغین عده ای خدم و حشم را برای حمل خود به کار می‌گیرند و عرشی می‌سازند و بر آن می‌نشینند تا حمل شوند.

شاخص دوم: استعلاء انسان بر فناوری و ذلول بودن فناوری در مقابل انسان

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ (مؤمنون ۲۲)

استعلاء، علو و تفضیل انسان بر مخلوقات الهی اعم از زنده مانند چارپایان سواری دهنده و غیر زنده مانند کشتی نمادی از کرامت انسان است. خدای تعالی برای تکریم انسان زمین به آن عظمت را ذلول او قرار داده است و انسان خواسته است تا بر بلندی های زمین گام بردارد تا کرامت او نمایان شود:

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ (ملک ۱۵)

یکی دیگر از مصادیق کرامت انسان سیر آسمانی او و بالاتر رفتن او از کوه ها در حرکت بر روی زمین است:

وَلِسْتِمَانَ الرِّيحِ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ (سبا ۱۲)

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (إسراء ۷۰)

شاید دیده باشید که عموماً جوانان بیش از خودروهای اتاق بسته میل به خودروهای روباز و موتور سیکلت دارند. به نظر حقیر علت آن است که این مصنوعات بیشتر با کرامت انسان که فطرتاً در وجود همه جوانان وجود دارد و هنوز گرد ذلت تکنولوژیک فرهنگ مدرن بر آن ننشسته است سازگار است. در باب کشتی هم عموماً بشر بر کشتی سوار است و روی عرشه قرار می گیرد تا در عبارت کرنا مصداق بیشتری یابد و گرنه زبرداری هم وسیله نقلیه است ولی بشر فطرتاً میلی به آن برای حمل و نقل ندارد مگر برای مشاهده ی اسرار و زیبایی های دریاها. اما این که در آخر آیه خدای متعال فرموده است که یخلق ما لا تعلمون منظور چیست جای تامل دارد. آیا مقصود هواپیماهایی است که در آخرالزمان ساخته می شوند که هم کرامت انسان را حفظ می کنند و هم از آلوده کردن و ظلم بر خلاف هواپیماهای امروزه به دورند یا مقصود حیواناتی مانند فیل و دلفین است که ظرفیت رکوب انسان را دارند؟

حال اگر انسان به جای سوار شدن بر عرش خویش که مایه جمال او و زینتی برای اوست و روی آن دارای ابهت و کرامت و منزلت خلیفه الهی است، سوار خودروهای اتاق دار شود که جمال و زینتی برای خلیفه خدا ندارد بلکه مایه ذلت و خواری او در مقابل خلقت است، براستی چه کسی ضرر می نماید؟ آیا جز این است که کرامت و جمال خلیفه الهی انسان از او گرفته شده است و بر عرش که خدا به او به عنوان نعمت و فخر عرضه کرده است پشت نموده و خوار و ذلیل شده است.

در قرآن کریم یک سلسله اصول کلی درباره ی سبک زندگی انسان و تعاملات و مناسک او آمده است که این رفتارها تنها برای زمان عبادت و مساجد نیست بلکه این امور باید در همه ی حالات و شرایط زندگی او از جمله در زمان های تعامل با صنایع و استفاده از ابزارهای صنعتی و ساخت و طراحی آنها نیز رعایت گردد. از جمله خدای متعال تکریم انسان را به خود نسبت می دهد و از لوازم تعامل انسان ها با هم رعایت اصل تکریم را مطرح می فرماید. در باب تکریم یکی از ظهورهای تکریم الهی در قرآن کریم حمل انسان در دریا و خشکی ذکر شده است و آمده است که **لقد کرنا بنی آدم و حملناه فی البر و البحر**. از این آیه ی شریفه استنباط می شود که حمل انسان از مصادیق تکریم اوست و انسان از آنجا که موجود مکرم الهی است شایسته ی حمل شدن در دریا و خشکی است. لذا کرامت انسان اقتضاء

دارد که او محمول باشد. این علاقه ی فطری ای که انسان ها نسبت به سوار شدن بر وسایط حمل و نقل دارند از همین فطرت مکرم بودن بر خواسته است. اما آیا تنها محمول بودن برای تکریم انسان کافی است؟ پاسخ آن است که خیر. در واقع این محمول بودن شرایطی دارد که در آن شرایط هم باید تکریم انسان رعایت شود. خدای تبارک و تعالی درباره ی چگونگی حمل می فرماید: **و علیها و علی الفلک تحملون** یا **حملناهم فی الفلک المشحون** در جای دیگری می فرماید **لتستووا علی ظهوره**.. از این دو آیه ی شریفه بر می آید که کیفیت حمل باید به گونه ای باشد که انسان سوار بر موجود حمل قرار داشته باشد و مثلاً اگر حمل کشتی است بر عرشه ی آن قرار گیرد و اگر اسب است بر پشت او قرار گیرد. در گذشته برخی اقوام اسرای خود را در قفس هایی قرار داده و حمل می کردند که با کرامت حمل شونده سازگار نبود، یا مثلاً چوب بلندی را بر دوش می گرفتند و دست و پای اسیر را به آن طناب پیچ می کردند. این نوع از حمل یقیناً کریمانه نیست و بیشتر مصداق حمل ذلیلانه است. این قضیه قابل تعمیم به فناوری های امروزی نیز هست یعنی مثلاً می توان تشکیک کرد که آیا با حمل کریمانه سازگار است که انسان ها در متروهای زیر زمینی حمل شوند؟

آیا مونوریل و قطارهای هوایی که امروزه در حال کنار زدن متروها هستند با تکریم انسان سازگارتر نیستند؟ شاید از باب همین نیاز به تکریم است که جوانان که فطرت شاداب تری دارند علاقه ی بیشتری به موتور و خودروهای اسپورت (سقف باز، بدون سقف، روباز) دارند که در آنها انسان بالاتر از موجود حمل کننده قرار می گیرد.

البته گفته می شود که کاربرد اصلی مترو نه به عنوان یک وسیله ی حمل و نقل بلکه به عنوان یک پناهگاه عمومی در جنگهای مدرن و بمبارانها مطرح است که اگر چنین باشد توجیه عقلانی دارد و از باب تراحم می توان لحاظ کرامت انسان را برای حفظ جان او به صورت موقت تا حکومت جهانی حضرت حجت بعد از نابودی مستکبرین در این زمینه لحاظ نکرد.

شاخص سوم: استفاده از فناوری برای حاجات انسان و عدم پیگیری مستقیم حاجات توسط انسان

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (۷۹) وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلُوكِ تُحْمَلُونَ (غافر ۸۰)

یکی از مصداق کرامت که در این آیه ی شریفه به آن اشاره شده است این است که انسان برای دستیابی به حوائجی که در سینه دارد از موجود دیگری کمک بگیرد. در طول تاریخ شاهان همیشه با داشتن نوکر و خدمتکار سعی می کردند کرامت و برتری ذاتی خود را به دروغ به دیگران بقبولانند. یقیناً میان حمل بار انسان بوسیله کوله پشتی و حمل بار او توسط یک ربات همراه بارکش کرامت انسان در حمل بار او توسط موجود همراه است. البته همین جا تذکر این نکته لازم است که بحث اخلاقی بار بر دوش انسان دیگر انداختن متفاوت است با بار بر دوش حیوان انداختن و به ذهن نرسد که کوله پشتی بهر از همراه داشتن یک حیوان حمل یا ربات همراه است. در قرآن کریم برای نشان دادن ذلت و هوان جهنمیان در روز قیامت به حمل اوزار علی الظهور اشاره شده است:

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (أنعام ۳۱)

شاخص چهارم: تولید محصول به تناسب اشخاص (سفارشی سازی)

لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَا (مانده ۴۸)

خدای متعال در عالم خلقت هیچگاه به صورت تولید انبوه به خلق نپرداخته است، هیچ دو درختی با هم کاملاً یکسان نیستند، هیچ دو حیوانی با هم کاملاً یکسان نیستند و هیچ دو انسانی هم شبیه هم نیستند. سوال این است که چرا؟

جوابی که به ذهن می رسد این است که رفتار کریمانه آن است که در آن ظرفیت و استعداد طرف مقابل لحاظ شود و برای شخصیت او احترام در نظر گرفته شود. مثلاً یک استادی که برای همه شاگردان یک نسخه می پیچد کرامت شاگردان را حفظ نکرده است، یا مثلاً یک کارخانه ای که برای همه ی مشتریها یک مدل کالا بدون توجه به تفاوت های آنها تولید می کند نیز کرامت مشتری را حفظ نکرده است. از آنجا که انسان این کرامت را فطرتاً در می یابد امروزه دیگر تولید انبوه به آن شکل سابق در حال تبدیل شدن به سفارشی سازی است. یعنی مشتری محصول خود را به تناسب نیاز و سلیقه اش سفارش می دهد و مجبور نیست تولید انبوه غیر مخصوص خود را بخرد و از این سفارش دهی اختصاصی گاهی به تکریم مشتری یاد می شود.

از این قضیه که بگذریم در تاریخ داریم که امامان معصوم هر کدام روی شمشیرهایشان به تناسب شرایط زمانی و نیاز می دادند عبارت های خاصی حک شده بود. یا مثلاً روی انگشترهایشان نیز عبارات متفاوتی حک شده بود.

شاخص پنجم: دست ساز بودن محصولات فناوری

خدای متعال برای اشاره به کرامت انسان به خلقت مستقیم او با ید قدرت خویش سخن می گوید و می فرماید:

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ (ص ۷۵)

این که گفته می شود اگر تولید انبوه نباشد امکان تولید محصول برای همه نیست و انسان ها نمی توانند از پس نیازهای خود برآیند حرف باطلیست زیرا همیشه تاریخ به همان نسبت فرزندان، مادرانی بوده اند که برای فرزندان خود لباس بیافند و یا مادرزاد گهایی بوده اند که برای نوه های خود فرش و گلیم بیافند. این که یک انسان برای انسان دیگر نیازهایش را تولید کرده باشد علاوه بر حفظ کرامت انسان بین انسان ها محبت ایجاد می کند ولی این محبت بوسیله ی محصولات ماشین ساخته ایجاد نمی شود. امروزه محصولات دست ساز علاوه بر این که مشتریان بیشتری دارد به دلیل مطلوبیت بیشتر آن برای بشریت قیمت بیشتری هم دارد و انسان ها انس و ارتباط بیشتری با آن برقرار می کنند.

شاخص ششم: تعلیم غیر مستقیم به انسان

خدای متعال حتی در باب نحوه سخن گفتن با انسان هم به قلم اشاره می کند، اگر خوب تامل کنیم متوجه می شویم میان خطاب قرار دادن و عتاب کردن به افراد با نامه نوشتن تفاوت است. مثلاً امام علی علیه السلام برای فرزندش نامه می نویسد. این نامه نه فقط از باب حفظ شدن بوده است بلکه از باب حفظ کرامت و احترام به فرزند است. نصیحت کردن مکتوب بسیار کریمانه تر از نصیحت و سرزنش حضوری است و شیوه ی ائمه اطهار علیهم السلام و همه انسانهای کریم همین بوده است و از طرف مقابل شیوه جباران و ستمگران تاریخ که کرامت انسانی را لگد مال می کنند همواره احضار خطاکاران و توبیخ حضوری لفظی و فیزیکی بوده است.

خدای متعال می فرماید:

أَفْرَأَ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ (۳) الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (علق ۴)

همچنین پیشنهاد و توصیه‌ی مکتوب کریمانه تر از توصیه‌ی حضوری است زیرا ممکن است با توصیه‌ی حضوری مخاطب کمی در محضور قرار گیرد و یا احساس گوینده بر تصمیم او اثر بگذارد و این کریمانه نیست.

آیت الله جوادی آملی در این باره می نویسد:

زیبایی انسان، گذشته از سازمان نظامواره هستی او که در هر موجود دیگری هر چند ضعیف یافت می‌شود در گرو کرامت اوست. متون مقدس آسمانی به ویژه قرآن کریم، هستی بشر را تکریم کرده و او را موجودی گرامی شمرده و درباره کرامت وی، چنین فرموده است: (لقد کرّمنا بنی ادم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطّیّبات و فضلناهم علی کثیر ممّن خلقنا تفضیلاً (اسرا ۷۰)) ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن‌ها را بر مرکب در دریا و خشکی سوار کردیم و از پاکیزه‌ها روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری بخشیدیم. کرامت انسان، مرهون خلافت اوست؛ زیرا جانشین موجود کریم از کرامت برخوردار است و چنین کرامتی که از ناحیه خلافت الهی باشد، بهره غیر انسان نیست. از این رو، تعبیری که درباره انسان شده، درباره هیچ موجود دیگر نشده است و آن تعبیر ممتاز، همین حدیث معروف «من عرف نفسه فقد عرف ربه» است؛ زیرا شناخت جان آدمی از آن جهت که خلیفه خداست و این خلافت نیز تکوینی است نه قراردادی حتماً به شناخت خدا ختم خواهد شد و اگر به شناخت خداوند منتهی نگشت، معلوم می‌شود که انسان به خوبی شناخته نشده.^{۷۶}

در بیان دیگری ایشان می فرمایند:

بنابراین، کرامت انسان در پرتو خلافت اوست و «خلیفه»، کسی است که در تمام شؤون علمی و عملی خود، تابع «مستخلف عنه» باشد و برابر علم او اندیشه پیدا کند و مطابق اراده او صاحب انگیزه شود. خدای سبحان که خلعت خلافت را با آیه ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾ (بقره ۳۰) بر اندام موزون انسان وارسته پوشانید، تاروپود استبرق جانشینی را، معرفت اسمای حسناى الهی و مرمت قلمرو خلافت و آباد و آزاد سازی منطقه جانشینی از نفوذ تخریبی اهریمنان قرار داد و از جهت علمی فرمود: ﴿بقره ۳۱: و علم ادم الأسماء﴾ و از لحاظ عملی چنین فرمود: ﴿هود ۶۱: هو أنشأكم من الأرض و استعمرکم فیها فاستغفروه ثمّ توبوا إلیه إنّ ربّی قریبٌ مجیبٌ﴾ خدای یگانه شما را از زمین ایجاد کرد و شما را بر آبادی زمین برگماشت پس از او طلب مغفرت کنید سپس به سوی او توبه کنید، حقیقتاً که پروردگار من نزدیک و اجابت کننده است.^{۷۷}

۷۶ جوادی آملی عبدالله، اسلام و محیط زیست ص ۲۳ و ۲۴

۷۷ همان ص ۲۴ و ۲۷ و ۲۸

در بیان دیگری نیز از ایشان چنین مکتوب شده است:

مهم‌ترین عنصر خلافت الهی بعد از فراگیری معارف دینی، آباد ساختن زمین و نجات آن از هر گونه تباهی و تیرگی است. مقصود از زمین، گسترهٔ زیست بشر است که از عمق دریا تا اوج سپهر و قلّهٔ آسمان را در برمی‌گیرد. بنابراین، فرهنگ زیست محیطی با مقام برین جانشینی خدا آمیخته است. آن کس که به جای پالایش هوا، آن را می‌آلاید و عوض مرمت زمین، آن را ویران می‌کند و به جای غرس نهال، به قطع درخت می‌پردازد و به جای سالم سازی دریا و صحرا، از آلوده نمودن آن‌ها ایبایی ندارد، چنین فارغ بی‌فروغی، بی‌دریغ دروغ می‌گوید که خویشتن را خلیفهٔ خدا می‌شمرد. منظور از عمارت زمین، تأمین اصول زیست محیطی برای حیات انسانی است؛ نه خصوص زندگی گیاهی که برخی دارند و نه مخصوص حیات حیوانی که عده‌ای به آن بسنده نمودند، بلکه زندگی انسانی که جامع تمام مراحل نباتی و حیوانی هم خواهد بود؛ یعنی هم زمین از خطر تباهی برهد و هم زمینه از ضرر اخلاقی مصون بماند تا هم بدن از مزایای طبّ طبیعی طرفی بندد و هم روح از مواهب ویژهٔ نَفْسِ رحمانی، به رَوْح و ریحان نایل شود.^{۷۸}

نتیجه گیری

در این نوشتار پس از طرح دغدغه‌ی نویسنده و ضرورت موضوع به معرفی موضوع نظام ارزشی در فناوری پرداخته شد و ورود های علمای مسلمان در این موضوع اجمالاً بررسی شد. سپس طرح پیشنهادی برای نظام ارزش قرآن محور برای فناوری اسلامی به صورت مختصر ارائه گردید و یکی از عناصر بیست گانه ی آن به طور مفصل مورد پژوهش و بررسی قرار گرفت. نهایتاً مشخص شد شاخص کرامت انسانی یکی از شاخص هایی است که غرب نیز ناخودآگاه به آن به دلیل وجود فطرت کرامت خواه توجه دارد و در بسیاری از محصولات فناورانه ی خود مورد رعایت قرار می دهد. امید است با بحث ها و پژوهش های بیشتر سایر عناصر نیز مورد بررسی قرار گیرند و همچنین امید است این شاخص در تولیدات فناورانه ی کشور بیشتر مورد عنایت و توجه قرار گرفته و بر روی شاخص های تامین آن به صورت کمی و کیفی بررسی های بیشتری صورت پذیرد. در دعای شریفه ی ندبه، ظهور حضرت حجت ارواحنا له الفداء را برای زیاد شدن کرامت مان طلب می کنیم:

وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا (اقبال الاعمال، سید بن طاووس، ج ۱ ص ۲۹۸)

تشکر و تقدیر:

ما اصابك من حسنة فمن الله و ما اصابك من سيئة فمن نفسك، هر آنچه از نیکی در این مقاله گرد آمده از جانب حضرت حق و هر آنچه از کاستی، سستی، لغزش و ناراستی در آن مشاهده می شود از جانب نویسندگان آن است. لذا برای این مقاله شکری واجب بر گردن نویسندگان لازم است و همچنین استغفاری واجب از کاستی ها و ناراستی های آن. همچنین از وجود مقدس حضرات معصومین علیهم السلام که معادن

خیر و حکمت هستند و همه ی خیرات و برکات علمی از مجرای ایشان در عالم وجود افاضه شده و می شود متشکریم و خصوصا از بانوی مطهره آرمیده در شهر مقدس قم که در سایه ی زیارت حرم مطهر ایشان خیرات احتمالی این نوشتار حاصل شده است. همچنین این مقاله تقدیم می شود به روح مطهر امام راحل عظیم الشان و شهدای انقلاب و دفاع مقدس که به برکت مجاهدت آنان استواری این نظام مقدس و در سایه ی آن فرصت این پژوهش مهیا شده است و تقدیم می شود خصوصا به سه شهید آرمیده در مدرسه ی علمیه ی معصومیه ی قم. همچنین از زحمات حجت الاسلام حمید ملکی مدیریت محترم پیشین مدرسه ی علمیه معصومیه ی قم نیز که چنین بستر ارزشمندی را برای طلاب فراهم نموده اند تشکر می نمایم. از والدین و همسران نویسندگان که در پشت صحنه حامی فعالیت های علمی طلاب هستند و در ثواب این فعالیتها یقینا سهم هستند نیز تشکر ویژه داریم. در پایان و تمام شدن تالیف این مقاله همزمان با شهادت وجود مقدس امام هفتم علیه السلام ثواب احتمالی این نوشتار تقدیم می شود به روح گرانقدر حضرت امام موسی کاظم علیه السلام که سالها تک و تنها در قعر زندانها مجاهدت فرمودند تا شیعه به سلامت از گذرگاه سخت دوران هارون الرشید عبور نماید.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. صحیفه امام (موجود در نرم افزار صحیفه امام نسخه ۳ تولید موسسه تحقیقات رایانه ای نور)
۳. سایت خامنه ای دات آر (بیانات امام خامنه ای)
۴. کتاب فناوری در قرآن، رضا جلیلی و مرتضی قلعه نویی و رضا مقیسه، نشر دانشگاه امام حسین علیه السلام چاپ اول بهار ۹۴
۵. کتاب رابطه ی دین و فناوری، حسین مطیع، دفتر نشر معارف، قم ۱۳۹۶
۶. جعفری محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ج ۲۵
۷. جعفری محمد تقی، فلسفه دین، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی اندیشه ۱۳۷۵
۸. رضایی عبدالعلی، تحلیل ماهیت تکنولوژی، انتشارات مجنون، ۱۳۸۳
۹. طاهرزاده اصغر، گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی، انتشارات لب المیزان، چاپ .. اصفهان ۱۳۸۷
۱۰. جوادی آملی عبدالله؛ اسلام و محیط زیست، نشر اسراء، چاپ سوم، قم ۱۳۸۶
۱۱. جوادی آملی، عبدالله؛ ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت، چاپ هفتم، نشر اسراء، قم
۱۲. موسوی خمینی روح الله، صحیفه نور جلد ۱۸، نسخه نرم افزار به سوی نور ۴
۱۳. طباطبایی سید محمد حسین؛ تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، نرم افزار مجموعه آقار علامه تولید موسسه نور
۱۴. هفته نامه صبح صادق؛ شماره ۴۷۶، تهران سال ۱۳۸۹
۱۵. مجله مبلغان؛ شماره ۱۰۰، قم بهمن و اسفند ۱۳۸۶
۱۶. مکارم شیرازی ناصر، حکومت جهانی مهدی (عج) نسخه نرم افزار مجموعه آثار ایشان تولید موسسه نور
۱۷. مبتکر سربابی اسفندیار، اشتیاق حضور، نشر نماز، ستاد مرکزی اقامه نماز، چاپ اول مهر ۱۳۸۰
۱۸. نور مجرد، نوشته سید محمد صادق حسینی طهرانی
۱۹. هزار و یک نکته علامه حسن زاده آملی